

« دوستدار استنباط کرده است که دولت علیه ایران در مذاکرات انشباب يك تردید »
 « خیال و بی میلی دارید چرا چنین است با اشکال میتوان باور کرد که دولت علیه گمان »
 « کند که دولت انگلیس از اصرار در این خصوص بجز اعانت و کمک تجارت و فایده »
 « عاید بدولت علیه ایران منظور دیگری دارد اگر ممکن باشد بر خیال کسی خطور »
 « نموده باشد دوستدار آن جناب جلالتماب را اطمینان میدهد که خیال آن شخص باطل »
 « و عاقل است بپیچوجه خیال و مقصود نهائی نیست فقط صادقانه و خالصانه منظور »
 « این است که رود کارون را معبر تجارت بسند مثل شط العرب که چه اندازه مایه »
 « وسعت معاش و سعادت مردم آن نواحی شده است چرا راضی نمیشوند به عوض این منازل »
 « دور و دراز امتعه بتوسط کشتی حمل با هواز و شوشتر شود فائق های اهالی این »
 « مملکت بجهت اینکار کافی نیست و لابد جهازات بخار باید در کار آورد و باینطور هم »
 « صرفه وقت و هم صرفه وجه ملحوظ است مقدور نیست که تمام نکات و محاسن »
 « افتتاح رود کارون را در یک مراسله اظهار داشت و اگر بیش از این اطلاعات لازم بود »
 « ممکن بود که تقدیم دولت علیه ایران نمود محل شبهه نیست که این کاری است که »
 « سبب فواید کثیره بجهت عموم مملکت است و دوستدار نمیتواند اعتقاد نماید که رای »
 « گیتی آرای اعلیحضرت اقدس شهریاری منکر اجرای این عمل گردد. »
 « اگر سخن دوستدار بسمع قبول اصحاء میشد هر آینه اصرار بلیغ می نمود که دولت »
 « علیه ایران بتوجه حالیه خود را از جمیع ملل دور و تنها نگذارد و قطع مرادوده عملی »
 « از سایر جاها نماید. يك ملت بمنزله شخص مفرد است که نمیتواند از دیگر مخلوق دور »
 « باشد از جناب عالی استفسار میشود که آیا ممکنست شخصی در خانه خود نشسته ابواب »
 « را از همه جانب بروی خود بسته و از انباری که گرد کرده و جمع آورده مزروع کرد و »
 « بر آن انبار نقصان روی ندهد زود باشد که اتمام آن انبار را ملاحظه و خود را در »
 « ورطه جوع مشاهده نماید و خائف است که هر گاه در باز شود دوست و دشمن هر دو داخل »
 « میشوند و حال آنکه اگر دشمنی بخواهد داخل شود درها باز یا بسته باشد تجبراً و عنفا راه »
 « خود را باز کرده داخل خواهد شد و آن شخص از روی بدبختی می بیند فرصتی نمانده »
 « است که ابواب دیگر را گشاده که دوستان او داخل شوند بلکه آن دوستان هم »
 « بواسطه عدم مرادوده رفته رفته سرد و بی میل شده اند و با این حال در کمک و امداد او »
 « دستی دراز نمیشود. »
 « و اگر دوستدار معذور باشد که اظهار اعتقاد خود را نماید اظهار خواهد داشت که »
 « دولت علیه ایران خوبست بدون بیش از این تعویق کلیه این خیر خواهی و ضوابط بدید »
 « دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در خصوص طرق جنوب ایران قبول فرمایند »
 « و اگر این منظور صورت گیرد سختی در قرار دادن اجرای این مطلب با آنهاست »
 « که مایلند دولت علیه ایران را در اینکار کمک نمایند نخواهد بود دوستدار خواهش »
 « مینماید که این مطلب را نگذارند که در میان مذاکرات و رایرتهائی که منتج هیچ »
 « نتیجه نیست فقدان پذیرد یا اینکه بگویند باید درست از حالات راهبائی که باین مشهور است »
 « اطلاع نمایم که این قسم گفتگوها را فقط عنبر بجهت تعویق میداند و آنهاستیکه مایل »

« انکار میباشند بواسطه تاخیر و تعطیل زیاد از این خیال منصرف خواهند شد و اگر »
 « صورت گیرد اشخاصیکه بنای اینکار را گذارده اند چنانچه دوستدار اظهار داشته کمال »
 « فایده را خواهند برد و مصرا نه بدولت علیه ایران اظهار مینماید که از هر جهت »
 « اینکار از حیث پولتیک و تجارت و مالیات بجهت دولت علیه فواید کثیره دارد در صورتی »
 « که نگذارند فرصت حالیه از دست برود در اینوقت احترامات فائقه و دوستانه صادقانه »
 « خود را با آن جناب جلالتماب تجدید مینماید. »

« زیاده چه تصدیع افزایش فی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۰۳ »

محل مهر (آرترنیکلسن)

باین ترتیب همان طور که گفته شد این موضوع سالها
 بطول انجامید تا میرزا علی اصغر خان امین السلطان بصدارت
 ایران رسید و در ویندولف سمت وزیر مختاری انگلیس در
 تهران منصوب گردید و امتیاز رود کارون و امتیاز تاسیس بانک
 شاهنشاهی داده شد و سپس امتیاز ساختن راه تهران بسواحل خلیج فارس توسط یحیی خان
 مشیرالدوله بیانگ شاهنشاهی واگذار گردید. لرد کرز در این باب در سال
 ۱۸۹۱ مینویسد .

امتیاز را
 بمشیرالدوله
 داده میشود

« حال بانک شاهنشاهی در صدد است که راه محمره بظهران راه تهران برای مراد مرانی دایر کند بلکه میخواهد
 يك راه شوسه درست و حسابی که شاهراه باشد بایرانی ارزانی دارد این راه طوری خواهد بود که جنوب ایران را به
 طهران وصل کند و یگانه طریق ارتباط باشد نقشه اینکار در زمانهای قبل تهیه شده بود و حال شروع بکار نموده اند
 که راه بین طهران و شوشتر یا اهواز را که در کنار رود کارون واقع است از راه قم ، سلطان آباد ، بروجرد و
 خرم آباد شوسه نمایند . »

امتیاز این راه را برای مدت شصت سال در ۱۸۸۹ میرزا یحیی خان مشیرالدوله از شاه گرفت بعد بانک
 شاه این امتیاز را از ایشان بدست آورد و اینک مهندسی آن مشغول ساختن این راه میباشد و ممکن است در همین
 روزها يك موسسه مالی مخصوص برای عملی نمودن آن دایر گردد و منافع زیادی برای آن متصور است زیرا که این
 راه خلیج فارس را بر کر ایران نزدیک خواهد نمود و همچنین قسمتهای فوق العاده حاصل خیز را که تا حال از آنها
 غفلت شده است آباد خواهد کرد .

علاوه بر این وسایل حمل و نقل مال التجاره انگلستان و هندوستان را سهل و آسان خواهد نمود بالاتر از اینها
 بزوار اماکن متبرکه که که از اطراف و جوانب سالیانه قریب یکصد هزار نفر میشود و مقصد آنها قم و مشهد در شرق
 و کربلا و نجف و کازمین و سامره و مکه معظمه در قسمت غربی است کمک فوق العاده خواهد کرد .

در قسمت های هوار آن وسائل حمل و نقل با دستگاه بهولت برای مسافرین برقرار خواهد شد
 روخوانیهای عرض راه در صورت لزوم سد بندی میشود کاروانسراها و باراندازها و بناها برای مستحقین راه
 تهیه خواهد شد همچنین از بروجرد يك راه فرعی باصفهان ساخته میشود. بین این دو شهر قریب ۲۱۰ میل راه است.
 تقریباً شصت فرسنگ باین وسیله شهرهای جنوبی بفرعی باصفهان ساخته میشود. و مراکز پر جمعیت و
 شهرهای تجاری بهم مربوط خواهند شد از این شهرها يك منخرج صحیحی بخلیج فارس مقتوح خواهد گردید.
 چنانکه مشاهده شده بوسیله این راه تمام این شهرها براه کشتی رانی رود کارون وصل میشود و از این راه در مدت

۶۲ روز از خلیج فارس میتوان با کاردوان بپهران رسید در صورتی که امروزه از راه بوشهر و شیراز در مدت چهل الی پنجاه روز باید آن راه را طی نمود .

متن امتیاز نامه

امتیاز نامه راه عربستان

« این امتیاز نامه برای ساختن راه فیما بین دارالخلافه الی »

« اهواز برای حمل مال التجاره بتوسط عراده بایک شعبه از راه بروجرد باصفهان
 « فصل اول - اولیای دولت علیه بچا کرد دولتخواه این امتیاز را مرحمت خواهند فرمود »
 « ومدت آن از روز تاریخ صدور فرمان الی انقضای شصت سال تمام میباشد این چا کرد دولت
 « خواه حق آنرا خواهد داشت که راه فیما بین اهواز و طهران را بانضمام راه فیما بین
 « بروجرد و اصفهان بسازد .

« و حق دیگر چا کر آنستکه در عرض راه در هر نقطه و مکانی که صلاح بدزند
 « کاروانسرا و پل و خانه از برای سکونت عملیات و انبار و اصطبل و لوازمات دیگر و
 « کارخانجات تجاری و وحدادی که برای راه ضرورت دارد بسازد و حق دیگر چا کر
 « این است که حمل و نقل مال التجاره و سیاح را بوقت و قرآر معین تجدید نماید و در
 « عرض راه حق آنرا خواهد داشت که در هر جا لازم است مجرای آب قنات احداث
 « نماید ولی فقط برای منزلگاههایی که آب نداشته باشد و در هر منزلگاهی اراضی
 « بایر که مال دولت باشد باندازه چهار هزار ذرع منزلگاه اعطاء خواهند فرمود
 « که بجهت قوت خود کشت و زرع نمایند .

« و مجاز خواهد بود که محصول آنرا اگر بخواهد بفروشد یا بخارجه حمل نماید
 « و همچنین مجاز خواهد بود اراضی که بتوسط صاحب امتیاز دایر شده است اجاره بدهد
 « ولی برعیت ایران و دیگر چا کر خانه زاد متعهد است که حق عبور از دواب و مکاری
 « و مسافر دریافت نکند مگر در سر پلها که مخصوص ساخته شده است و قرار آن
 « را باید قبل از وقت با اولیای دولت بدهد .

« فصل دوم - برای ساختن ابنیه مفصله فوق در عرض راه - اراضی که متعلق بدولت
 « باشد باید بقدر لزوم مجاناً مرحمت شود و اگر متعلق بمردم است چا کر خانه زاد یا
 « اجاره خواهد کرد یا خریداری خواهد نمود .

« فصل سوم - راه ابنیه در هر قریه که ساخته خواهد شد آلات و ادوات و اراضی
 « ابتاعی در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض از دیداد تجارت و امنیت
 « مال التجاره و سیاح در عرض راه چا کر خانه زاد حق آنرا خواهد داشت که اولیای
 « دولت حمایت کامل فرموده بحکام و ضوابط ولایات عرض راه که خط راه عبور میکنند
 « احکام موکد صادر فرمایند که از اجزاء و اعضاء راه حمایت نموده و حفظ و حراست
 « کنند تا تمهیدات چا کر بموقع اجری برسد و اگر در ضمن این حفظ و حراست گاهی
 « احتیاط محتاج بقوه عسکریه بشود دریغ نکنند و بهیچگونه عذری متعذر نشوند .

« فصل چهارم - چا کر دولتخواه برای اجرای این مقصود مجاز خواهد بود که
 « از خارجه از سرمایه داران خارجه کمک بخواهد و مهندسین و عملجات خارجه اجیر نماید تا
 « بپون الله این خدمت بزرگ انجام پذیر شود .

« فصل پنجم - اعلیه حضرت اقدس شاهنشاهی حق مخصوص بچا کر میدهند که
 « ساختن راه ابنیه از قبیل پلها و منزلگاهها و قنات و مجاری آب و آلات حمل و نقل
 « رامحض اطمینان سرمایه داران داخله و خارجه که بولشان بصرف کلیه راه میرسد
 « بضمانت بدهد و این امتیاز در مدت شصت سال از چا کر گرفته نخواهد شد مادامیکه
 « تمام پول که بصرف اینکار رسیده است بسرمایه داران رسیده باشد و با کارهای
 « این راه باتمام نرسیده باشد و اتمام این کار باین در دو سال و نیم بعد از
 « شروع باشد .

« فصل ششم - ششماه بعد از صدور فرمان باید شروع بکار شود و الا این امتیاز نامه
 « از درجه اعتبار ساقط است .

« فصل هفتم - یکسال بعد از دایر شدن اداره حمل و نقل مال التجاره و مسافری در
 « آخر هر سال از منافع حاصله این اداره چا کر خانه زاد دودو بخانه دولت تقدیم
 « خواهد کرد و اولیای دولت بهیچ اسم و رسم مالیات و واهداری و صادر و عارض از
 « اراضی مزروع و غیر مزروع و مستغلات و متعلقات باین اداره مطالبه نفرموده کلیه
 « را معاف خواهند فرمود و نیز ادواتی که از هر قبیل برای این راه لازم باشد از دادن
 « گمرک معاف خواهد بود و مباشرین گمرکخانه حق تجسس در بارها خواهند
 « داشت که معلوم شود مال متفرقه داخل آن نباشد .

« فصل هشتم - خانه زاد متعهد است که حمل و نقل بستی دولتی را در خط این راه بنصف
 « نرخ برد و نیز این چا کر دولتخواه متعهد است که در حمل و نقل مال التجاره ها یا کرایه
 « تقدم و تأخر باشخاص ندهد و یا ملاحظه رعایتی نموده اشخاص را بدیگری اختصاص
 « و ترجیح بدهد و با تمام مردم در این مسئله بمساوات حرکت خواهد نمود که
 « اسباب رنجش احدی نشود .

« فصل نهم - چا کر خانه زاد برای انجام این مقصد متبھی سی نفر عماله و اجزاء خارجی
 « لازم خواهد داشت و آنها در تحت قانون و آداب دولت علیه ایران
 « خواهند بود .

« فصل دهم - برای تحصیل ده دو منافع معروضه اولیای دولت علیه حق خواهند داشت
 « که هر ششماه بواسطه مامور مخصوص دفاتر کسان چا کر را ملاحظه و رسیدگی نمایند این
 « مامور باید دائم در آنجا باشد .

« فصل یازدهم - محض اطمینان خاطر اولیای دولت که این راه مسلماً باتمام خواهد
 « رسید چا کر خانه زاد مبلغ ده هزار لیره انگلیسی در بانک شاهنشاهی برده بطور
 « ضمانت خواهد گذاشت و قبض بانک را تسلیم اولیای دولت خواهد کرد و اینوجه
 « ضامن اتمام راه در مدت سه سال ابتداء از تاریخ صدور فرمان خواهد بود و این
 « مبلغ وجه ضمانت که ده هزار لیره انگلیسی است بچا کر خانه زاد رد نخواهد شد مگر
 « وقتیکه یک خمس از راه ساخته شد یک خمس از آن وجه مسترد گردد باین ترتیب
 « که هر یک خمس از راه که ساخته شد یک خمس آن مسترد گردد و قس علیهذا »

« اگر در مدت سه سال راه تمام نشد هر قدر از وجه ضمانت که باقی است حق دولت خواهد بود.»

« فصل دوازدهم - در آخر شصت سال که مدت امتیاز نامه از تاریخ صدور فرمان است »
 « در صورتیکه این امتیاز نامه تجدید شود تمام آلات و ادوات و مستغلات غیر منقول »
 « مال دولت و منقول را در صورت لزوم خریداری خواهند فرمود انشاء الله تعالی در »
 « سایه عدالت پیرایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه بموجب شرایط و اوزده »
 « گانه این خدمت را انجام خواهد نمود فی ۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۸ محل مهر »
 « یحیی خان مشیر الدوله .

انتقال امتیاز نامه به بانك شاهشاهی و سپس بکمپانی لینچ

از ابتدا این امتیاز نامه را به یحیی خان مشیر الدوله (۱) دادند که او به انگلیسها را گذار نماید زیرا بواسطه مخالفت روسها نمیخواستند دولت ایران مستقیماً این عمل را کرده باشد چنانکه در مورد رود کارون هم دیدیم باینکه افتتاح آن رود برای انگلیسها بود معیناً عنوان « کلیه ملل » را روی آن نهادند .

یحیی خان مشیر الدوله در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۰۷ هجری قمری یعنی همانسال اعطای امتیاز نامه بر اهنمائی سفارت انگلیس در تهران و با اجازه دولت ایران امتیاز نامه را بیک عده از سرمایه داران انگلیسی میفروشد و امین السلطان صدر اعظم برای تأیید این امر تحت عنوان « فصل الحاق بر امتیاز راه شوسه عربستان » شرح ذیل را با مضای ناصرالدین شاه بسفارت انگلیس میدهد .

« نظر باینکه جناب اشرف مشیر الدوله بتصدیق دولت علیه تمام حقوق خود را »

۱ - یحیی خان مشیر الدوله برادر کوچکتر میرزا حسین خن سپهسالار متولد بساز ۱۲۴۳ هجری قمری در قزوین است .

یحیی خان پس از تحصیلات ابتدائی با برادرش میرزا حسین خان بارو با رفت و وقتی به تهران بازگشت وارد مشاغل دولتی شد و چون زبون فرانسه را خوب می دانست ناصرالدینشاه او را با لقب معتمد المملک بسمت آجودان مخصوص خود انتخاب نمود .

یحیی خان مانند برادرش مردی زیرک و باهوش و کاردار بود - دکتر فوریه پزشک مخصوص ناصرالدینشاه علت ترقی او را در یادداشت های خود اینطور شرح می دهد

« در سال ۱۲۷۵ موقعی که از وی شام در منزل حوض سلطان بود و یحیی خان در جلو چادر پادشاه قراول می داد و دستور داشت که احدی را نگذارد بچادر داخل شود حاجی مبارک خواجهمسرا خواست بزور بداخل چادر سلطنتی قدم گذارد و یحیی خان مانع شد . حاجی مبارک قهقهه خود را کشید و چنان ضربتی به صورت یحیی خان زد که بینی او را شکافت . شاه از این سروصدا از چادر بیرون جست و چون بر جری آن قضیه اطلاع یافت امر داد تا فای المجلس کردن حاجی مبارک را بزند و تمام دارائی او را به یحیی خان بخشید . بعد از چندی ناصرالدینشاه خواهر تنی خود را به یحیی خان بزرگیت داد و او مشاغل عمده از قبیل حکومت های مهم را گذاشت و او را با الطاف جزیل سرافراز ساخت . »
 یحیی خان معتمد المملک بعد از فوت سپهسالار در سال ۱۲۹۹ ملقب بمشیر الدوله شد .

مشاغل عمده یحیی خان عبارت بود از مدیر مشورتخانه شاهی - وزیر مخصوص وسر کشیکچی باشی اردو - والی فارس - والی مازندران - وزیر امور خارجه و وزیر عدلیه و تجارت .

یحیی خان در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۹ هجری قمری هنگامی که در طهران مرض انفلوانزا شیوع یافته بود باین مرض در گذشت و جنازه او را بمشهد بردند و در کنار قبر برادرش سپهسالار بجاک سپردند .

« از این امتیاز بیک جماعت بین المللی واگذار نموده و جماعت مذکور در مدت شصت سال »
 « مالک و صاحب خالص حقوق مزبور و مسئول تکالیف معینه این امتیاز میباشند و دولت »
 « علیه قبول شرایطی را مینماید که بر حسب آنها جماعت مذکور خود را بجای صاحب امتیاز »
 « گذاشته است هر گاه کمپانی راهی بسازند که بالفعل داخل و محل عبور قوافل است و جهتی »
 « برای راه بدولت علیه نخواهد داد ولی هر جا نظر به بدی راه معمول کمپانی صلاح »
 « بدانند جزئی انحرافی در یک قسمت خط کل بدهد اگر آن خط جدید از املاک »
 « حاصل خیز دولت علیه یا اشخاص دیگر بگذرد کمپانی باید قیمت آن املاک را بر بخ »
 « عادلانه بمصاحبانش بدهد و اگر آن املاک لم یزرع و غیر حاصل خیز و متعلق بدیوان »
 « اعلی باشد همچنان بکمپانی واگذار خواهد شد و نیز حق مانع لغیر نقل اشخاص و مال »
 « التجاره بواسطه عرابه و کالسکه و همچنین وضع حمل دیگر در این راه بجماعت مذکور »
 « مرحمت میگردد اما در باب رسوم باج به پیاده روان و مال حمل در سر پل هائیکه »
 « دولت علیه اجازه بدهد کمپانی باج بگیرد در مدت ششماه بعد از تصدیق این »
 « فصل الحاقی باید بین دولت و جماعت مذکور تعیین و برقرار گردد غره ذی القعدة »
 « پارس ثیل ۱۳۰۷

« محل صحنه مبارک همایونی

« فصل الحاقی امتیاز راه شوسه عربستان که بتوشیح دستخط همایون اقدس اعلی »
 « شاهنشاهی است زیارت و ثبت شد صحیح است شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۰۷

محل مهر (امین السلطان)

سرمایه داران مزبور شرکتی باسم « کمپانی راه شوسه » تشکیل میدهند ولی چندی بعد صلاح دیده میشود که امتیاز نامه بپانك شاهنشاهی واگذار گردد و شخصی بنام (آلفرد لمر) نمایندگی کمپانی راه شوسه امتیاز نامه را بپانك شاهنشاهی میفروشد و بالاخره بانك شاهنشاهی نیز در سال ۱۹۰۲ امتیاز نامه را بکمپانی انگلیسی « لینچ و برادران » منتقل میکنند چنانکه در امتیاز نامه دیده میشود میبایست پس از ششماه از تاریخ امتیاز نامه (۷ ربیع الثانی ۱۳۰۷) عملیات راهسازی شروع شده و پس از دو سال و نیم تمام گردد ولی هیچگاه این امر جامه عمل نپوشید و تا سال ۱۳۴۴ هجری قمری کمپانی لینچ بهناوین مختلف این مدت را مکرر تمدید میکرد و به بهانه های متعدد از قبیل عدم مساعدت دولت ایران وضع غیر عادی مملکت و حوادث غیر مترقبه متوسل میشد تا سر انجام در ۱۱ عقرب ۱۳۰۰ شمسی) دوم ربیع الاول ۱۳۴۰ هجری قمری) اعلانی از طرف دولت ایران منتشر شد که چون کمپانی لینچ رعایت مواد و شرایط امتیاز نامه را ننموده و با تمام حجت دولت ایران در این باب ترتیب اثر نداده دولت امتیاز نامه مزبور را لغو مینماید .

کمپانی انگلیسی لینچ سابق الذکر که سالها با سبب تجارت جنوب کشور ما را میدان تاخت و تاز خود قرار داده بود و بهناوین مختلف در دستگاههای دولتی دخالت و

اعمال تفوذ میکرد امتیازات دیگری مثل امتیاز ساختن و نگاهداری راه از اهواز باصفهان و از شوشتر باصفهان را هم در اختیار داشت .
این امتیاز ابتدا در تاریخ بیستم ماه ذی القعدة ۱۳۱۴ هجری قمری بموجب قراردادی - در هشت فصل برای مدت شصت سال به « اسفندیارخان سردار اسعد و محمد حسین خان سپهسالار و حاجی علیقلیخان » داده میشود
بموجب فصل سوم صاحبان امتیاز حق دارند برای رفتن و برگشتن از هوشتر بابار ۱۵ قران و بی بار ۲ قران و قاطر بابار ۱۲ قران و بی بار ۲ قران و الاغ بابار ۶ قران و بی بار ۱ قران باج دریافت دارند .
طایفه بختیاری از پرداخت این باج معاف بودند .

این راهها باید در مدت سه سال و نیم بعد از امضاء امتیاز نامه ساخته شود و امنیت تمام راه بمهده صاحبان امتیاز خواهد بود و اسباب و ملزومات ساختن راه بدون دادن گمرک و راهداری وارد خاک ایران خواهد شد .

این امتیاز نامه گذشته از امضاء صاحبان امتیاز ، امضاء و مهر « حاج میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه » و « امین السلطان صدر اعظم » و امضاء و مهر وزیر مختار دولت انگلیس را هم داشت
تقریباً يك سال بعد از امضاء امتیاز نامه فوق در تاریخ دهم ماه شوال ۱۳۱۵

(۳ مارس ۱۸۹۸) قراردادى بین کمپانى لینیچ از يك طرف و اسفندیار خان سردار اسعد و محمد حسین خان سپهسالار و حاجی علی قلی خان از طرف دیگر درده فصل منعقد میشود .
بموجب این قرار داد کمپانی لینیچ متعهد میگردد که پولی از قرار صد شش در سال بدست بیست و پنج سال به صاحبان امتیاز قرض بدهد و صاحبان امتیاز با قسط هر سالی يك هزار و صد تومان بابت اصل و فرع از آخر سال سوم تاریخ امضاء قرار نامه آنرا بپردازند .

تهیه نقشه راه و انجام کلیه عملیات ساختمانی راهها و کار و انسراها توسط کمپانی لینیچ و برادران خواهد بود .
صاحبان امتیاز متعهد میشوند که در میزان مبلغ باج بدون موافقت سفارت انگلیس تغییر و تبدیلی ندهند .

این قرارداد گذشته از امضاء طرفین بمهر و امضاء وزیر مختار انگلیس نیز رسیده بود

گذشته از امتیازاتی که در این بخش شرح داده شده انگلیسها امتیازات دیگری نیز در ایران تحصیل نموده اند که برای جلوگیری از تطویل و هم از آنجهت که چون زیاد اهمیت نداشته و با بر حله اجراء در نیامده اند از شرح آنها صرف نظر گردید مثل امتیاز انحصار تریاک - امتیاز انحصار پرورش کرم ابریشم - امتیاز انحصار صید مروارید - امتیاز تهیه اسفنج - امتیاز ایجاد مجاری آب و برگرداندن مسیر رودخانهها و بستن سد و غیره .

بخش سوم



روابط ایران و روسیه تزاری

و

امتیازاتی که روسها در ایران تحصیل کرده اند

مقارن افول ستاره قدرت و عظمت سلسله صفویه در ایران ، در روسیه مردساجشور و با کفایتی بنام بطر کبیر ظهور کرد که تسخیر ایران و رسیدن بخلیج فارس جزئی از نقشه جهانگیرانه او بود .

وصیت نامه ایست منسوب به بطر کبیر که در فصل نهم آن بجانشینان خود در باره ایران اینطور دستور میدهد .

« دولت روسیه را وقتی میتوان در حقیقت دولت نامید که پایتخت خود را شهر استانبول »
« که کلید کنوز آسیا و اروپاست قرار بدهد بنا بر این باید حتی الامکان کوشید که »
« باین شهر و حوالی آن دسترسی پیدا کرد تا مالک تمام دنیا شد .
« برای انجام این امر و رسیدن باین مقصود بایستی میان ایران و عثمانی اختلاف »
« انداخت تا همیشه بین آنها چنگ و جدال برقرار باشد . اگر چه اختلاف مذهب و تبارین »
« عقاید که جماعت شیعه با اهل سنت دارند کار هزار لشکر و تاثیر هر تیر و تیغی را میکند »
« و برای اجرای مقصود ما یعنی تسلط و اقتدار روسیه در ممالک آسیا بهترین وسیله »
« میباشد معینا بر شما لازم است که همواره بهتر تریبی هست شعله این اختلاف و »
« تقارر در میان دامن زنی و خصومت و عداوت آنها را با همدیگر زیاد کنید و نگذارید »
« بمقام الفت و موافقت بر آیند .

« چیزی که بیشتر از همه مرا خوشحال میکند دو موضوع است یکی تبارین مذهب »
« میان شیعه و سنی دیگر مداخله و تسلط علمای دین در امور مسلمین و عدم تجویز »
« آنها مردم مسلمان را از مخالطه با اهل اروپا که تا چشم و گوش آنها باز شده راه »
« از چاه باز شناسند و همین موضوع کفایت میکند که بزودی نام اسلام از ممالک آسیا »
« بر طرف شود و مدنیت و تربیت دین عیسوی بدست سلاطین دولت جوان روسیه »
« جای آنرا بگیرد .

« مدتها بود که این زویه یعنی دخالت علمای دینی در کلیه امور ما مردم روسیه را در »
« پست ترین مراحل نگاهداشته و مانع از ترقی و ظهور قدرت و استعلاى آن میشد و »

«من با هزار زحمت این خار کثیر المضررت را از راه ترقی ملت برداشتم و دست مداخله»
 «آنها را از امور دولت کوتاه و بصوم و صلوة متقاعد نمودم .

«علاوه بر این باید تدابیر گوناگون بکار برد که مملکت ایران روز بروز بی پول تر»
 «شود و تجارتش تنزل کند و بطور کلی همیشه باید در فکر تنزل این مملکت بود و چنان»
 «باید او را در حال احتضار نگاه داشت که دولت روس هر وقت بخواهد بتواند بدون»
 «زحمت قادر بر هلاک و خفه کردن او باشد و باندک فشاری کار او را با آخر رساند لیکن»
 «مصلحت نیست که قبل از فوت کامل و مرگ حتمی دولت عثمانی از جسد ایران بالبره»
 «قبض روح نمود .

« ممالک گرجستان و ولایات قفقاز شریان حیاتی ایران است و همینکه نوك نیش»
 « تسلط روسیه بر آن خلیج فی الفور خون ضعف از رگ و دل ایران فوران خواهد کرد»
 « چنان او را از حال خواهد برد که بطبابت هزار افلاطون اصلاح طبیعت او»
 « ممکن نشود .

« آنوقت سلاطین روسیه تا اطفاء شعله آخری مملکت عثمانی را مانند شتری مهار»
 « شده در دست خواهند داشت که هنگام ضرورت بارکش مایحتاج و بعد از اتمام عمل»
 « بدون اشکال تخریب نمایند .

« بر شما لازم است که بدون فوت وقت ممالک گرجستان و قفقاز را تسخیر نموده و»
 « فرمانفرمای ایران را خادم و نوکر مطیع خود سازید و بعد از آن باید قصد هندوستان»
 « کرد چونکه آن ممالک بسیار بزرگ و محل وسیعی برای تجارت است و هر گاه در»
 « آنجا تسلط پیدا کردید هر قدر پول که بوساطت انگلستان بدست می آید بیشتر»
 « آنرا اصاله از هندوستان میتوان تحصیل کرد - کلید هندوستان سمت ترکستان است»
 « هر قدر میتوانید از جانب صحاری قرقیز و خیوق و بخارا پیش بروید تا شاهد مقصود»
 « را در آغوش کشید ولی تأمل و تانی را از دست نباید داد و از عجزه و شتاب احتیاط»
 « و اجتناب باید نمود .

بطر کبیر بمنظور انجام نقشه های خود و برای آنکه راه تجارت مستقیمی با هندوستان داشته باشد در سال ۱۱۲۹ هجری قمری با دولت ایران یک عهدنامه تجارتنی منعقد نمود ولی بواسطه ظهور نادر شاه کاری از پیش نبرد و جانشینان او مخصوصاً کاترین دوم با آنکه کوششهای زیادی برای اجراء وصیت نامه بطر کبیر و دسترسی بخلیج فارس بعمل آوردند معیناً نتیجه ای نگرفتند .

بعد از آنکه پل اول امپراطور روسیه که بواسطه اتحاد با ناپلئون و طرفداری از فرانسویها بتحریک انگلیسها در سال ۱۸۰۱ میلادی بقتل میرسد و الکساندر اول امپراطور روسیه میشود دولت روس از ضعف و بی اطلاعی حکومت فتحعلیشاه استفاده کرده جدا بمنظور اجراء دستور بطر کبیر مشغول اقدام شده و برای تسخیر قفقاز در اواخر سال ۱۲۱۸ هجری قمری (۱۸۰۳ میلادی) سیسیانف سردار روس در نواحی گرجستان بتعرض میرداد و دوره اول جنگ های ایران و روس شروع میگردد .

مدت این جنگ قریب ده سال بطول انجامید و در تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ هجری قمری با انعقاد معاهده گلستان پایان یافت :

در نتیجه این جنگ دولت ایران گذشته از تلفات جانی و مالی بسیار ولایات داغستان - قوبا - شیروان - شماخی - باکو - سالیان - طوالش - قره باغ - شوشه - گنجه - گرجستان را از دست میدهد و از سرپرستی ایمرسی - غوری - مینگرلی (در ساحل دریای سیاه) ابخاز - شوراگلی - کاختی و غیره محروم میشود .

صلح بین ایران و روس چندان بطول نینجامید و بمنوان اختلاف مرزی مجدداً در سال ۱۲۴۱ هجری قمری (۱۸۲۵ میلادی) آتش جنگ بین دولتین شعلهور میگردد و سرانجام بعد از بیست ماه جنگهای سخت میان طرفین با وساطت و دخالت مامورین سیاسی انگلستان عهدنامه سنگین و اسارت آمیز تر که با نچای را در تاریخ پنجم ماه شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری با ایران تحمیل میکنند و باین ترتیب دوره دوم جنگ های ایران و روس نیز خاتمه میپذیرد .

ایران بعد از این معاهده ایروان و نخجوان و بقیه اراضی ماورای رود ارس را هم از دست داد .

عهدنامه ترکمانچای و ضمایم آن چون زنجیر گرانی بود که برای مدت تقریباً یک قرن بدست و پای ملت ایران افکنده شد و تزاران روس او را تا سرحد مرگ کشانیدند . سیاست تزاران روسیه در این مدت همان طور که بطر کبیر گفته بود - برانگیختن وسائل گوناگون بمنظور توسعه نفوذ روسیه در کشور ما و بنده و برده ساختن ملت ایران بود و سیاست تحریک و اختناق ایران توسط عمال تزاری روز بروز شدیدتر میشد و بطوریکه خواهیم دید از اواخر قرن نوزدهم تا انقلاب کبیر اکتبر سال ۱۹۱۷ استقلال ایران اسمی بی مسمی بود .

علاوه بر سرزمینهایی را که ایران از دست داد بموجب عهدنامه ترکمانچای دولت ایران مبلغه کروور تومان رایج یا بیست میلیون مناط بابت خسارات جنگ بدولت روس پرداخت و از داشتن کشتی جنگی در بحر خزر ممنوع شد و برطبق معاهده تجارتنی ضمیمه عهدنامه مزبور حقوق و مزایای بیشماری برای تجار تبعه روس در ایران شناختند و بمامورین سیاسی و کنسولانی روس حق کاپیتولاسیون داده شد باین معنی که هر گاه «مابین اتباع روس قتل و جنایتی بوقوع رسد رسیدگی و محاکمه آن راجع» به «وزیر مختار و شارژدافر و قونسول» روس خواهد بود و همچنین «اتباع ایران که جزء من تبع وزیر مختار و شارژدافر یا قونسول بوده و بجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه در نزد ایشان هستند مانند اتباع روس و باالسویه از حمایت آنها بهره مند خواهند بود .»

بعد از عهدنامه ترکمانچای استقلال ایران تقریباً از بین رفت و بصورت کشور تحت الحمايه روس در آمد و این حال تا انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ یعنی مدت نود سال ادامه داشت .

در این نود سال تزاران روس گاهی با کمک پول و بیشتر با زور و تهدید هر روز بر نفوذ خود در ایران میافزودند و با گرفتن امتیازات مختلف و دادن وامهای سنگین که شرح

هر يك خواهد آمد استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را از بین بردند و باز نچیر و بندهای محکم دست و پای ملت ایران را چنان بستند که اگر نسیم آزادی بخش انقلاب کبیر اکبر آن رشته‌ها را نمی گسیخت خدامیداند که سرنوشت کشور ما امروز چگونه بود.

نماینده تزار روس در ایران در حکم نایب السلطنه انگلیس در هندوستان بود و بقول اورسل Orsolle فرانسوی در کتاب خود بنام «قفقازیه و ایران» «پادشاه حقیقی ایران آن شاهي نیست که در ارک تهران زندگی میکند بلکه آن مرد سیاستمداری است که در حوالی ارک نزدیک بازار منزل دارد یعنی وزیر مختار روس» مامورین روسیه در این کشور دارای قدرت و اختیارات زیادی بودند و در کلیه شئون مختلف مملکت ما دخالت‌های ناروایی میکردند و کسی را هم برای مقاومت در مقابل آنان نبود و مخصوصاً بوجوب صورت مجلس پذیرائی مامورین سیاسی مورخ دهم فوریه ۱۸۲۸ منضم بهمدنامه تر کمانچای برای نمایندگان سیاسی روس احترامات و تشریفاتنی قائل شدند تا همیشه بواسطه اهمیت و «جلال و جبروت» آنان رعب وهراسی در دل ایرانیان باقی بماند.

بعد از آنکه در سال ۱۲۹۷ هجری قمری با اجازه ناصرالدین شاه بریگاد قزاق تحت نظر افسران روسی تشکیل یافت مامورین سیاسی و کنسولی روس بعنوان حفاظت از سفارت خانه و کنسولخانه‌های روس در نقاط مختلف ایران عده زیادی قزاق استخدام میکردند و تشکیلات و دستگاہهای عریض و طولیلی برای خود فراهم میساختند و هنگام گردش و سواری با جلال و شکوهی هر چه تمام تر حرکت مینمودند چنانکه کنسول روس در رشت موقعی که در خیابانهای شهر بگردش میبرد اذیت دوازده نفر قزاق در جلو و عقب او حرکت میکردند و کنسول دیگر روس در تبریز که «دبده» و شوکتش بیشتر بود علاوه بر اجزاء و عمده‌صد نفر قزاق هم تحت اختیار خود داشت که در حقیقت قوه اجرائیه او بشمار میرفتند.

سفارتخانه و کنسولگری‌های روسیه سالها مامن و پناهگاه اشرا و دزدان و خائنین بوطن بود و غالباً اشخاص مزدور و جیره‌خوار سفارت روس میتوانستند مرتکب هر خیانت و جنایتی بشوند و سپس سفارت یا کنسولگری‌های روسیه پناه ببرند و از هر مجازاتی مصون بمانند. مامورین تزاری نیز علناً از این اشخاص حمایت میکردند و با تمام قوا از آنها طرفداری مینمودند.

روزنامه جبل‌المتین در شماره مورخ چهارشنبه ۶ جمادی الاخری سال ۱۳۲۵ هجری قمری مقاله‌ای تحت عنوان «خاک بر سر ما» نوشته و بدینست برای نمونه از دخالت‌های ناروای دولت تزاری خلاصه‌ای از آن در اینجا آورده شود.

نویسنده مقاله پس از شرح شکوه آمیزی بعنوان اعتراض و گسله از دولت همسایه مینویسد.

«تمام قوانین دنیا بیابان بلند فریاد میزنند که سفیر و کنسول و وزیر مختار بیگانه نمی تواند در امور داخلی یک مملکت مداخله کند و سفارتخانه خود را پناهگاه دزدانی شرور قرار دهد و مدعی عدلیه را حمایت کند حاجی ملک‌التجار را که تصدیقش ثابت شده گناهش آشکار است وزارت عدلیه چند نفر مامور بشیران فرستاد که او را مغلولاً بشهر بی‌آوردند در نزدیکی زرگنده سفیر روس خیر شده با اجزاء خود حکم میکنند که با اسلحه جلو گیری

کرده بهر شکل باشد بردن او را بشهر مانع کردند هر قدر مامورین عدلیه بزبان اندرز و بیان نصیحت والتماس و چاکری و همه چیز عرض میکنند اینکار خلاف است آنها که از باده غرور سرمست بوده گوش نداده ملک را گرفته. سفارت میرند.

مامورین عدلیه بامید اینکه شاید سفیر از این حرکات وحشیانه مسبوق نیست و اگر آگاه شود کسان خود را ملامت کرده ملک را بدانان تسلیم خواهند کرد سفارت رفته عجز و لایه مینمایند وای جواب یأس می شنوند و ناچار بادست تپی بشهر می آیند.

قبلاً گفتیم که در این مدت سیاست تزاران روس سیاست تخریب و اختناق ایران بود و بنا برین مختلف از هر گونه پیشرفت و ترقی ملت ایران جلو گیری میکردند. مامورین روسیه تزاری امتیازات زیادی برای کشیدن راه آهن - ایجاد راههای شوسه - استخراج معادن و ساختن کارخانه و غیره در ایران بدست آوردند و در این موارد همیشه دولت تزاری منظور نظامی یا اقتصادی و با نظر سیاسی خاصی را داشت و هیچوقت کوچکترین منافع ملت ایران را در نظر نمیگرفتند.

لرد کرزن انگلیسی در کتاب «ایران و مسئله ایران» مینویسد.

«سیاست تزاری روس چنین اقتضاء کرده که ایران کنونی را یک مستعمره ویران نگاهدارد روسها نه خودشان می گذارند ایران آباد شود نه اجازه میدهند دولت دیگری (اگرچه هر قدر دور وی طرف هم باشد) در آبادی و عمران آن مداخله کند. روسها با ساختن جاده‌ها - راه آهن‌ها - بندرها - استخراج معادن - اصلاح کشاورزی - توسعه بازرگانی و پیشرفت فرهنگ و بهداشتی در ایران جدا مخالفت می کنند.

دربار پترزبورغ معتقد است که اگر ایران آباد و اصلاح شود بهانه‌ای برای تصرف و تسخیر این کشور باستانی برای آنها باقی نمی ماند.

ایران باید ویران باشد تا امپراطوری روس بدنیای متمدن بگوید برای جلوگیری از سرایت توحش ایرانی‌ها بارو یا آن مملکت را مسخر کردم و مردمانش را باصول تمدن جدید آشنا ساختم»

لرد کرزن در جای دیگر کتاب خود مینویسد.

«در این تردیدی نیست که قصد دولت امپراطوری روس صرف مملکت ایران می باشد بنابراین دولت مذکور مانع هر نوع ترقی در ایران است که برای پیشرفت مقصود او ایجاد موانع کند و با تولید زحمت نماید برای همین نیت است که سیاست روس در ایران کاملاً مواظب اوضاع این مملکت می باشد گاهی با تهدید زمانی با تبریک و دیسه بعضی اوقات هم با تملق و چاپلوسی و در مواقع مناسب بارشوه و بذل و بخشش چه سرا و چه علناً بهر تدبیری که باشد مقصود خود را انجام می دهند»

میرزا محمودخان علاءالملک وزیر مختار ایران در پترزبورغ گزارشی بشماره ۴۰ مورخ اول ربیع الاول سال ۱۳۰۶ هجری قمری بطهران فرستاده و پس از شرحی در باره منظور و هدف دولت تزاری در ایران راجع باشکال تراشی‌ها و برانگیختن وسائلی برای دور نگاهداشتن ملت ایران از تمدن جهان، میگوید عده‌ای از تجار و سرمایه داران روسی برای ساختن راه آهن مصمم هستند بتهران بروند و ولی دولت روس موافقی ایجاد میکنند و ناچار تجار مزبور «..... با علیحضرت امپراطور عریضه دادند رجوع بوزارت خارجه شد در وزارت خارجه اول به تجار عذرهای چند آوردند تجار بهمه جواب شافی و مسکت دادند آخر الامر صریح وزارت خارجه بآنها گفت که صلاح نیست در ایران راه ساخت باید تحمل کرد و قتش میرسد تملك کرده میسازیم.....»

ترکمانان مردمی نیمه وحشی بودند که زندگی اکثر آنان از راه غارت قوافل و شرارت تامین میشد و اغلب گاه و بیگاه بشهرهای شمالی و شمال شرق ایران حمله می کردند و امنیت راهها را مختل میساختند و مردم بیگناه را باسارت میبردند و در بازارهای مرو و بخارا به عرض فروش میگذارند.

وقتی که مامورین ایران تراکه را تنقیب میکردند آنها با قایقهای بادی بدریای خزر پناه میبردند و بوسط آب میرفتند و چون ایران از داشتن کشتی جنگی در بحر خزر متنوع بود ارتش ایران نمیتوانست بترکمانها دست پیدا کند بهمین جهت هنگامی که از روسها يك فروند کشتی برای تنبیه تراکه خواست روسها از این درخواست حسن استقبال نموده و بجای يك کشتی چند کشتی فرستادند و بالاخره برای پایگاههای دریائی بمنظور تنبیه تراکه عاشوراه و چکشلر و غیره را متصرف شدند و نیز هرچندی بچندی باسم استحکام سرحدات خود يك قطعه از خاک ایران را تصاحب میکردند و با اعتراضات پی در پی دولت ایران ترتیب اثر نمیدادند و به توسعه نفوذ و بسط خاک خود از طرف شمال و شمال شرقی ایران میکوشیدند تا سرانجام بعد از مذاکرات طولانی با عقد معاهده آخال و خراسان در تاریخ ۲۲ محرم ۱۶۹۹ هجری قمری (۹ دسامبر ۱۸۸۱) حدود طرفین تعیین و دست ایران از نواحی ترکستان کوتاه شد.

در بخش دوم گفتیم که در قرن نوزدهم روسیه تزاری و انگلیس دورقیب نیرومندی بودند که در ایران با یکدیگر دست و پنجه نرم میکردند و اقدامات این دو دولت استعماری صدمات و لطامات زیادی بکشور ما وارد آورد.

رقیب روسها
در ایران
انگلیسها بودند

منظور عمده روسیه دسترسی بدریای آزاد و هدف انگلیس ممانعت از انجام این مقصود بود. روسیه میخواست خود را بخلیج فارس برساند تا هندوستان را مورد تهدید قرار دهد و انگلیسها میکوشیدند تا این نقشه جامه عمل نپوشد هر وقت انگلیسها امتیازی در ایران بدست میآوردند روسها تمام هم خود را مصروف آن میکردند که با آن امتیاز را برهم زنند یا امتیازی مشابهاً برای خود تحصیل نمایند. توسعه نفوذ و بسط اقتدار روسیه در ایران بیشتر از هنگام واقعه رژی و تحریم تنباکو بود که ناصرالدین شاه و امینالسلطان متمایل بسیاست روسها شدند و پس از آن در دوره سلطنت مظفرالدین شاه با گرفتن وامهای سنگین و تغییر ترفه گمرکی این متمایل دولت ایران بهمد اعلی رسید.

سرپرستی سایکس در کتاب (تاریخ ایران) مینویسد

«در دوره ای که در این فصل از آن بحث می شود رقابت بین انگلستان و روسیه از هر موقع دیگر شدیدتر شده است.

هر دو دولت برای حفظ منافع مورد نظر خود زیرکانه با یکدیگر مبارزه مینمودند و بالتبع احتراز از اصطکاک منافع بدون تنظیم يك موافقت قبلی غیر ممکن گردید.

ایرانیها بمن می گفتند که واقعه رژی ضربه شدیدی به حیثیت معنوی انگلستان وارد کرد پس از آن دریافت دو قرصه از طرف ایران بود که هر دو بوسیله روسیه تهیه شده بود ولی ضربه واقعی موضوع تفرقه های جدید گمرکی بود.

این ضربات در موقعی وارد شد که انگلستان گرفتار جنگهای افریقای جنوبی شده و در نتیجه قادر بانغاز يك خط مشی محکم نبود.

والنتین پیروول انگلیسی در کتاب خود بنام (موضوع خاور میانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) راجع بتوسعه نفوذ روسها در دوره مظفرالدینشاه مینویسد

«قدمهایی که در این مدت روها در ایران برور برداشته اند در نتیجه شاه و درباریان او کاملاً متمایل بروسها شده اند.

روسها در بحر خزر و در تمام سرحدات شمالی ایران از تبریز تا مشهد در طرف شرق ایران تسلط نظامی پیدا کرده اند.

در پایتخت و ایالات بوسیله بریگاد قزاق تنها قشون منظم ایران هر طوری که اراده کنند دخالت مینمایند و حقوق قزاقخانه را نیز تأمین کرده اند و مرتب میرسانند شاه سلطنت خود را هر هونسمی و کوشش جنرال کوزا کوسکی (فرمانده بریگاد قزاق) میدانند که بدون داشتن مدعی توانست بتاج و تخت ایران برسد و همان نیروئی که او را به سلطنت رسانید همان نیرو هم می تواند دست او را از سلطنت کوتاه کند.

بریگاد قزاق فقط از صاحب مناصب خود اطاعت میکند که جیره و مواجب آنها را مرتب پرداخت مینماید. اعزام قزاق بولایات و ایالات بعنوان حفظ حکام این است که برای روسها وسیله تبلیغ باشد و هم برای روسها جاسوسی کنند.

امروز روسها در ایران به نیروی شمشیر نیروی طلا راهم ضمیمه کرده اند شاه جیره خوار آنهاست چون شاه در مخارج خیلی افراط میکند و بهر شکل خوش گذرانی و عیاشی عادت کرده است وزراء او هم به تنها جلو گیری نمی کنند بلکه آنها هم برفع خودشان بسایر اسراف و افراط کاری بی ملاحظه کمک مینمایند و خود برای شاه جاکشی میکنند.

البته در این صورت شاه بدولتی متمایل میشود که آن دولت احتیاجات مالی او را رفع کند و حتی یکبار هم از او سؤال نکند این همه پول در کجا مصرف میشود.

دولت امپراطوری روس با پولهاییکه در این چند ساله اخیر بدولت ایران قرض داده تمام اختیارات حکومت ایران را بدست آورده است.

بانك استقراضی را که شعبه ای از وزارت مالیه روسیه و يك موبسه نیرومندی است در طهران ایجاد کرده اند.

دولت امپراطوری روس بدون اینکه ما اطلاع پیدا کنیم قرارداد گمرکی جدیدی بفتح تجارت خود با ایران منعقد نموده و برای قرضهای که بایران داده وثیقه معتبری در اختیار خود گرفته است تا بگروزی ایران ورشکست بشود و به آرامی یا بوسیله زور این وثیقه را تصاحب کند.

این وثیقه امروز توسط مستشاران بلژیکی رسماً اداره میشود ولی باطناً مثل اینکه در دست خودشان است و بدون تردید در راس آنها وزارت مالیه دولت امپراطوری روس قرار دارد.

ملت ایران خطرات آینده کشور خود را هیچ تمیز نمی دهد دلیل هم این است که آنها سر پرست و رئیس ندارند.

در هر حال ایرانیها امروز درك میکنند که وسائل سابق که بوسیله آنها پس از لبریز شدن کاسه صبر و تحملشان بدانها متوسل شده میتوانند از سوء سیاست و حکومت پادشاه يك سلسله جلو گیری کنند اکنون با

داشتن يك پشیمان نپرومند مانند دولت امپراطوری روس که جدا از آن حمایت میکنند آن مسائل موثر نیست .

از طرف دیگر علائم زیادی آشکار است که بعضی از آن اشخاصی که از اوضاع فعلی ناراضی هستند انتظار آرزو را دارند که شاه و وزرای او نوبتشان سر آید و روسیه آنها را برکنار کند و خود زمام امور حکومت مملکت را بدست گیرد . همین وضع امروزه در قسمت بختیاری و در نواحی دوردست کشور شاهنشاهی برقرارات و قرامین او در آن بدون منازعه به مرحله اجراء در می آید .

پشیمان اعمال حکومت طهران که برای مرکزیت ایران فعالیت می کند دست نپرومند روسیه است. با این دست ممکن است مدارا کرد یا کنار آمد ولی نمی توان مقاومت نمود .

ملخص کلام دولت امپراطوری روس نتایج سیاست ماهرانه خود را که با مطالعه دقیق طرح ریزی شده و با پشت کار و جدیت تعزیه گشته بود است مأمورین عالی رتبه تعلیم یافته که مخصوصا دارای معلومات کامل از حیث زبان و عادات مردمان آن مملکت هستند اجراء شده بر میدارد .

در این جا بالطبع این سؤال پیش می آید - در این صورت اگر ایران امروز کاملا در چنگال روسها گرفتار است پس دلیل چیست که آنرا تصاحب نمیکنند جواب این سؤال بسیار آسان است برای کسانی که سیاست دولت روس را در شرق مطالعه کرده اند می دانند که روسها يك همسایه ضعیف و ورشکست شرقی را بیک کشور ضمیمه شده ترجیح می دهند .

دولت روس باین نکته سری آگاهست که حکومت يك مملکت شرقی بدست صاحبان اسمی آنها بهتر اداره می شود بشرطی که آن مملکت ضعیف ، فاسد و وظیفه خوار روسیه باشد این خود يك تدبیری است توأم با حفظ ظاهر و رعایت معاهدات و قراردادهای موجوده - این عمل هیچ مخالفتی هم با اصل حفظ فعلی ندارد سایر دول نیز کمتر حس مخالفت میکنند و خطر بین المللی هم خفیف تر است. و در این صورت زر گترین استفاده را خواهد برد با کمترین مسئولیت .

لرد کرزن هنگامی که فرما نقرمای هندوستان بود راجع به پیشرفت نفوذ روسها و عقب رفتن سیاست انگلیس در ایران در تاریخ ماه مه ۱۹۰۱ نامه ای بعنوان لرد لنزدون (۱) وزیر امور خارجه انگلستان فرستاده و در آن چنین مینویسد .

« در ماه پتامبر ۱۸۹۹ که بشما گزارش دادم آن ایام اوضاع خیلی بد بود و امروز به مراتب بدتر شده است .

در مدت بیست و پنج سال گذشته حیثیت و اعتبار و نفوذ دولت انگلیس در ایران هیچ وقت باین درجه پست نشده بود امروز شاه برضد ماست چونکه خزانه داری دولت انگلیس نظر بخود پسندی و ایرادهای بیجا پیش نهاد قرضه ایران را رد کرد در صورتیکه شاه مایل بود این قرض در لندن مورد موافقت واقع شود ولی مورد قبول قرار نگرفت و گذاشتیم شاه خود را به آغوش روسها بیندازد .

چرا و بیجه دلیل دولت انگلیس این رویه را پیش گرفت من تا بحال نتوانسته ام دلیل آنرا بدانم حتی در سال ۱۹۰۰ هم که شاه ایران مایل بود بلندن بیاید برای آن هم در لندن موانع ایجاد گردید .

صدراعظم ایران امین السلطان نیز برضد ماست دلیل آن هم اینست که در هنگامی که او در تبعید بود ما نسبت باو بی اعتنائی کردیم و گذاشتیم روسها او را دومرتبه بصدارت برسانند . حال تمام دوستان و طرفداران ما از طهران تبعید شده اند و هر يك از آنها بنام حاکم در شهرهای دوردست بر می برند بانک روس در طهران بسرعت از بانک شاهنشاهی جلوفاتده قونسولگری های روس در تمام شهرهای تاسیس شده و بعمده نفرت نژاد ایران که در تحت فرماندهی صاحب منصبان روس است زیاد افزوده گردیده و بیشتر اولان آنها فعلا باصفهان رسیده اند و عنقریب عده ای از آنها را در شیراز ، محمره و بوشهر خواهیم دید .

Lord Lansdowne

ماییش خود تصور می کنیم بدولت ایران غدغن کرده ایم در جنوب ایران بدون سوابد ما دست یابستن راه آهن نزنند اما مهندسی دولت روس در تمام کشور ایران برای طرح ریزی و مساحی راهها در گردش و آمد و رفت هستند بدون اینکه کسی متعرض آن بشود یا جلو گیری کند .

عده زیادی از اتباع دولت انگلیس در جنوب ایران متضرر شده اند و بمنافع آنها زبان وارد گفته است ما نمی توانیم دولت ایران را واداریم این ضررها را جبران کند اکنون کشتی های تجارتي روس که از طرف آن دولت مساعدت مالی به آنها می شود راه خودشان را بخلیج فارس باز کرده اند .

این تجارت مصنوعی که روسها در خلیج فارس بکار انداخته اند در دنبال آن ادعاهای حقوق سیاسی مصنوعی بیشتری ایجاد خواهد نمود . حکومت هندوستان آنچه که می توانست در این باب انجام داده است ضمنا باید بگویم من اطلاع ندارم وزارت امور خارجه انگلستان در باب این مسائل چه اندامی کرده است آنچه که من می دانم هیچ مانع از این مرحله دور هستیم که يك سیاست مخصوص در این مسائل داشته باشیم -

حقیقت مطلب را بگویم در پنجاه سال اخیر ما هیچ سیاست صحیح نداشته ایم حال جرات کرده آنچه را من فکر می کنم باید انجام شود می توان آن را در يك جمله بیان کنم - دولت انگلیس باید تصمیم بگیرد تا کجاها اجازه خواهد داد که روسها در جنوب ایران دست بجاورد بزنند بدون اینکه دولت انگلیس مقاومت کند. لزومی ندارد که يك خط فرضی از وسط ایران ترسیم کند من با نهایت جدیت تا کید میکنم که سرفرست - بطور عاقلانه آرزوی بصیرت و اطلاع باید يك سیاست بخصوص برای این مسائل اتخاذ کرد تا دولت انگلیس در اجرای آن بکوشد و حکومت هندوستان از آن پیروی کند دولت ایران آن سیاست را صریح و روشن بداند و بفهمد .

دولت ایران هیچ نوع اطلاعاتی از مقاصد و نظریات نهائی ما ندارد که چیست چونکه خود ما هم نداریم . امیدوارم شما آنچه را که من با کمال راستی و صداقت نوشته ام سوء تعبیر نکنید البته واضح است شما تمام اینها را در یکروز ممکن نیست چاره سازی کنید من نهایت درجه آرزو و جدیت از شما تقاضا دارم در زمان تسدی خود در وزارت خارجه که امیدوارم زمان طولانی باشد و بنشین دارم سالها طول خواهد کشید مثلا ایران را از نظر دور نکنید چون من مشاهده میکنم که ما بیک واقعه ای مانند پرت آرتور و بعد معاهده ای شبیه عهد نامه منچوری سوق داده میشود بطوری که نماینده رسمی دولت انگلیس در تهران برای من توضیح داده است در تمام مدتی که او در طهران معورت داشته او خود را مانند يك غریبی تصور می کرده که در يك گردابی گرفتار شده است .

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری که دولت ایران گرفتار مضیق شدید مالی بود و مظفرالدین شاه برای رفتن با اروپا دست گدائی بسوی دولتهای روس و انگلیس دراز کرده بود روز نامه های روسیه پیشنهاد میکردند که دولت تزاری باید از موقعیت استفاده نموده و با دادن پولی بدولت ایران در سواحل خلیج فارس پایگاه جنگی ایجاد کند و چون انگلیسها در آن موقع گرفتار جنگ بوئرها در جنوب آفریقا بودند و مجالی برای جلوگیری از نفوذ روسها نداشتند این فکر روز بروز بیشتر قوت میگرفت چنانکه روز نامه روسی (برژوویا ویدومستی سنت پترز بورغ) (۱) ناشر افکار وزیر امور خارجه روسیه تزاری در شماره مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۹ مینویسد .

« دولت روس باید وقایع فعلی را غنیمت شمرده بندعباس و چهار جزایر مجاور آن بندر را که عبارت از هرمز و لارک و قشم و هنگام باشد تصرف نماید و برای انجام این مقصود باید بندر و جزایر مذکور را به بعد بیست و پنج ساله مانند پرت آرتور که یکی از بنادر چین است اجاره کند و از جانب دولت ایران برای انجام این مسئله هیچگونه اشکالی نخواهد بود زیرا که دولت ایران اکنون زیاد محتاج پول می باشد و اگر يك مبلغ کثیفی تقاضا داده شود با توجه معنی که سالانه پرداخته شود حصول این مقصود آسان خواهد بود اگر از موقع مساعد فعلی استفاده نکنیم انگلیسها بدینتر جنگ تر اسوال موضوع بنادر خلیج فارس را مطرح خواهند کرد .

تاحال دولت انگلیس مامورین سیاسی در بندر عباس ولنگه نداشت و کارهای خود را توسط مامورین بومی انجام می دادند ولی اکنون مذاکره ای در میان است که آنها را بمامورین انگلیسی مبدل نمایند .

روزنامه های انگلیسی اظهار می دارند که فرمانفرمای هندوستان باید فوراً جزایر هرمز و قشم را تصرف کنند .

بندر عباس و جزایر آنرا بسهولت می توان مبدل بقلعه جنگی نمود در صورتی که راه آهنی از دریای خزر تا بندرعباس داشته باشیم که در صورت لزوم قشون روس به آن قلاع حمل شود. مخارج راه آهن رشت تا بندرعباس بیش از هشتاد و شش کروڑ تومان خواهد بود و نظر بترقی و اهمیت فوق العاده تجارتی این راه مبلغ مذکور کفاف نیست... روسها با وجود تمام کوششی که برای این منظور بکار بردند موفق یا انجام آن نشدند و انگلیسها بعد از جنگ افریقای جنوبی بتحکیم وضع خود در جنوب ایران پرداختند و بالفور (۱) نخست وزیر انگلستان در ماه مه سال ۱۹۰۳ راجع با اهمیت خلیج فارس برای بریتانیا اعلامیه ای بشرح زیر صادر نمود و تاسیس پایگاه دریائی را در آن نواحی بزرگترین تجاوز نسبت بمنافع انگلیس شمرد .

دولت پادشاهی انگلستان تاسیس پایگاه دریائی را در سواحل خلیج فارس بک اقدام خصمانه و بزرگترین تجاوزی خواهد شناخت که نسبت بمنافع دولت انگلستان شده است و از این تجاوز با تمام وسایل خود که در اختیار دارد جلوگیری خواهد نمود .

و در پائین همانسال لرد کرزن با جلال و شکوهی هر چه تمامتر بایک کشتی جنگی انگلیسی بخلیج فارس مسافرت کرد و بان نشان دادن قدرت نیروی دریائی انگلستان شیوخ آن نقاط را مرعوب و مجذوب نمود .

رقابت انگلستان و روسیه در ایران تا سال ۱۹۰۷ بشدیدترین وجهی ادامه یافت و در این تاریخ طرفین ایران را بموجب قراردادی بدو منطقه نفوذ تقسیم کردند و چنانکه می دانیم طولی نکشید که بواسطه جنگ بین الملل اول و بعد ائتلاف کبیر روسیه این قرار داد و سایر قرار داد های اسارت آمیزی که دولت های تزاری بایران تحمیل نموده بودند از بین رفت .

در پایان این قسمت نیز مانند بخش دوم بی مناسبت نیست که ترجمه دو مقاله از روزنامه های انگلستان و روسیه در آن موقع راجع بر رقابت این دو دولت استعماری را برای نمونه و مزید اطلاع خوانندگان نقل نمایم .

چنانکه در اول این کتاب توضیح داده شد ترجمه مقالات روزنامه های که در این اوراق نقل میشود ترجمه هایی است که نمایندگان ایران در مسائل اروپا در همان موقع تهیه کرده و بطهران برای وزارت امور خارجه فرستاده اند با همان عباراتی که آنها ترجمه نموده اند مگر در بعضی موارد که مختصر تغییراتی در عبارات آن داده ام بدون آنکه معنی آن عوض شود .

روزنامه انگلیسی تایمز (The TIMES) چاپ لندن در شماره مورخ سوم دسامبر

۱۹۰۲ مینویسد .

امروز مقاله چهاردهم از مقالات مفیده خبر نگار خودمان راجع بایران در این روزنامه بطبع آمده .

قراوت قسمتی از اخبارات خبرنگار ماساکی از دست شدن مقام در ایران وقوت فرست های با قیمتی که محض ضعف خاطر از دست دادیم برای انگلستان و وطن پرست دولت خواه دردناک خواهد بود از چهل سال قبل بمسئله که ایران در عالم پلتیک آسیا اهمیتی بهم رسانده از تفوظات مابندریج کاسته شده در غالب نقاط ایران نابود گشته و آنچه بملت نگاهل و بی بسیرتی ماباختیم دیگری در پیروی دائمی بقدرات و صیایای بطر کبیر که متجاوز از صد و پنجاه سال است گفته بدست آورده (عین فقرات این است) (تمجیل کنید در زوال ایران داخل شوید بخلیج ایران و تجارت قدیم بالوات را برقرار نمائید و برسد به هندوستان که خزینه عالم است)

روسها در پیروی این وصیت و تحصیل مقصود چقدر سعی اندویش رفته اند و چطور در این اواخر بتعمیل پیش میروند از اخبارات خبرنگار ما مبرهن است در معلوم است که بیانات خبرنگار ما (از پیشتر قلهای رقیب بزرگ ما در نقاطی از ایران که ما از دست دادیم)

از شایبه غرض و مرض دور است وقتی با اقدامات مفیده صحیحه روس در ایالتی که تحت قدرت آورده معترف است و از پیش بینی و عزم راسخی که روسها در تحصیل این مقام بکار برده اند تمجیدات مینمایند تمام شمال ایران امروز در قریب چنگال روس است

و حال مناسب نمی بیند که چنگال بر طعمه خود فرورد همین که وقتش رسید طعمه بیچاره وار در پیشش افتاده است سربازخانه ارمسگرهای روس در اطراف ایران آماده است راه آهن هم سراسر ایران برای حمل عساکر ساخته و در خود ایران هم راه مویا کرده که عساکرش بطرف پایتخت بورش برند و مراقبت هم بعمل آورده که فقط لشکر ایران که قزاق است در تحت صاحب منصب روس باشد .

روس که در علم بنیان کنی ویرانداختن دولتیمه تربیت شده کهنه استاد است در تحصیل مقصود فقط بزور انکال ندارد بل در کشیدن قدرت اسیر خود تمهیدات مالی و تجارتی و پلتیکی همه را بکار میبرد و بیه چنانکه تمام اروپا میدانند بهیچوجه مملکتی متمول نیست با وجود این دلبری کرده متقبل قرض دادن بایران شد و ما محض اینکه شنیدیم رهتر که ایران میدهد چندان محل اطمینان نیست خو ما ترا پس کشیدیم و حال روس ثمر اقدام خود را می برد و بانک استراضی روس در ایران همان سبک را پیش گرفته که بانک (روس و چین) در یکین دارد .

وزیر مالیه روس هم که در امور نهایت سختی را دارد نسبت بایران اظهار سخاوت مینماید و باکی هم ندارد زیرا که در موقع اضطرار لشکر روس پشت او ایستاده اند و در این بین هم وزارت مالیه در تحصیل صرفه و عرض پولهایی که میدهد مراقب است

مظفرالدین شاه در ائتلاف پولها بهر طوری که میخواهد مورد خوش آمد روس اند هر قدر لایبالی تر و زودتر پولها را بخواهد سازند برای روس بهتر است زیرا هر قدر بیشتر قرضشان می دهند بیشتر بدامشان می آرند و منظورانشان را مجری میسازند در مسئله تجارت قرار ملاحظه که در حق روسها داده شده مختصر نیست در مسئله استقرار هم ایران را از همه دول بریده و بخود محتاج کرده حال شنیده ایم مدت عدم استقرار از دول دیگر را الی ۱۹۱۲ امتداد داده و دور نیست در استقرار دیگر مدت را بیشتر نماید و شکی هم نیست که بروس که فقط قرض ده است توسل خواهند جست زیرا که از قراری که به ثبوت رسیده شغف زندگی با پول قرض درآمده شاه هم همان اثر بی اختیاری و خرابی را دارد که در ماده سلاطین دیگر مشرق که تازه با اوضاع عالم تمدن آشنا میشوند

عمل مالیات را هم شنیده ام به بلجیکیا می دهند بی شك آنها خودشان را در مسئله مالیه وسیله انجام منظورات روس خواهند ساخت چنانکه در مسئله کمزکات کرده اند و در جنوب و شمال اسباب خسارت و شکست تجارت انگلیس را فراهم می آرند .

قراوتین هم که قایدش قونسل روس است و معاضدش قزاق روس حبله و مکری است در راه این مقصود .

نویسنده‌گان روس آشکارا وصول روس را بخلیج عین نیل بمقصود میدانند و درخرابی دولت شاه و وصول جنوب ایران عین وصول بمقصود را که هند باشد می‌بینند در انگلستان هم بعضی خلیج را بروس هدیه میکنند و برخی دیگر آلمان را بحمايت آنجادهوت مینمایند ولی ما باهیچیک از این عقاید سهیم و شریک نیستیم عقیده راسخ ما این است که قدرتی را که در جنوب ایران صدسال است تنها تحصیل کرده‌ایم بهر قسم که باشد بی شراکت غیر باید نگاهداری نمائیم اقداماتی که در خلیج ایران کرده‌ایم و امنیت و آسایش که در آن صفحات در این مدت فراهم آورده‌ایم حتی بمانی دهد که دخل و تصرف دیگران در آن حق مورث خطر بزرگ برای هندوستان و استرالیای ما خواهد بود.

خبیر نگار ما ما را تحذیر کرده که حیالی که در شمال ایران در بیرون کردن مابکار برده‌اند در جنوب هم بعمل خواهد آمد غیر از اینکه سخت بایستیم و ممانع از پیش آمدن غیر شویم هیچ اقدام دیگری قایده‌مند نیست.

بهر حال ما باید عقیده و پیشینی را که لرزگران برون سال گذشته در باب خلیج ایران در پارلمنت گفت به زبان سخت تر و آشکارتر بگوئیم و آن پولتیک را بیهمه کسانی که دخیل‌اند آشکارا سازیم اگر چه در اجرای آن محتاج بسوق کشتی‌ها جنگی بشویم.

روزنامه روسی نویه وریمیا (عصر جدید) چاپ بطرز بورغ در شماره ۹۶۲۷ مورخ ۲۱ دسامبر (روسی) ۱۹۰۲ (۳ شوال ۱۳۲۰ هجری قمری) مینویسد
«خلیج فارس - روی آنکه بیشتر پوتلک انگلیسها در ایران و خلیج فارس بکسانیکه در این مسئله معطل دارند توضیح شود روزنامه تیس میگوید که لازم است این پولتیک را بواسطه حرکت سفاین نظامی مستحکم نمود سفاین نظامی باید مدلل کند که دولت انگلیس ابداً خیال ندارد قدمی از پیشرفت مقاصد خود بکاهد»

اوضاع و امور ایران بواسطه همجواری قفقاز و آسیای وسطای ما با آن مملکت باغلی درجه مدخلیت روسیه دارد علی الخصوص که روابط تجارتنی و پولتیکتی ما با این دولت قدیم واقعه در شرق نزدیک وقتی شروع شده است که انگلیسها هنوز گرفتار خیالات خود در باب هند بودند و کشتی‌های جنگی و تجارتنی انگلیس میتوان گفت در حالت چنین بود.

بی‌قائده بود اگر روزنامه تیس قبل از اینکه از حرکت کشتی‌های انگلیس حرف بزند قدری توجه والتفتت باهویت بستگی تاریخی و ارتباط و آمزش قرون میکرد. کشتی‌های روس هم باجمد و میخکوب در يك قطعه بیستند و در صورت لزوم میتوانند شجاعانه کار خود را کنند.

چشم بست و پنجسال عبور قشون روس از کوه‌های بالکان که چندی قبل منعقد گردید و كذلك جشن چک چترال سکو بلوف در مرو و کوك تپه که در حدود افغانستان بماصله کمی از هند واقع شده میتوانند بخاطر انگلیسها بیاورند حرکت قشون روس را درست ترین اوضاع و احوال بطرف هندوستان - حرکت سفاین نظامی و توائی بری در بدر مذاکرات ممکن نیست ولی مقصود روزنامه تیس که میخواهد بواسطه حرکت سفاین حریبی مذاکرات راجعه بامور ایران سهل آسان شود البته حاصل میشود در صورتیکه فصول جراید لندن موافق خیالات سیلیون و وزراء انگلیس باشد ما در این مسئله که عقاید روزنامه تیس موافق خیالات سیلیون انگلیس است شك داریم زیرا که این تصورات و عقاید مطبوعات خود پسنده‌اند انگلیسها در باب خلیج فارس سالم و منطقی نیست این نوع مطبوعات حتی راضی نمیشوند که دولت انگلیس نظارت خود را در آبهای جنوب ایران باروسها تقسیم نماید دولت انگلیس در بلوچستان مشغول ساختن راه آهن بی منفعتی است بطرف حدود ایران البته انگلیسها این قدر ناپیستا نیستند که ندانند عقرب لازم خواهد شد که این باره آهن روسیه بشوسط راههای افغانستان و بیاواسطه طرق ایران متصل گردد

از این قرار زود باید بر روسیه و انگلستان در آسیای وسطی تلافی خواهند کرد بنا بر این چرا در خلیج فارس هم ردیف یکدیگر نه ایستند هر چه بیشتر نقاط تلافی مابین آنها باشد کمتر خود پسندهای فوق العاده تیس در مسائل مهمه مشرق نزدیک که بیشتر بر روسیه مدخلیت دارد ظاهر خواهد شد.
بعضی از روزنامه‌های انگلیس را عقیده آن است که دولت انگلیس بعضی گذشت‌های خیر خواهانه در خلیج فارس بدولت روس بنماید ولی تنها از گذشت نمیشود حرف زد بلکه لازم است که منافع طرفین مقایسه شود و دایره نفوذ دولتین در آسیای وسطی در قلمناهی که نباید فقط بانگلیسها اختصاص داشته باشد بامصالحه قسمت شود یا این است که انگلیس مصمم شده است همیشه پیروی دولت آلمان را نموده همه نوع مسائل را بچشم آلمانی نظاره کند.

این شرح مختصری است از روابط ایران و روسیه در قرن نوزدهم و نظریات دولت تزاری در این کشور و بعد از این بشرح امتیازاتی که دولت روسیه برای توسعه نفوذ و پیشرفت مقاصد سیاسی و تجاری خود در ایران بدست آورده بود میپردازیم.

در این بخش ابتدا درباره اجازاتی که در نیمه اول قرن نوزدهم برای ورود کشتی‌های جنگی روس بمرداب انزلی و تاسیس بیمارستان و تجارتخانه در سواحل بحر خزر داده شده و در حقیقت باید آنها را یکنوع امتیاز به معنای مورد نظر آن در این کتاب دانست اشاره میکنم.

این اجازات و فرامین که بدرخواست و پافشاری مامورین تزاری و بواسطه بنی اطلاعی رجال این کشور بیهانه‌های مختلف مثل ازدیاد روابط دوستی و نزدیکی دولتین ایران و روس و تسهیل امور تجارت طرفین صادر شده مدتها اسباب زحمت و درد سر دولت ایران را فراهم ساخته بود و بمامورین روسیه فرصت بیشتری برای دخالت در امور مملکت ایران میداد.

بعد از آن بتاریخچه اجاره‌داری شیلات توسط اتباع روس و چگونگی جریان روابط یکصدساله و مکاتبات مربوطه بآن که بین ایران و روس مبادله شده اشاره خواهیم نمود و سپس بایجاد قزاقخانه و بعد بشرح امتیازاتی که روسها پس از آزادی کشتیرانی در رود کارون و بهم خوردن موازنه سیاسی بین روس و انگلیس بدست آوردند میپردازیم و راجع به امتیازات تاسیس راه آهن که بر روسها داده شده همانطور که در بخش دوم گفته شد با امتیازاتی که انگلیسها و سایر دول در ایران تحصیل نموده‌اند در يك بخش جداگانه و در جلد دوم شرح خواهیم داد.

الف - اجازه ورود کشتی های جنگی روس

بمرداب انزلی

گفتیم بموجب فصل هشتم عهد نامه تر کمانچای دریای خزر منحصر بکشتی های روسیه شد و کسلیه کشتیهای آن دولت میتواندست آزادانه در بحر خزر بسیر و گشت بردازند.

در زمان محمد شاه بعد از آنکه روسها بیبانه تنبیه دزدان دریائی و جلوگیری از شرارت تر کمانان جزایر عاشوراده را اشغال و آنرا بیکی از پایگاههای دریائی خود مبدل ساختند در سال ۱۲۶۲ هجری قمری از محمدشاه تقاضا کردند که فرمانی مبنی بر اجازه ورود کشتی های جنگی روسیه بمرداب انزلی و لنگر انداختن در کنار سواحل آن صادر نماید.

محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی (۱) ابتدا زیر بار این تکلیف نمی رفتند و بروسها

۱- حاجی میرزا عباس مشهور بحاجی میرزا آقاسی ابن میرزا مسلم ابروایی صدر اعظم محمدشاه است. حاجی میرزا آقاسی در جوانی برای تحصیل بشتبابت رفت و پس از بازگشت به آذربایجان عباس میرزا نایب السلطنه او را برای معلمی فرزند خود محمد میرزا (محمد شاه) انتخاب نمود.

در مدتی که محمدشاه سمت شاکردی حاجی میرزا آقاسی را داشت باقیافه حق بجانب و عوامفریبی که این معلم زبرد داشت توانست شاکرد ساده لوح را کاملاً مجذوب و مقنون خود کند و نایبان عمر رابطه مریدی و مرادی بین این دونفر برقرار بود و هر وقت عارضه ای بمحمدشاه دست میداد از مراد و مرشد خود یعنی حاجی میرزا آقاسی میخواست که او را دعا کند و سلامتی او را از خداوند مسئلت نماید.

محمدشاه بعد از کشتن میرزا ابوالقاسم قائم مقام فرآهانی حاجی میرزا آقاسی را بجای او بر کرسی صدارت مینشاند. در صدرالتواریخ مینویسد.

در آخر صفر ۱۲۵۱ هجری قمری وزارت حاجی میرزا آقاسی اعلام شد و از سال ۱۲۵۲ شروع بکار صدارت کرد و تاریخ آخر سال ۱۲۶۴ بوزارت مشغول بود و سیزده سال باینکار پرداخت و بیک قاعده چهارده سال باین اعزاز قرین امتیاز بود.

حاجی میرزا آقاسی همیشه مقام خود را مافوق صدارت و وزارت میدانست و رجال دربار و دولت و نمایندگان خارجی در مکاتبات خود او را شخص اول ایران میخواندند و محمدشاه در نامه های خوش او راه جناب حاجی خطاب میکرد.

حاجی میرزا آقاسی که آخوندی خرافاتی و بی اطلاع از امور سیاست بود در دوران صدارت خود مرتکب اشتباهات زیادی شد.

بدا از مرگ محمدشاه (ششم ماه شوال ۱۲۶۴ هجری قمری) مدتی از ترس مردم در حضرت عبدالعظیم متحصن شد و چنانکه در صدرالتواریخ مینویسد.

وزیر مختار روس وانگلیس بحمايت او کلمات زیاد گفتند و تهدیدات کردند و آخر جواب صواب شنیدند و عاجز ماندند.

وبلاخره در ذیحجه ۱۲۶۴ هجری قمری با اجازه دادند که به عتبات عالیات برود و در ۱۲ رمضان سال ۱۲۶۵ در آنجا درگذشت.

۲

مرداب انزلی و تاسیس

تجارخانه و بیمارستان در سواحل بحر خزر

دعای روس سها در
در نیمه اول
قرن نوزدهم

سواحل جنوبی بحر خزر از نقاطی بود که دولت تزاری روسیه سالهای متعددی بدان چشم دوخته و گاه و بیگاه بدانجا دست اندازی میکرد.

چنانکه در اوایل قاجاریه از آقا محمدخان اجازه گرفتند در نزدیکی شهر استرآباد «دارالمعامله» (تجارخانه) بنا کنند ولی بجای «دارالمعامله» قلعه جنگی محکمی ساختند و هیچده اراه توپ در آنجا نصب کردند و بالاخره آقا محمد خان که متوجه میشود روسها او را فریب داده اند شب هنگام صاحب منصبان روس را بشام دعوت مینماید و پس از پذیرائی دستور می دهد روسها را زنجیر کرده و با تهدید بقتل از آنها میخواهد که فوراً قلعه جنگی را خراب کنند و سپس با همان حال چشم هایشان را بسته و در کرجی های مخصوصی نشانیده و بدریا رهشان میسازد.

در دوره فتحعلی شاه پس از جنگهای ایران و روس بموجب فصل پنجم عهدنامه تر کمانچای «به تبعه روس در ایران اذن داده میشود که برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امته تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانه ها و انبارها و مکانها عتفا و غصب داخل نمیتوانند شد.» و نیز بموجب فصل هشتم دولت ایران از داشتن کشتی جنگی در دریای خزر محروم میگردد و بحر خزر منحصر بکشتی های جنگی روس میشود و فقط کشتی های آن دولت میتواندست آزادانه در این دریا بسیر و گشت مشغول باشند.

بعد از فتحعلی شاه در دوره سلطنت محمدشاه روسها برای ازدیاد نفوذ خود در سواحل بحر خزر مسائل تازه ای بیان کشیده و در این زمینه برای بدست آوردن پایگاههای نظامی بدولت ایران فشار میآورند از جمله از دولت ایران میخواهند که بروسها اجازه داده شود در ساحل استرآباد بیمارستانی برای نیروی دریائی روس و معالجه ملوانان و تجارخانه جهت کار تجار روسی بسازند و نیز بکشتی های جنگی روس اجازه داده شود که بمرداب انزلی آمده در آنجا لنگر اندازند و همچنین شیلات و صید ماهی در بحر خزر با تابع روس با اجازه واگذار گردد.

جواب رد میدادند

کنیازدالکورکی وزیرمختار روس که از فعالیت‌های خود نتیجه نمیگیرد جریان را بیطرز بورخ گزارش میدهد و کنت نسلرود صدراعظم و وزیر امور خارجه روسیه نامه مفصلی بشرح ذیل برای حاجی میرزا آقاسی مینویسد .

جناب جلالت ونبالت
نصابا کفایت وکفالت انسابا
ابهت و فخامت اکتسابا
محبان نواز دوستا مشفامکرما
محترما معظما
جناب کنیازدالفا روکی
وزیرمختار دولت بهیبه روسیه
مقیم دار الخلافه طهران
بدوستدار مکالماتی که با
جناب سامی و اعلیحضرت
شهریاری داشته در خصوص
مواعظ غیرمتوقع که از جانب
دولت علیه ایران که کشتی‌های
آتشى ما بمرداب انزلیچی
داخل نشوند بظهور رسیده
معروض داشت عرایض مفصله
را که جناب وزیر مختار مادر
این باب نوشته بود بلادرنگ
دوستدار بخاکهای مبارک
اعلیحضرت امپراطور اعظم
معروض داشت ومضامین آنها
موجب حیرت ملالت انگیز
اعلیحضرت امپراطوری گردید.
بند از حمایت عالی همت
که دولت بهیبه روسیه درممت



حاج میرزا آقاسی

چندین ساله بدولت علیه ایران نموده است و این همه دلایل آشکارای دوستی اعلیحضرت امپراطور اعظم نسبت باعلیحضرت پادشاه ایران آیادوات بهیبه روسیه می‌توانست منتظر این باشد که از جانب دولت علیه ایران اینگونه رفتار مخالف بر روابط دوستی از قبیل قدغن صریح که کشتی‌های آتشى ما به آبهای انزلی آمد و رفت نمایند بظهور برسد آن جناب استحضار دارند که عهدنامه مبارک که ترکمانچائی سفاین حریبه و بکشتی‌های تجارتی روسیه حق نامحدود وسیر آزادی در جمیع آبهای بحر خزر می‌دهد ازین حق عام استثنای مخصوص که بمرداب انزلی دخل داشته باشد در عهدنامه مذکور مندرج نشده است چون اینگونه استثنای مخصوص قرارداد شده بنا علیه موافق من و من حقیقی عهدنامه مذکور سفاین روس آشکارا حق ثابت دارند که داخل مرداب مذکور شوند مثل همه خلیجهای بحر خزر

برهم‌زدن حقوق خود را از هر که بوده باشد دولت بهیبه روسیه ابدان خواهد گذاشت و هرگز رخصت نخواهد داد و در هیچوقت متحمل نخواهد شد .

بالفرض که قانون صریح دریاب سیر آزادی کشتیها قرارداد نمی‌شد آنوقت هم سیر موافق قواعد عام که در مدت چندین صد سال شرافت پذیرفته شده است و متداول است و از جانب جمیع ملل و طوایف مشهور معروف و متفق الرای مقبول است سفاین حریبه نه تنها مرخص هستند که بدون ممانعت داخل بندرات دول متحابه شوند حتی محل احترام و امتیازات مخصوص میشوند و عند الضروره از جانب کارگذاران مملکت دوست از هر نوع اعانت و کمک بهره ورو ممتاز می‌باشند این قانون شریف بمرتبه قایم و قطعی است که استثنای بسیار کم جایز می باشد که جنبی و مقرون بز قرارداد های مخصوص که در بنیاب منعقد می شود و بس مثال در باب اینکه سفاین حریبه بنداردانل و با سفار داخل شوند فیما بین دولت علیه عثمانی و دول بورویها شرط مخصوص علاحد (کذا) قطعی داده شده است سؤال میشود که آیا ضروری بود که در این خصوص قرار علیحده داده شود اگر اختیار تنهای دولت علیه روم میتوانست کافی بوده باشد که قدغن نمایند که سفاین حریبه در درند های دریای ذرونی متعلق بدوات علیه روم داخل شوند با استثنای در بندهای مزبور در جمیع سایر بندرات دولت علیه عثمانی که بحکم حق الناس عام تعلق دارند نه تنها بعضی جداگانه سفاین حریبه بجمیع دولتها داخل میشوند بلکه سفاین متعدده داخل می‌شوند قدغن که موافق عهدنامهها دریاب در بندرهای مرمره دنکیز قرارداد شده است همین تعلق دارد بسفاین بزرگ که لی بنافرته می گویند ولی کشتی‌های حریبه کوچک مرخص و مازون هستند که در درند های مذکور آمدورفت نمایند در خود اسلامبول نزد سفارتهای روس وانگلیس و فرانسه همیشه سفاین جنگی که با همه آلات حریبه آراسته اند حاضر و موجود می‌باشد در حق کشتی‌های آتشى قدغن دخول بدر بندهای دولت علیه روم هرگز مجری نبود . است باین‌طور کشتیهای بخار جنگی فرانسه در مدت چندین سال همیشه آمدورفت میانه اسلامبول و فرانسه می کنند در حال گذشته کشتی بزرگ آتشى جنگی روسیه موسوم به سارینا چهار دفعه در اسلامبول در درندل و با سفار بیدق خود را زده بود کشتی‌های آتشى روس که باندازه وقوت چهار پنج مرتبه ز بسادتی میباشند از کشتیهای که از بحر خزر عبور دارند هرده روز با اهالی کشتی که بسفاین ماکه در قره دنکیز می‌باشند تعلق دارند از اودسه با اسلامبول آمد و رفت می کنند .

چرا اینگونه واقعه را در دول خارجه جستجو نمائیم با وجود اینکه خود در دولت علیه ایران اتفاق میافتد بکل عالم معلوم و مشخص است که سفاین حریبه دول مختلفه در هر وقت بدون ممانعت داخل بحر العجم می‌شوند و با بوشهر فرومی آیند و در آنجا جناب غراف مدم وزیر مختار سابق ماکه به آنجناب خوب معروفست خود فرصت داشت که بکشتی جنگی انگلیس که در آنجا لنگر انداخته بود رفت . دوستار زیاد می‌داند که دلائل دیگر اظهار دارد از برای اثبات اینکه همین در حین برهم زدگی آشکار با جنگ هر دولتی که بوده باشد می‌تواند قدغن نماید که سفاین حریبه به بندرات او داخل نشوند یا پیاره از سواحل فرور نیابند که قلاز این موافق قاعده متداوله صورت محاصره با آنها بجهت حالت جنگ داده باشد در هر حال دیگر قدغن دخول کشتی جنگی به بندر بیحرمتی و تعرض آشکار به بیدق آن دولتی که تعلق باو دارد میدانند وجهت کافی از برای برهم‌زدگی میسرند چنانچه برای اینگونه رفتار کمابشی رضامندی داده نشده باشد چون دوستدار آن جناب را با اینگونه مراتب مسطوره ملتفت ساخته آن جناب به آسانی انداز محیرت مارا درک خواهند نمود در حین وصول خبر از تدبیرات بیمثال اولیای دولت علیه ایران در باب کشتی‌های آتشى ما یکبار برده اند دوستدار باید که این گونه تدبیرات را همین بفساد قبیح مردمان بسیار بدخواه حمل کند که بمکالمات دروغ جرات نموده اند - آن جناب و اعلیحضرت پادشاهی مارا با شتاب بیندازند .

تا بحال کشتی‌های جنگی ما بدون ممانعتی داخل فرسات استرآباد میشوند پس چه حق میتوانند قدغن نمایند که داخل مرداب انزلی نشوند اگر قبل از این کشتیهای بادی ما بمرداب مذکور آمدورفت نمی کردند جهت آن

فقط حالت خود آن کشتی‌ها بوده است چون در کودی آب‌فرو می‌نشستند نمی‌توانستند داخل مرداب شوند بجهت کم آبی دهنه آن مرداب بود این کیفیت را وقت ساختن کشتی‌های بخار ما منظور داشته‌اند اندازه ضروره به آنها داده شده است که بتوانند از دهنه مرداب عبور کنند و ایستادن آن‌ها بیرون از مرداب در خود دریا به هیچوجه ممکن و مقدور نیست بجهت اینکه کشتی‌های آتشی بطغیان عناصر گرفتار میشدند و چون هیچوجه از باد و امواج دریا محفوظ نشده می‌توانند غرق شوند.

قطعا مراتب مسطوره از نظر آن جناب دوست مشفق مکرم اقتاده بود وقتیکه لنگرگاه از برای کشتی‌های آتشی در خود بارگاه دریا مشخص نموده بودند یا اینکه اخبارات بالمره دروغ آمیز در باب این مکانیت به آن جناب سامی داده‌اند. توپها که در کشتی‌های بخار هستند توانستند به هیچوجه من‌الوجه دلیل بر این بشوند که دخول آنها بمرداب نغمن شود بجهت اینکه کشتی‌های نجارتی که در مرداب لنگر می‌اندازند نیز توپ دارند که آن‌ها ضرور و واجب دارند در حین سیر از سارقین بحری محفوظ نمایند.

آن جناب از همه کس بهتری می‌داند جسارت آن اشرا را و اگر در سواحل کیلان و مازندران و استراباد در این اوقات، بالاخره آه و ناله وزاری و مایوس ساکت شده گریه و اشک که نتیجه از چپاولهای جسور دائمی سارقین ترکمانیه و خرابی و خونریزی آن‌ها بوده است خشک شده و اگر حالا در سواحل ایران کمال رفاه و آسایش می‌باشد اهالی آن‌جا باید این نعمت‌های بیکران را به حمایت پرزور و جانفشانی بی‌ظنیر اهالی سفاین دولت مهربه روسیه حمل نمایند که اعلیحضرت محمدشاه ایران از علوهمت اعلیحضرت امپراطور اعظم خواهش نموده است. چون دوستدار مراتب اخلاص آن جناب را که نسبت با اعلیحضرت پادشاه ایران دارد میداند و از اعتباری که آن جناب بوصف شخص اول در مشورت امور متعلق بدولت علیه ایران دارند واقفاست دوستدار بر خود قرار داده که کیفیت این امر را در صورت حقیقت خود با صداقت تمام به آن جناب بیان و اظهار نماید بمقتضای فرست و فطانت آن جناب البته معنی عهده تدبیرات مخله که در انزلی نسبت بکشتی‌های آتشی مابکار انداخته‌اند در یافت خواهند فرمود و دوستدار در این امید است که بر طبق عرض آن جناب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی تعجیل خواهند فرمود که احکام لازمه بکار گذاران آنجا صادر فرمایند که کشتی‌های آتشی مابدون ممانعت داخل مرداب شوند زیرا که همین در آنجا کمی‌ها می‌توانند محافظتی که از برای سلامتی آن‌ها ضرور است حاصل نمایند.

ایگونه حکم بالمره مطابق خواهد بود به مراسم دوستی که اعلیحضرت پادشاهی مکرر با اعلیحضرت ولی‌التمعی امپراطوری اظهار فرموده بودند و خللی که شاید بواسطه اشتباه بحق مار-یده‌است هموار خواهد کرد اینطور خرقی را که اعلیحضرت امپراطور اعظم به هیچکس اذن نخواهد داد اخلال نمایند و هر نوع که در محافظت آن حقوق می‌تواند اقتضا کند بدون مضایقه خواهد گذاشت. بملاحظه بی‌مضایقه حقیقت حال واقعی این امر اعلیحضرت پادشاهی البته متقاعد خواهند شد از فایده علایقه که بواسطه قرار داد آمد و شد سریع مترادف بمملکتین عاید خواهد شد.

این نوع مراده تا ما حاصل نمی‌توان کرد مگر بواسطه عبور و مرور کشتی‌های آتشی این اراده که اهالی مملکتین بهم دیگر تقرب جسته مرتبه انحدار زیاد حاصل نمایند و پیشرفت حمل تجارت آن‌ها بطریق سهولت و خاطر جمعی و خالی از موانعیکه بکشتی‌های بادی در دریا واقع میشود بوده باشد این مراتب مسطوره اولیای دولت مهربه روسیه را برین داشت که بحسن سنی و اهتمام قطع نظر از مخارج کثیره و مشکلات این مرحله قرار بدهند که کشتی‌های آتشی در بحر خزر آمد و رفت نمایند و با اهالی ایران نیز مثل بارعابای روسیه بدون هیچ تفاوت فرصت داده شده به مصارف خود بکار ببرند یعنی چه عوض امتنان از برای این نعمت تازه مادر ایران نه تنها عدم اطمینان و بدخواهی حتی اخلال آشکار در حقوق ناپخته خود می بینیم نظر بمعیت قلبی که دوستدار به آن دوست مشفق مکرم دارد باسرا متوقع است که جد و جهد فرموده حقیقت حال را متن واقع در نظر مبارک اقدس همایون شهراری بجلوه ظهور در آورده فساد مردمان بدخواه را آشکار سازد.

بنحویکه در ابتدا مذکور شد که عدم اذن دخول کشتی جنگی به بندر در حین صلح و صلاح در همه جاهات عرض آشکارا و علایقه به بیدق آن دولت می‌داند پس از این بعد از اظهار مراتب مشروحه اگر بر خلاف مامول اولیای دولت

علیه ایران در نایبائی خود از برای موقوف کردن قدغن آمد و شد کشتی‌های آتشی با تزللی افعال نمایند آن جناب به آسانی درک خواهند فرمود که وظیفه شریفه حفظ آبرو و ننگ و ناموس ملت چه نوع تکالیف را بگردن ما وارد می‌آورد و چطور جواب که نتایج آن می‌تواند ببخشد و در عهده خود اولیای دولت ایران خواهد بود.

این شرح را بعلمت مضمون عمده خطیر اعلیحضرت ولی‌التمعی امپراطور اعظم باین بنده آستان معدلت ارکان خود فرمایش ملوکانه فرمودند که بسجابت فلدگر مخصوص نزد آن جناب ایقاد دارد باو نیز حکم شده است که در آنجا منتظر شده از آن جناب جواب بیاورد بر آن جناب مغنی و مستور نماید که مضمون شرح جواب آن جناب تاثیر بلاواسطه بر مراده آینده فیما بین دودولت خواهد داشت و دوستدار امیدوار است آن جناب تعجیل خواهند فرمود که هر چه زودتر ممکن باشد ما را از اشتباه گران در آورند در خصوص تدبیراتی که اولیای دولت علیه ایران نسبت بدولت مهربه روسیه در این اوقات می خواهند بکار ببرند بعد از اظهار همه مراتب مشروحه به آن جناب آن چه باقی می‌ماند آست که اعتقاد واقعی خود را در اختراعی که نسبت به آن جناب مشفق مکرم دارد تکرار و بیان نماید.

شاسلیه دولت مهربه روسیه - در دارالسلطنه بطربورق بتاريخ ۳ شهر سپتمبر سنه ۱۸۴۶ عیسوی مطابق

غراف نسلرود شهر شوال الهیکرم ۱۲۶۲ هجری

و بطوری که ملاحظه می‌شود دولت روسیه دولت ایران را تهدید میکند که بموجب معاهده ترکمانچای برای خود در کلیه نقاط بحر خزر حق آزادی عمل را قائل بوده و می‌میکوید اگر تا کنون کشتی‌های روس بمرداب انزلی نیامده‌اند بواسطه نقص ساختمانی آنها بوده که نمی‌توانسته‌اند بپایند و اکنون که این نقص مرتفع و ساختمان آنها کامل شده باید بمرداب انزلی آمده در آنجا لنگر اندازند و نیز این امر را از لحاظ بشردوستی لازم دانسته و امنیت سواحل ایران را بواسطه عملیات کشتی‌های جنگی روسیه میداند - بالاخره حاجی میرزا آقاسی پس از مطالعه نامه فوق در ذی‌لحده ۱۲۶۲ جواب ذیل را برای کنت نسلرود می‌فرستد.

مراسله آمیخته بمهر و قهر که حسب الامر قدر قدرت اعلیحضرت قضاوکت امپراطور اعظم بدوستدار نکارش و مصحوب ملاکر (فرستاده) مخصوص ارسال داشته بودند بتوسط جناب جلال و نبالت نصاب زنده الغفران المسیحیه محبان استظهاری پرنس دولفاروکی وزیر مختار آن دولت مهربه اواصل شد و مسطوراتش را از فاتحه الهی خاتمه بنظر تحقیق و تدقیق ملاحظه و مطالعه کرده استحضار کامل حاصل نموده و فوراً مراتب را عرضه حضور مهر ظهور اعلیحضرت قدر قدرت قضاوکت شاهنشاه ولی‌نعمت خود روحانفاده داشته کمال تحیر و تعجب را از مضامین و مسطورات مراسم آن جناب حاصل نمودند و فرمودند این معنی بر همه اهل عالم هویدا و ظاهر است که ما تا چه مرتبه اهتمام در حفظ شروط عهدنامه مبارکه ترکمانچای داریم و انتظار امر دولت و زفاهیت رعیت و مملکت خود را در التیام و اتفاق دولت بزرگ همجواری خود میدانیم و دوستی اعلیحضرت امپراطور اعظم را بسیار با قدر و گرانها می‌شماریم و راضی و راضع هستیم که بقدر ذوق حکم عهد نامه مقرره تخلف و انحراف نشود اما در باب دخول کشتی‌های جنگی آتشی آن دولت بمرداب انزلی که فیما بین دولت علیه و جناب پرنس دولفاروکی وزیر مختار آن دولت مهربه گفتگو در میان است و از اینکه اولیای دولت علیه اذن دخول به آن‌ها نداده‌اند آن جناب این معنی را حمل به بی‌حرمتی و تعرض آشکار به بیدق آن دولت مهربه کرده‌اند وجهتی کافی برای برهمزدگی شمرده‌اند فرمودند اگر در امور دایره بین الدولتین گفتگوئی فیما بین اولیای حشرتین باشد نباید این معنی را حمل به بی‌حرمتی نمایند و باعث برهمزدگی بشمارند چنانچه آن جناب مضمون فقره عهدنامه را با بنظر تامل قبول کرده‌اند که مرداب انزلی داخل بحر خزر است و چون برای سیر سفاین حریبه آن دولت مهربه حدی نگذاشته‌اند حق دارند داخل مرداب مزبور شوند اولیای دولت علیه را سخن این است که بحر خزر نامیده شده است بمرداب انزلی و مضمون فصل هشتم عهد نامه این است که سفاین حریبه آن دولت مهربه حق دارند کما فی السابق در بحر خزر سیر نمایند بطور واضح معلوم است که

مرداب را خارج از بحر خزر داشته‌اند باز مضايقه نداريم عهدنامه را بميان گذاريم اگر حق با ماست اولياي آن دولت بيهه را چه حرف و اگر حق با امانی آن شوکت بيهه است مراچه سخن و اينکه مرقوم داشته بودند آن دولت بيهه بايد حفظ آبرو و ننگ و ناموس ملتی خود را فرموده ما هم بايد رعایت اين فقره را نمائيم چنانچه مکرر نوشتيم و گفتيم باوصفاي آنکه جناب غراف مدم کاغذ دولتی داده است سفاین حریبه آن دولت در بحر خزر تردد دارند نه توقف و داخل بجزایر متعلقه باین دولت عليه نخواهد شد سفاین حریبه آن دولت بيهه بدون اذن و استراضی این دولت عليه در قتلق استرپاد و عاشوراده لشکر اقامت انداخته‌اند و جزیره مزبور را متصرف شده‌اند جاومکان ساخته یا چرا کار گذاران آن دولت بيهه بجهت بیع این دولت عليه را منع از بیع و شرای امتنه محصوله ایران می‌نمایند و اموال آن‌ها را ضبط می‌کنند و علاوه از وجه گمرک بچندین صیغه از آن‌ها پول می‌گیرد و تعدیاتی که تفصیل آن مایه اطلاق است اینک مرقوم داشته‌اند توبهائی که در کشتی آنشی هستند نتوانستند بهیچوجه من الوجوه دلیل بر این شوند که دخول آن‌ها بمرداب قفسن شود بجهت اینک کشتی تجارتي که در مرداب لشکر می‌اندازد نیز توب دارند که آن‌ها ضرور و واجب دارند در حین سراز سارقین بحری محفوظ بمانند می‌فرمایند اگر این عده معمول است که کشتی‌های تجارتي آن دولت بيهه حق تباری دارند منع از آلات حربیه و داشتن از توب مینمایند .

و دیگر آن جناب مرقوم داشته اگر در سواحل گیلان و مازندران و استرپاد در این اوقات آهوانه وزارتی و مایوس ساکت شده مگر یه‌اشک اهالی آن‌جا که از چپاول سارقین و خرابی و خونریزی تر کمانیه خشک شده و در سواحل ایران کمال رفاهیت میباشد باید این نعمت های بیکران را بحمايت پر زور و جاهشای بی نظیر اهالی سفاین دولت بحریه روسیه حمل نمایند میفرمایند بعد از آنکه تر کمانیه اهالی سفاین دولت بيهه روسیه را در آن فرقه مقتدر و حکمران و مسوط آید دیدند و بلیط مرور عبور به آنها دادند و بیکلر بیگی استرپاد را بی رجوع و مسلوب الاختیار شناخته بطوری تجارت و وزیدند و پای طغیان و عصیان را پیش گذاشته و چندین دفعه بر سر بیگلر بیگیان استرپاد هجوم آوردند که اولیای دولت قاهره را لابد کرده‌اند بمخارج کثیره که لشکر کشتی و خونریزیها نمایند و آنها را تسیه و تادیب کنند کجا اهالی فرضات از شرارت تر که تیه آسوده مانده اند از اینها گذشته مکرر اولیای دولت عليه بقوای آن دولت بيهه اظهار کردند و نوشتند که بسیار اتفاق مباحثه که دولتی از حقوق خود بیاس دوستی دولت دوست خود میگردد چنانچه دولت عليه از حقوق خود که در باب مهاجرت داشتند و این فقره هم رده مهده نامه مقرر بود نظر بدوستی آن دولت بيهه گذاشتند و سالدانها تیکه فرار باین دولت عليه آمده و پناه جسته بودند رد کردند خواهش داریم که ماملت و مرادوت با استرپاد را که برای این دولت عليه ضرر فاحش دارد موقوف دارند قبول نکنند و ما را بخسارت و زحمت زراد انداختند دیگر نوشته بودند که دخول سفاین حریبه آن دولت بيهه در حلات صلح در هیچ بندری و خلیجی و مردابی از دول متحابه ممنوع نیست و مثال ندارد مثل بغاز اسلامبول زده بودند که کشتی‌های جنگی آن دولت بيهه و دولت های دیگر داخل میشود جواب فرمودند در صورتیکه همچنین باشد آنها حکم عليه داده دارند زیرا که اولاً آن دولت ممنوع از داشتن کشتی خود در آن بندر و خلیج هستند) نیستند تا یا بنادر خود را چنان بتلاص محکمه و توبخانه مستحکم کرده که بتواند در وقت ضرورت خود را محفوظ بدارند هیچیک از این دو فقره برای دولت عليه مقدور و میسر نیامده است برای رعایت حزم مملکت ذری حفظ حقوق خود را لازم میشمارم دیگر مرقوم داشته بودند چرا سفاین حریبه دول مختلفه در هر وقت بدون ممانعت داخل بحر العجم میشوند و به بندر ابوشهر فرود می‌آیند و در آنجا غراف مدم وزیر مختار سابق آن دولت بيهه کشتی جنگی دولت بيهه انگلیس را دیده که لشکر انداخته است فرمودند اولاً لشکر گاه بندر ابوشهر تا خشکی قریب دو فوشخ مسافت دارد و هرگز ممکن نیست هیچ کشتی جنگی نزدیک بخشکی بیاید مگر قریب و بلیط و بیکاره‌های کوچک تا یا این دولت عليه ممنوع از داشتن سفاین حریبه در آن بحر نیستند و هیچ دولتی در آن بحر شرکت ندارند و پیوسته در فکر داشتن چند فرود کشتی جنگی در آن بحر هستند و حاضر خواهند کرد در وقت ضرورت و محافظت بنادر و جزایر خود را نمایند

تالاً آمدن سفاین حریبه دول مختلفه بان بحر بسیار بندرت اتفاق میافتد و اگر آنها نیز بخلیج یا مردابی و خشکی نزدیک شدند البته ممنوع خواهد شد رابماً اولیای دولت عليه مدتهاست در فکر استحکام قلعه بندر ابوشهر اقدامند و آنجا را چنان کرده‌اند که تواند در وقت ضرورت خود را محافظت نمایند خلاصه فرموده‌اند

اگر مرداب از لری را موافق عهدنامه مقرر داخل بجزیره میدانند دیگر چه ازنی و کاغذی از ما میخواهند ؟ و اگر نیست چرا اذن بدهیم یا عهد تازه ببندیم زانکه ما تجرت بسی کردیم در باب تصرف جزیره عشوراده و غیره امتحان نمودیم .

فرمایشات اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاهی صان الله شوکت عن الثناهی از تراف تفصیلی بود که به آنجناب ابلاغ نمودا گر باین فرمایشات اکتفا نمیشود پس از آن جناب توقع دوستانه می‌ماند که زحمت کشیده از جناب سنی الجواب امپراطوری حکم برای جناب وزیر مختار و حکام عرض راه صادر نمایند که بلیط جزایر بدو ستادار که خبر خواه دولتین و عاگوی خضرتین است بدهند که خود به پترزبورغ آمده غرلاط بوسی حضور همایون اعلیحضرت امپراطوری حاصل کرده با آنجناب دومت مشفق مکرم نیز در مجلس ملاقات کرده آنچه در خیابای ضمیر دوستی و تخمیر مکتون است بر صره شهود در آورده و بعد از حصول ملاقات بحسن اهتمام یکدیگر باز دید روابط اتحاد و اتفاق دولتین علیتین پرداخته معاودت نمایند زحمت کشیده جوابی مرقوم دارند که دستدار تکلیف خود را بداند اما پیش از آنکه نعمت مواصلت دست دهد و با آنجناب ملاقات نماید بطور دوستی اظهار میدارد و از آنجناب سؤال مینماید که آیا دولت بيهه روسیه مرداب پترزبورغ را داخل بحر بالتیک میشمارند و حق دارند که کشتی های جنگی دول متحابه از کرن اشتاد داخل آن مرداب شوند که اولیای دولت عليه اذن بدهند کشتی‌های جنگی آن دولت بيهه نیز داخل مرداب از لری شوند پس چه توقعی است که از این دولت عليه دارند.

مع ذلک المراتب دوستدار که دولتخواه ارادت کیش دولتین است به آن دوست مکرم محترم اظهار میدارد که آنچه حقیقت و راستی است اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی ابدالله عیسه و اید جیشه کمال اطمینان و خاطر جمعی بدوستی و اصاف بزرگانه اعلیحضرت قدر قدرت امیر امپراطوری دارند و تشکیک و تردیدی در مراتب اتحاد دوستی اعلیحضرت امپراطوری ندارند و در انجام خواهشهای آن دولت بيهه چوچه مضایقتی نمی‌فرمایند ولی چندی است که از کار گذاران آن دولت بيهه یاره حرکات صادر و ناشی میشود که مخالفت سر بزم عهدنامه مبارک دارد و اولیای این دولت عليه را در تروم و توحش انداخته‌اند که البته آن حرکات بمرض حضور اعلیحضرت امپراطوری نرسیده است از جمله چند سال قبل ازین اولیای این دولت عليه از امشای آن شوکت عظمیه فضیحه خواهش کردند که چون دولت عليه در بحر خزر نمی‌خواهند کشتی جنگی نگاهدارند برای چند وقتی دو فرود کشتی جنگی بدولت عليه دهند که با قشون خود اشرار تر کمانیه رعیت خود را که از خشکی بدریا فرار مینمایند تنبیه کنند کار گذاران آن دولت بيهه همین راست آویز کرده چند فرود کشتی بمشوراده که ملک الیمین دولت عليه محل گمرکخانه قدیم بود آورده و در آنجا لشکر اقامت انداخته دست تصرف مالکانه دراز کرده در آنجا بیمارخانه و حمام و باغچه و بیوات بنا نهادند و توب و دیگر آلات حرب در آنجا گذارده سهل است رعایای تبعه این دولت عليه را در آنجا راه نداند و دیگر قونسل هائیکه برای امر تجارت و حمايت دولت بيهه خوبولایات ایران مامور تعیین نموده‌اند بخصوص در گیلان چنان دست نظارت و تدمی را دراز و آمر و تاهی آن ولایات شده است که حاکم را بهیچوجه تسلطی نیست لطف و عنف هم بدست اوست بهر کس از تبعه دولت عليه می‌خواهد بلیط رعیتی میدهد و در تحت حمايت خود نگاه میدارد بهر که میخواهد تنبیه و تعزیر میکند این اسبابهائی است که باعث وحشت و سوء ظن اولیای دولت قاهره شده است و آمدن سفاین حریبه به مرداب راهم بکونوع تسلطی برای رفتار آینه آن قونسل میشمارد علم الله تعالی که این دوست صادق الولاء آن چه گفته و نوشته است خیر دولتین و صلاح حضرتین را خواسته است و میخواهد و هیچ وقتی منظوری جز از بدابت اتحاد شوکتین فخیمتین نداشته و ندارد اگر آن جناب بحسن اصاف در مقام رفیع اسباب توحش اولیای این دولت عليه بر آیند و با دستدار شرکت نمایند انشاء الله گفتگویی و کله فیما بین دولتین بهتین باقی نخواهد ماند باقی ایام جلالت مستدام باد

تحریر فی شهری قعده سنه ۱۲۶۶

بطوری که دیده میشود باینکه حاجی میرزا آقاسی نامه کنت نسلرود را بتفصیل جواب میدهد و دلایل او را رد میکند در پایان آن مینویسد >..... مع ذلک المراتب اعلیحضرت قسر قدرت در انجام خواهشهای آن دولت بيهه بهیچوجه

مضایقتی نیفرمایند.....»

در دنباله این مکاتبه دالکورکی وزیر مختار روسیه بیافشاری خود میافزاید و جدا از حاجی میرزا آقاسی میخواهد که فرمان اجازه ورود کشتیهای روس به برداب انزلی صادر شود.

سر انجام حاجی میرزا آقاسی تسلیم میگردد ولی قبلا ضمن نامه ای به دالکورکی مینویسد:

«دوستدار قدغن کرد موافق خواهش آن جناب ملفوفه فرمان نوشتند لکن اعلیحضرت قصر قدرت شاهنشاهی از دوستدار سوال فرمودند که معلوم است هر وقت کشتی جنگی آن دولت بهیبه برداب انزلی میآید یکفر و نوبت بیشتر نخواهد بود حال در این باب جوابی مرقوم دارید که مراتب عرضه حضور اقدس همایون پادشاهی داشته فرمان همایون را صادر کرده نزد آنجناب ارسال دارد.»

وزیر مختار روسیه از قبول این تمهید که هر دفعه يك کشتی برداب انزلی بیاید امتناع میکند و در نامه ای مینویسد این امر از «دستور العمل دوستدار خارج است.» حاجی میرزا آقاسی که از رفتار وزیر مختار روسیه در این مورد عصبانی میشود ضمن جواب مینویسد:

«رقعه آن جناب واصل و مضمونش را بعرض اعلیحضرت پادشاهی رسانید فرمودند: «اگر منظور این است که دولت های خارج بدانند ما احترام ازدوت بهیبه روسیه بعمل آورده ایم که قبول کردن يك فروند کشتی جنگی آن دولت بهیبه در آمدن برداب انزلی کافی است و زیاده از يك فروند آمدن با آنجا لزومی ندارد و اگر زیاده از يك فروند بخواهند اذن بدیم در حالت مصالحه و انعقاد دوستی درست نیست و اگر مقصود از آمدن چهار پنج فروند کشتی جنگی با آنجا جنگ است آنرا هم بدانیم فرمایش» اقدس ملوکانه این بود که با آنجناب اعلام شد.»

بالاخره در تاریخ ۲۶ ماه ذی القعدة ۱۲۶۲ هجری قمری دستوری بشرح ذیل بعنوان محمد امین خان بیگلریبکی کیلان و میرزا ابراهیم خان سردار انزلی نوشته میشود.

«عالیجاه مقرب الخاقان مخدومی محمد امین خان بیگلریبکی کیلان»
«درینوقت اظهار میشود که هر وقت کشتیهای جنگی آتشی دولت بهیبه روسیه به»
«مرداب انزلی میآید بهیبه چوچه من الوجوه مانع و متعرض آنها نشوند و گذارند که»
«یا انزلی و مرداب آنجا بیایند البته آن مخدوم از قراری که نوشته شده است معمول دارند.»

«فی ۲۶ شهر ذی قعدة الحرام ۱۲۶۲»

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خود نوشته

«مقرب الخاقان مخدوم هر وقت کشتیهای جنگی آتشی دولت بهیبه روسیه آنجا میآیند»
«کمال احترام به بیدق کشتیهای آن دولت بهیبه نمایند.»
بمضمون فوق نیز نامه ای بعنوان «عالیجاه میرزا ابراهیم سردار انزلی» مینویسند

و باین ترتیب حاجی میرزا آقاسی اجازه میدهد که کشتیهای جنگی روس آزادانه به برداب انزلی آمدورفت کنند.

میرزا آقاخان نوری
تدابیری مدتها از ورود کشتیهای جنگی روس به برداب انزلی
جنگی روس به برداب
انزلی همانعت میکنند بر میآید با خواهش و تمنی آن را با امروز و فردا میکنند.

پس از امیر کبیر میرزا آقاخان نوری (۱) بصدارت ایران منصوب و مسموم میشود اجازه ای

۱- میرزا نصرالله خان معروف به میرزا آقاخان نوری فرزند میرزا اسداله خان نوری است و در کتاب روضه الصفا اجداد او را اینطور مینویسد

«از اولاد واحفاد خواجه بزرگوار مدنی مولد ابوالصالح عبدالسلام بن صالح الهروی مرید و محرم اسرار حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه التحیه والتثناء و بدین وجه طایفه ایشانرا طایفه خواجه گویند»

اولاد ابوالصالح درمازندران و کیلان زندگی میکردند و میرزا اسداله خان در زمان آقا محمد خان قاجار باستراپاد رفت و بسمت لشکر نویسی او انتخاب شد و بعدها در دوره سلطنت فتحعلی شاه «بوزارت عساکر منصوبه و معاملات تمامی سیاه اختصاص» یافت

میرزا آقا خان که کوچکترین فرزند میرزا اسداله خان بود در یشت هم اندازی و دسیسه بازی گوی سبقت از همگنان برده و بقول دکتر پلاک معلم اطریشی دارالفنون «يك مرد محیل و دسیسه بازی بدلی بود»

وقتی فتحعلی شاه میرزا آقاخان را در اوان جوانی بعنوان «نیات وزارت عساکر» بمعاونت پدر یعنی میرزا اسداله خان انتخاب کرد میرزا آقا خان باین بنای رفات ترا گذارد و آنقدر کوشید تا فتحعلی شامپدر را معزول و به حکومت تور و کجور و تنکابن فرستاد و پسرا بوزارت لشکر منصوب نمود.

در دوره محمد شاه نیز چندی این سمت را داشت ولی چون با حاجی میرزا آقا سی بنای رقابت را گرفتند و علیه او بتوطئه و دسیسه پرداخت حاجی میرزا آقاسی او را بکاشان تمید کرد.

میکویند علت تبعید میرزا آقا خان نوری بکاشان بواسطه آن بود که برای انگلیسها جاسوسی میکرد و اخبار و اسرار دولتی را به آنها میداد و حتی شبی او را مشاهده میکنند که با اس مبدل سفارت انگلیس میرود بعد از مرگ محمد شاه میرزا آقا خان از کاشان به تهران میآید و چون میرزا تقی خان امیر کبیر از دسیسه کاری و توطئه چینی او باخبر بود تصمیم میگردد که مجدداً او را بکاشان عودت دهد ولی میرزا آقاخان مهد علیا مادر ناصر الدین شاه وزیر مختار انگلیس را واسطه قرار میدهد و در تهران میماند و چندی بعد نیز بلقب اعتماد الدوله ملقب میگردد.

میرزا فضل الله برادر میرزا آقا خان در تذکره تاریخی وزیر نظام راجع به آمدن خود و برادرش از کاشان بتهران و کمک انگلیسها به آنها اینطور مینویسد.

«..... چون بالای ناگهانی میرزا تقی خان فراهانی که از جانب حضرت اقدس شاهنشاه روح العالمین فداء مصدر امور جمهور خلافت بود برای کج و طریقه لیج در فکر جان و دور نمودن ما بندگان از خاندان بود - لابد دولت انگلیس را از آن شس المرید که فعال مایرید بود ممکن اس و استیناس خود نموده باحالت ناه یکنه بردیم و از لوح خاطر خود نقش عاقبت ستردیم.....»

بالاخره میرزا آقاخان وسائل عزل و قتل میرزا تقی خان امیر کبیر را فراهم میسازد و در محرم ۱۲۶۸ هجری قمری خود بجای او بر کرسی صدارت ایران قرار میگردد.

هنگامی که ناصر الدین شاه میخواست فرمان صدارت میرزا آقا خان را تحت تأثیر و سفارش سفارت انگلیس و مهد علیا مادر خود صادر کند چون باو کاملاً اعتماد و اطمینان نداشت و به علاوه معروف بود که میرزا بقیه در حاشیه صفه بعد

را که روسها قبلا برای ورود کشتیهای خود به مرداب انزلی بدست آورده بودند برهم بزند و نگذارد جهازات جنگی روس بمرداب وارد شوند .

بدین منظور بیسی خان حاکم گیلان دستور میدهد که از ورود کشتیهای جنگی روسیه بمرداب ممانعت نماید و خود با وزیر مختار روس وارد مذاکره میگردد .

میرزا آقاخان دلایل جلوگیری از ورود کشتیهای جنگی روس را بمرداب انزلی در نامه ای که بتاريخ اول محرم ۱۲۶۹ هجری قمری بمیرزا محمد حسین صدر قزوینی عضدالملک وزیر مختار ایران مقیم پترزبورغ مینویسد چنین شرح میدهد .

« در باب کشتی جنگی و تجارتی که روسها باصرار میخواهند بمرداب انزلی »

« داخل کنند و هنوز داخل نشده است بیشتر شرحی بشما نوشتم و صورت سؤال و جواب مرحوم »

« حاجی میرزا آقاسی را با جناب غراف نسلرود پیش شما فرستادم نمیدانم رسید و جوابی »

« ننوشتید یا هیچ بشما نرسید باری مجدد وزیر مختار کاغذی باصرار هر چه تمام تر نوشته »

« است ایستادگی غریبی دارد که باید داخل مرداب شود دولت ایران میگوید . »

« اولاً مرداب داخل دریانست که موافق عهدنامه حق داشته باشد . »

« ثانیاً معمول این چند سال را باید رعایت کرد . »

« ثالثاً مرداب ممتد میشود تا داخل آبادی مملکت با این حال آمدن کشتیهای روس »

« ظاهر است چه حالت به مردم این مملکت و اهالی بلد و بیگانه و بومی خواهد داد شما »

« نمیدانم چه حرف زدیده و چه شنیدید یا هیچ کاغذ بشما نرسید اگر بنای شما با جناب »

« سیتا وین بطور دوستی و اتحاد و خالی از مجاجه است حالی نمائید که آمدن کشتی »

« شما بمرداب انزلی از برای شما نفی ندارد اما از برای ما از داخل و خارج که شما میدانید ضرر »

« کلی دارد بالفرض اگر حق ثابت دولت روس هم باشد که از شما توقع داریم »

بقیه از حاشیه صفحه قبل

آقا خان تحت حمایت سفارت انگلیس و وابسته به آنهاست تعهد نامه ای بشرح ذیل از او میگیرد .

« این چاکر قدیمی پدر بر پدر خانه زاد و نمک پرورده این آستان مبارک بوده محمد حسنخان مرحوم »

و آقا محمد شاه مرحوم و خاقان مقفور و شاه مرحوم میرور خود و انجادم بارت خدمت کرده ام بصدقت رعیت »

و نوکر خانه زاد شاهنشاه روحی فداه هستم کسی را یاری نخلف از این حرف و گفتار نیست و اگر خدای نکرده »

از این فدوی قدیمی جان نثار خیانتی دولتی سریزند مورد مواخذه شاهنشاه روحی فداه باشم لیکن استدعای »

این چاکر این است که اگر عرض شود تحقیق شود و بعد از اثبات عقوبت شود تحریراً فی محرم ۱۲۶۸ »

در ذیل آن مجدداً اضافه نموده .

« این بنده درگاه در زیر حمایت هیچ دولتی بجز در ظل حمایت شاهنشاه ایران خلدناله فلک نیست و »

امید الطاف و مرحمت از این آستان مروت نشان داشته دارم » محل مهر در پشت صفحه عهدنامه آقا خان این »

اسداله دوران صدارت این شخص تا محرم سال ۱۲۷۵ هجری قمری بطول انجامید .

میرزا آقا خان در این مدت هفت سال از لحاظ سیاست داخلی و خارجی کشور مرتکب اشتباهات جبران »

ناپذیری گردید و عده ای خیانت او را در فضیله هرات و جنگ بین ایران و انگلیس مسلم میدانند »

میرزا آقا خان پس از عزل مدنی بحال تبعید در سلطان آباد عراق ویزد و اصفهان بسر میرد و عاقبت در »

شب جمعه ۱۲ مه شوال سال ۱۲۸۱ هجری در قم فوت میکند و جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در آنجا »

بخاک می سپارند .

« بای نشوید »

هنگامیکه مامورین ایران از ورود تمام کشتیهای روس بمرداب انزلی جلوگیری میکنند وزیر مختار روسیه نامه اعتراضیه ذیل را بمیرزا آقاخان نوری مینویسد .

« نمره ۱۰ - چهارم اکتوبر ۱۸۵۳ غره محرم ۱۲۶۹ »

« از قرار شرحیکه بواضع این دستخط وزیر مختار اعلیحضرت ایمبراطوری از جانب »

« قونسل دول فخمیه روسیه مقیم رشت رسیده است و بنظر امنای دولت بهیه خواهد »

« رسید کار گذاران انزلی اعلام داشته اند که بر طبق احکام دولت خودشان و موافق »

« دستور العمل والی گیلان ایشان نمیتوانند گذارند که کشتی آتشی تجارتی روس »

« متعلق بتجار کمپانی مسکو که بارش مال التجاره است با آزادی داخل مرداب انزلی »

« شود بغیر از این از برای مزید حیرت سرحد داران بعالیجاه ایوانفسکی صاحب »

« اطلاع داده اند که به آنها رسماً حکم شده است که بواسطه جمع تدابیر امکان پذیر »

« در این باب ممانعت نمایند این با اگر اه زیادی است که بواضع این دستخط باید »

« بملاحظه عمده جناب میرزا آقاخان صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی در آورد این »

« گفتار تهدید آمیز مباشرین زیر دست دولت ایران را چون واضح این دستخط »

« آرزوی صدیق دارد که درین باب فقط نتیجه خبطی مشاهده نماید و خود را بدون دلایل »

« کافی ماذون نخواهد دانست باور کند که این نوع اعلام که باین طریق اقرب متعلق »

« است بمراسم خصومت آشکار نسبت بدولت بهیه روسیه هیچوقت توانست اظهار »

« اراده سنیه بوده باشد . واضح این دستخط زیاد متقاعد است از میلی که اولیای دولت »

« اعلیحضرت پادشاهی در هر فرصت خواهند داشت که رابطه حسن اتحاد و صلح فیما بین »

« مملکتین حفظ نمایند تا که این قسم احتمال رنجش آمیز را قبول نماید بنظر واضح »

« این دستخط میآید که اولیای دولت ایران بقدر کفاف از فصول عهد نامیجات »

« مستحضرنند و زیاد وظیفه خود میدانند که آنها را حفظ نمایند تا که اینگونه مقاوله »

« از جانب کار گذاران زیر دست این دولت خودشان متحمل شوند در کمال نادانی »

« خود مباشرین بلکه خبر ندارند که قطع نظر از عهد نامیجات قدغنی که سفاین خواه عسکر به »

« خواه تجارتیه به بندر دولت دوست و همسایه داخل نشود رنجش است عمده و تدبیری »

« است که فقط در حین جنگ جایز میدانند و گذشته از این که این تدبیر نقض آشکار »

« عهد نامه مقرر است بلا واسطه خللی میرساند بحقی که فیما بین ملل مجری است »

« که طالب شیوه منوره خود که سیویلر اسیان مینامد میباشد مباشرین زیر دست ایران »

« که اینطور انحراف از قواعدی که عموماً معمول است جایز میدانند بلکه خبری »

« ندارند بخوری که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی بواسطه اعلانات سابقه باید »

« اطلاع داشته باشند که دولت فخمیه روسیه در هیچوقت آنرا نخواهد گذارد و متحمل »

« نخواهد شد خلاصه واضح این دستخط مطالبه مینماید که به اشخاصیکه جرئت نموده »

« اسم دولت خودشان را بکار بردند از برای این نوع مکالمه خصومت انگیز و غیر »

« موجه بوسعت اطلاعی داده شود و از وظایف خود و از ضرورت الزم که حسن »

« مراده فیما بین دولتین را که بواسطه مراسم دوستی و همجواریت صلح آمیز »
 « متعهداند حفظ نمایند . »
 میرزا آقاخان نوری در جواب نامه اعتراضیه سفارت روس نامه ذیل را نوشته و
 میگوید که بکارگزاران کیلان دستور داده که از ورود کشتیهای تجارتی بمرداب انزلی
 ممانعت نمایند .
 « جناب جلالت و نبالت نصایب کفالت و کفایت انتسابا مجبان استظهارا »
 « مشقفا مکرما »
 « کاغذ آن جناب مورخه غره شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۹ رسید قلمی داشته بودند »
 « که سرحداران انزلی اعلام بعالیجاه فطانت همراه موسیو ایوانفسکی فونسل دولت »
 « بهیه روسیه مقیم رشت نموده اند که نمیتوانند گذارند که کشتی تجارتی »
 « تجار آن دولت بهیه با آزادی بمرداب انزلی داخل شود چون کشتی های تجارتی »
 « آن دولت سابقاً بادی بسود و کشتی آتشی تجارتی در بحر خزر تازه »
 « ایجاد شده است اگر منعی کرده اند بگمان این بوده است که کشتی »
 « مزبور از کشتیهای جنگی است که چنانچه در مراسله مورخه ۲۵ شهر رمضان سنه »
 « ۱۲۶۸ بان جناب نگارش رفته است موافق عهدنامه حق آنها همین سیر در بحر »
 « خزر است و بس حالا که آن جناب بالصراحه نوشته اند که کشتی مزبور تجارتی است »
 « بکار گذاران کیلان اعلام خواهد شد که موافق قاعده متداوله که با کشتیهای تجارتی »
 « آن دولت رفتار میکنند با این کشتی نیز عمل نمایند و چون کسی آتشی درین مدت آمد »
 « و رفت در مرداب انزلی نداشته و در نظر خلق آن صفحات تازگی دارد بجهت رفع »
 « بعضی تصورات عوام کالانعام آن ولایت توقع میرود که آن جناب قراری بدهند که »
 « کشتی مزبور هر دفعه که میآید بقدر ضرورت منکث نماید و اسباب تماشا و بیکاری مردم »
 « و باعث شهرت های مرارت افزا نشود . »
 « چون لازم بود در مقام زحمت برآمد حرفی ۹ شهر محرم سنه ۱۲۶۹ »
 در نتیجه این مکاتبات میرزا آقاخان صدراعظم نامه ذیل را به « عالیجاه عیسی خان
 حاکم کیلان » و « عالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه کیلان » مینویسد و بآنها
 دستور میدهد که فقط کشتیهای تجارتی روس را اجازه ورود بمرداب انزلی بدهند و
 از ورود جهازات جنگی ممانعت نمایند .
 « بعالیجاه عیسی خان حاکم کیلان »
 « مقرب الخاقانا محترما وزیر مختار روسیه در باب دخول کشتیهای آتشی آن دولت »
 « بمرداب انزلی مراسله بدوستدار نوشته و جواب را نزد میرزا محمدعلی انفاذ نمود »
 « و باو نوشت که بلاخطه آنمخدوم برساند اگرچه بعد از اطلاع بر مضامین آن »
 « سؤال و جواب دستور العمل خود را در بنباب خواهید دانست ولی از بابت غایت وضوح »
 « بآنمخدوم زحمت میدهم که قدغن نمایند کشتیهای آتشی آن دولت بهیه را که خالی »
 « از توپ جنگی و سرباز و ادوات جنگ باشد و کشتی تجارتی بر آن صادق آید از »

« دخول و سیر در مرداب انزلی ممانعت نمایند اما اگر کشتی آتشی جنگی آن دولت »
 « که سرباز و توپ جنگی در آنست بخواهد داخل مرداب شود بگویند از برای ما »
 « حکم و دستور العمل از اولیای دولت است خلاصه اذنی که بآنها داده شده است همان »
 « کشتیهای تجارتی روسیه است نه کشتیهای جنگی دولت مشارالیهها و فرق میان »
 « کشتیهای تجارتی و جنگی بودن توپ و سرباز است در آن که هر کدام توپ و »
 « سرباز دارد جنگی است و هر یک ندارد تجارتی است آنمخدوم اهتمام زیادی در این »
 « باب بعمل آورند که خدا نکرده نقصی و وهنی حادث نشود . »

« شهر محرم الحرام ۱۲۶۹ »

« بعالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه کیلان »

« عالیجاهها مجتد همراها عزیزا »

« فیما بین من و جناب وزیر مختار در باب دخول کشتیهای تجارتی دولت بهیه روسیه »
 « بمرداب انزلی سؤال و جوابی شد که سواد هر دو را اینک ملفوف این نوشته از برای »
 « استحضار آنعالیجاه فرستادم و بمقرب الخاقان مخدوم عیسی خان حاکم کیلان »
 « مراتب را نوشتم آنعالیجاه مخدوم معزی الیه را از مضامین سوادها اطلاع بدهید چون »
 « در جوابی که از جانب من بجناب معظم الیه نوشته شده است صریحا نگاشته نشده »
 « است که کشتیهای تجار دولت بهیه روسیه آیا ماذون است بمرداب داخل شود یا نه »
 « از برای عدم شبهه و رفع ابهام و ظهور بصیرت و بینائی آنعالیجاه مبنوسم که »
 « کشتیهای آن دولت بهیه خواه بادی خواه بخاری ماذون است که در مرداب انزلی »
 « گشت و گذار و رفت و آمد نماید اما شرطش این است که خالی از توپ جنگی و »
 « ادوات و سرباز باشد هر گاه توپ و سرباز داشته باشند کشتی جنگی هستند و »
 « کشتیهای جنگی را از دخول بمرداب مزبوره اذن داده نشده است آنعالیجاه »
 « بسرحدار انزلی مراتب را حالی نماید و دقت کند امر تازه احداث نشود اگر بخواهند »
 « کشتی دودی و ادوات جنگ داخل بمرداب نمایند جواب اینطور بگویند که ما از »
 « جانب اولیای دولت خود ماموریم که از دخول کشتیهای تجارتی دولت روسیه بمرداب »
 « ممانعت ننمائیم چون این کشتیها توپ و سرباز دارد و کشتی جنگی است اذن نداریم »
 « که بگذاریم داخل مرداب شود موقوف بحکم مجدد اولیای دولت علیه است »
 « بانسانیت و معقولیت رفتار نمایند که حرفی و سخنی از آن بیرون نیاید از مضامین »
 « سؤال و جواب آنعالیجاه همین کیفیت را استنباط خواهد نمود که بقیر این اذنی »
 « بکشتیهای دولت روسیه داده نشده است زیاده چه نویسم . سلخ محرم ۱۲۶۹ »

بدین ترتیب قرار میشود فقط کشتی های تجارتی روس داخل مرداب انزلی

شوند و از ورود جهازات جنگی جلوگیری نمایند .

میرزا آقاخان نوری همیشه این اقدام را از خدمات خود می شمرد چنانکه در جلد دهم
 روضة الصفا نامصری ضمن کارهایی که در دوره صدارت میرزا آقا خان انجام
 شده مینویسد .

« دیگر آن که اهالی دولت روسیه خطی از حاجی میرزا آقاسی گرفته بودند که جهازات ایشان را بلاکراه انزلی جواز نزول باشد و چون مایه بعضی اختلال میشد جناب صدارت آن را موقوف داشته بر خط حاجی خطبرزد ».

بعد از میرزا آقاخان نوری نیز همیشه از ورود کشتیهای جنگی بمرداب انزلی جلوگیری میشد و حتی اگر يك کشتی را که روسها تجارتی مینامیدند ولی بنظر مامورین ایرانی جنگی میآمد از ورود آن هم بمرداب جلوگیری میکردند چنانکه حاج میرزا سعید خان وزیر امور خارجه در نامه ای بعنوان « میرزا صادق خان منشی مهام خارجه گیلان » بتاريخ سلخ جمادی الاخر سنه ۱۲۷۷ چنین مینویسد .

در خصوص کمی آتشی از خیالات کمپانی روس اطلاع و ضمناً استفسار نموده بودید که کمی آتشی اذن دخول بمرداب دارد یا نه حقیقت این است که بتغییر وضع چنین کمی و اسم او را تجارتی گذاشتن با اینکه خود آنعالیجاه نوشته است که يك چرخ زیر آب خواهد داشت که بکار جنگ هم میآید نمیتوان اذن دخول بمرداب داد و اینطور کشتی ها جنگی محسوب خواهند شد فقط کشتی باد بانی را تجارتی میدانم و حق دخول بمرداب دارند کشتی آتشی شد و توپ هم دارد دیگر از جنگی بودن چه باقی خواهد داشت گفتن روسها که چنین کشتی تجارتی است دلیل نمیشود و البته آنعالیجاه مراقب باشد که کشتی آتشی ابدأ داخل مرداب انزلی نشود لزومی هم ندارد و هرگاه از آنطرف بمقام ستوال و جواب برآیند در مقابل بگوئید که ما همان جور کشتی را تجارتی میدانیم که متداول بوده و تا بحال داخل مرداب میشده است این وضع جدید را نیشناسیم که تجارتی باشد و ما ذون نیستیم که سوای جور کشتی های تجارتی سابق اجازه داخل شدن بمرداب بدهم این فقره در نظر مرحمت پایگاه همیون زیاد معنای به است مباد آن عالیجاه غفلت نماید و اگر در آنجا نگذشت مراتب را عالیجاه قونسول بیجناب وزیر مختار و شما باو لای دولت بنویسید تا از آنجا حکم صادر شود باقی والسلام .

ب - بنای تجارتخانه

قبلاً گفتیم که روسها از آقا محمد خان قاجار اجازه گرفتند در ساحل استرآباد « دارالمعامله » ای بنا کنند ولی بجای آن بنام تجارتخانه مشغول ساختن قلعه جنگی شدند و بطور اختصار دیدیم که چگونه آقا محمد خان روسها را از سواحل ایران راند و نگذارد که در آنجا پایگاه نظامی بسازند .

بعد از معاهده ترکمانچای در زمان محمد شاه روسها بموجب فصل پنجم معاهده مزبور از حاجی میرزا آقاسی درخواست مینمایند که اجازه داده شود در استرآباد و بندر جز کمپانی روسی محلی برای معاملات تجارتی و سکونت بازرگانان روس بسازد .

حاجی میرزا آقاسی که سابقه موضوع را در زمان آقا محمد خان میدانست و مخصوصاً رفتار خشونت آمیز غراف مدم وزیر مختار روس را میدید می ترسید که ساختن انبار تجارتی بهانه باشد و دوباره ساختن قلعه جنگی تجدید شود .

ابتدا قضیه را با امروز فردا میگذرانند ولی بالاخره بواسطه فشاری وزیر مختار

روس موافقت مینماید که انباری برای مال التجاره اتباع روس در استرآباد بسازند ولی قبلاً از وزیر مختار روس میخواهد که تمهید کند این بنا فقط اختصاص بتجارتخانه خواهد داشت و هرگز انبار مهمات جنگی و آلات حرب نخواهد شد و وزیر مختار روس نیز در ماه صفر ۱۲۵۸ این تمهید نامه را بشرح زیر بعنوان حاجی میرزا آقاسی مینویسد .

« جناب مجددت و جلالت انصاف و فطانت و مناسبات کسباً و احسان اوازا دوستی استظهاراً مشفقاً معظماً مکرماتاً بجهت رفیع اشتباه و باره تصورات آنخواستن تجار روس در ساختن انباری بکنار بندر استرآباد برای مال التجاره خود که از مملکت روس می آورند چنانکه گفتگو و قرار شده است انبار مذکور بهیچ بهانه مستحکم نخواهد شد و هرگز انبار آلات حرب و اسباب قورخانه نخواهد گردید و دولت علیه ایران هیچ چیز بدهد خود نمی گیرد مگر دادن سرباز که برای حفظ مال التجاره مطالبه خواهد شد چنانچه انبار مذکور بخارج دولت علیه ایران ساخته شود تجار دولت بهیچ روسیه برای مدت زمان که مال التجاره خود در آن خواهند ماند رسمی خواهند داد و چنانچه به برخلاف آن ساختن انبار فوق الذکر بعهده تجار روس باشد همین اخراجات سرباز مستحفظ این دولت جاوید مدت را خواهند داد » .

... زیاده چه مصدع شود باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد تحریراً فی بیست و دوم صفر المظفر سنه ۱۲۵۸ محل مهر

وزیر مختار دولت بهیچ روسیه غراف مدم

و بالاخره حاجی میرزا آقاسی اجازه می دهد که « موافق شروط عهد نامه مبارکه انبار باید در محل تجارت که خود شهر استرآباد است ساخته شود » . بعداً پس از اینکه « غراف مدم » وزیر مختار تندخوی روس از ایران می رود و بجای او کنیزدالگور کسبی مامور دربار محمد شاه می شود و روابط حاجی میرزا آقاسی با سفارت روس بهبودی می یابد « چرنایوف » کنسول روس در استرآباد از حاجی میرزا آقاسی تقاضا میکند که اجازه بدهند در « فرضه استرآباد » نیز انباری برای تجارت بنا کنند . حاجی میرزا آقاسی نیز با این تقاضا موافقت و به چرنایف کنسول دولت روس اینطور مینویسد .

« عالیجاه بلند جایگاه مجددت و فطانت همراء دوستا مشفقاً مهرباناً

مراسله حلت مواصله در زمانی خوب و اصل و از مسطوراتش که مشعر بر مراتب دوستی و يك جهتی بود کمال فرح و سرور حاصل آمد اینک فقراتی از مراتب صدق عقیدت و دولتخواهی خود نسبت بدولت علیه نوشته بودند و مندرج داشته بودند که میخواهند اشاءاله از حسن نیت و خیرخواهی بر مراتب دوستی و يك جهتی دولتیین بهیچین بیفزایند و در آن حدود که اقامت دارید از روی کمال حسن انصاف بهمهات تبعه دولتیین پردازند الحق آن چه نوشته اند همه مقرون بصدق و صوابست و دوستدار را یقین حاصل است که امورات تبعه دولتیین بهیچین از حسن نیت و خیر خواهی آن دوست بخوبی و خوشی انجام خواهد یافت در باب ساختن انبار در فرضه استرآباد بجهت گذاردن مال التجاره تجار تبعه دولت بهیچ که اشعار کرده بودند که دوستدار بکار گزاران استرآباد قدغن نماید سازند و به تجار تبعه دولت بهیچ روسیه کرایه بدهند حسب المسؤل آن دوست شرحی بمالیجاه مقرب الخاقان سلیمانخان بیکلری یکی استرآباد قلمی داشت که انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه آن دولت بهیچ در فرضه استرآباد در محلی که مناسب باشد ساخته بهتجار آن دولت بهیچ کرایه بدهد یقین است که عالیجاه معزی الیه از قرار نوشته من عمل خواهد کرد و انبار را خواهد ساخت زیاده مطلبی نیست »

نامه ای که حاجی میرزا آقاسی به سلیمان خان نوشته و در نامه کنسول دولت روس

بآن اشاره کرده این است

«مقرب الخاقانا مخدوما»

چون از اوقاتی که عالیجاه چرنایوف صاحب قونسول دولت بهیه روسیه در دارالخلافه بود در باب ساختن انبار بجهت گزاردن مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه بامن گفتگو کرد و من بعالیجاه مشارالیه وعده کرده و دم که انبار بقدر کفاف گزاردن مال التجاره تبعه آن دولت بهیه در فرضه استرآباد می سازم و به آن ها کرایه می دهیم هم این اوقات عالیجاه مشارالیه کاغذی بمن نوشته بود و خواهش این مطلب را نموده بود که وعده وفا نمایم از اینکه عالیجاه مشارالیه را اخیر خواه صداقت کیش دولتین بهیتن میدانم بقدراللزوم انباریکه کفاف گزاردن مال التجاره تبعه آن دولت بهیه را نماید در فرضه استرآباد در جائیکه مناسب دانید بسازید و بنجار تبعه آن دولت بهیه اجازه دهید که من اخراجات ساختن انبار مزبور را به آن مخدوم خواهم داد تحریرا فی شهر صفر سنه ۱۲۶۳ هجری حاجی در دنباله این اقدام تشریحی نیز باین مضمون برای کنیاز دالگورکی وزیر مختار روس نوشته است .

جناب جلالت و نبالت نصایا محبان استظهارا دوستان اعتقادا مشقا معظما

در اوقاتی که عالیجاه مجدث همراه دوست مهربان چرنایوف صاحب در دارالخلافه بود از من خواهش کرد که در فرضه استرآباد انباری بجهت گزاردن مال التجاره تجار تبعه دولت بهیه روسیه بسازم و کرایه بدهم و عالیجاه مشارالیه نیز در این اوقات شرح از استرآباد در بنیاب بدو ستاد نوشته بود اگر چه موافق شروط عهده نامه مبارکه انبار باید در محل تجارت که خود شهر استرآباد است ساخته شود اما از این که دوستدار می خواهد رضای خاطر عالیجاه مشارالیه را بعمل آورد درینوقت شرحی بعالیجاه سلیمان خان بیگار بیکی قلمی داشته که انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه در فرضه استرآباد در محلی که مناسب باشد از پول دوستدار که دخلی بکار دولتی ندارد بسازد کرایه بدهد چون استحضار آن جناب لازم بود در اینوقت نوشته جات استرآباد را نزد آن جناب فرستاد که از مضامینش استحضار حاصل نموده زحمت کشیده ارسال استرآباد فرماید . فی هتمم شهر صفر سنه ۱۲۶۳ هجری چرنایوف کنسول روس در نامه ای باین شرح از اقدام حاجی میرزا آقاسی تشکر میکنند .

«تملیقه رفیعه شریفه که بجهت قبول مستدعیات این مخلص ارادت کیش صلاح اندیش شرف صدور یافته بود در اسمدان و خوشترین زمان کالوخی المنزل عز و صل و پرتوزول ارزانی داشته از عنایات و فقرات تلطیف آیاتش که مبنی بانظار محبت و مکرمت بود کمال مسرت و فرخ رخ نمود و بمراتب اخلاص و امیدواری افزود چون در این ایام سعادت فرجام که چایبار سفارت دولت بهیه عازم آن صفحات برکت علامات بود واجب بل متحنم آمد که بمقتضای اخلاص باطنی که باطنی مراتب کمال بود قدم صدق و ارادت بساحت شکر گزاری و حق شناسی نهاده بنکارش این مختصر پرداخته آمد امیدوار است که انشاءاله پیوسته اوقات بابنگونه مراحم و اشفاق مخلص خود را فرین میاهی و افتخار فرماید تحریرا فی ۲۹ شهر صفر ۱۲۶۳ هجری»

حاجی میرزا آقاسی گذشته از نامه ای که قبلا به سلیمان خان بیگلر بیکی استرآباد نوشته و توسط پست سفارت روس ارسال داشته بود جداگانه و محرمانه نامه ای هم به سلیمان خان مزبور می نویسد که در ساختن انبار دقت کافی بعمل آورد که مبادا روسها انبار را بصورت قلعه جنگی در آورند .

«مقرب الخاقانا مخدوما»

موافق شروط عهدنامه مبارکه تر کمانچای باید کار گزاران دولت علیه در شهر استرآباد که محل تجارت و معاملات است انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه دولت بهیه روسیه بسازند به آنها کرایه بدهند اما در اوقاتی که عالیجاه دوست مهربان چرنایوف صاحب در دارالخلافه بود از من خواهش کرد که چون اموال تجار تبعه دولت بهیه روسیه را که از کشتی بخشی فرود می آورند مکانی ندارند که مال خود را از زیر و باران محفوظ بدارند اموال آنها ضایع تلف میشود من انباری در فرضه استرآباد بسازم به آنها کرایه بدهم من محض استرضای خاطر

عالیجاه مشارالیه قبول کردم انباری از پول خود که بهیچوجه دخلی با مور دولتی ندارد بسازم در این باب آن مخدوم نوشته بتوسط چایبار سفارت فرستادم که ملاحظه خواهید نمود لهذا مجدداً به آن مخدوم می نویسم که انبار مزبور بقدر مال التجاره آتاهار محلی بسازد که بهیچوجه ضرری برای دولت علیه نداشته باشد و انبار مزبور حصار و قلعه نمی خواهد مجتمع هم سازد و متفرق باشد میسازد آن مخدوم بطوری که نوشته شده است انبار مزبور را در فرضه استرآباد بسازد آنچه خرج نماید من خود به آن مخدوم خواهم داد و کسی هم از مضمون این نوشته مستحضر نشود باقی والسلام»

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خود نوشته

«انبار انبار است و کاروانسرا کاروانسرا و قلعه قلعه چند جا انبار ساختن و بهم متصل نمودن و بصورت قلعه در زیوردن سبب اطمینان اهالی طرفین است بوضعی بسازید که بصورت قلعه و کاروانسرا که برادر کوچک قلعه است در آن سرحد باعث صد هزار گفتگو است خانه که چند اطاق کوچک برای نشستن تجار و انبار بزرگی که بسیار بزرگ باشد برای گذاشتن بار کفایت دارد بعد بفاصله یکسده ذرع باز مثل آن میتوان و همچنین اگر مطلب را یافتید فیهوالا آدم دیگر بفرستم بیاید انبارها را ساخته مراجعت کند . بتاريخ ۹ شهریور سنه ۱۲۶۳ هجری و باین ترتیب انبارهایی در سواحل استرآباد و بندر جز ساخته برای تجارت در اختیار روسها گذارده می شود .

هنگامی که امیر کبیر صدر اعظم ایران بود اتفاقاً یکی از انبارهای فوق الذکر آتش گرفته و تمام بنای آن دستخوش حریق میگردد . روسها بعد از خاموش کردن حریق در صدد ساختن مجدد بنا می افتند و مصالح و اسباب کار را فراهم میسازند .

از آن طرف امیر کبیر موقع را مفتنم شمرده به محمد ولیخان بیگلر بیکی استرآباد دستور میدهد بهر طریق هست در کار ساختمان تجارتخانه مواعظ و اشکالاتی ایجاد نموده تا میتواند نگذارد کار بنائی صورت بگیرد . کنسول روس چرنایوف مقیم استرآباد در تاریخ ۳ صفر ۱۲۶۷ به محمد ولیخان می نویسد :

«از فراری که معلوم میشود بعضی از اهالی جز و مباشرین آنجا در باب ساخته شدن انباری که از اول معاملات و تجارت کامپانیا در کنار جز ساخته و درین عرض مدت در تصرف ایشان بوده و این اوقات صورت اختراق یافته بود مانع میشوند و مردم را از بردن چوب و تخته منع میکنند و نمی گذارند که چوب آلات بفروشد . ازین طرز و طور و ترس حقوقها که مردم داده میدهند و عاقبت کار بجائی رسید که نه تجار جرأت معاملات میکنند و نه مکاری قدرت حمل و نقل مال التجاره از کناره دارند و این معنی که منافعی مراسم اتحاد دولتین بهیتن است موجب سد طرق تجارت و باعث ضرر و زیان رعایای طرفین خواهد آمد و مردم از دادوستد و کسب و معیشت باز خواهند ماند لهذا زحمت می دهد که در عالم اتحاد و موالات دولتین فحیمتین قناعت فرمایند که کسی در باب ساخته شدن همین یکبار انبار - وخته چوب فروش و تخته بران را مانع نشده گذارند که ساخته کما فی السابق در دست داشته باشند و بطریق اول مشغول تجارت خود گردند»

در طهران بین وزارت امور خارجه و سفارت روس مکاتبات و مذاکراتی بعمل می آید و بالاخره میرزا محمد علیخان از طرف وزارت امور خارجه به پرنس دالگورکی در ماه صفر ۱۲۶۷ می نویسد «..... دولت علیه ایران میل دارد انباریکه پنج سال قبل از این

بخرج تجار کامپانی روس در کنار جز ساخته شده بود و این روزها آتش گرفته سوخته است بخرج خود از نوع بسازد ۲۰۰۰

پرنس دالگورکی این پیشنهاد را بآدو شرط قبول میکند .

در شرط اول انبار مذکور هر چه زودتر بطوری ساخته شود که مقصود حاصل آید در صورت معلوم است

بنظارت عالیجاه قونسول و تجار کامپانی باید ساخته شود

در شرط دوم تجار کامپانی برای ساختن انبار و مصالح جمع کرده نواب مهدیقلی میرزا (حاکم استرآباد و مازندران) خرج آنرا بدهد زیرا که در راه مودت این خرج را کرده اند و خواسته اند که خرج بی فایده را از دولت رفع نمایند .

و بدین ترتیب مطابق نقشه روسها یک انبار و یک عمارت مسکونی مشتمل بر دو و اطاق باهتتام محمد ولیخان بیگلری یکی استرآباد ساختند و قرار شد که آشیخ خانه و حمامی نیز بسازند و این بناها را رویهم از قرار سالی دو بیست و پنجاه تومان بکامپانی تجاری روس اجاره دادند .

صورت اجاره نامه از اینقرار است .

« کامپانی انبار جدید و مایملق بهارا که عبارت از نشیمن و حمام و آشیخ خانه که باید ساخته شود اجاره میکند که مبلغ دو بیست و پنجاه تومان هر ساله بدهد مشروط بشرايط مذکور :

در شرط اول این است بعد از آنکه همه انبار و نشیمن و حمام و جای عملجات و آشیخ خانه را درست کردند و بتصرف سر کشیک دادند چهار ساله اجاره نمایند در هر سال دو بیست و پنجاه تومان بدهد و اول وقت اجاره بعد از درست شدن نشیمن و حمام و غیره باشد .

دوم اینکه وجه اجاره را در یک سال بسه قسط بدهد یعنی از چهار ماه بچهار ماه

سیم اینکه در ظرف مدت اجاره هر گاه جانی خراب بشود باید فوراً صاحب انبار در مرمت و تعمیر آن بپردازد و اگر تأخیر بیندازد سر کشیک خود درست کرده آنچه خرج نماید از وجه اجاره موضوع و محسوب بدارد .

چهارم اینکه قبل از انعام مدت اجاره که چهار سال است صاحب انبار آنرا بکس دیگر اجاره ندهد و نتواند فسخ اجاره نماید .

پنجم اینکه هر گاه که پنهانی ضرور داشته باشد بخواهد جایی یا مکانی علاوه بر آنچه که ساخته شده است بسازد مانع نشوند و این قسم اخراجات را از خود خرج خواهد کرد بشرطی که بعد از انقضاء مدت اجاره همان جا و مکان علاوه ساخته مال صاحب انبار باشد سوای آنچه که از خرج و مال دیگر در آنجا باشد یعنی در میان آن مکان .

ششم اینکه هر گاه صاحب انبار نخواهد بغیر از انباری که جدید ساخته است نشیمن و مکان دیگر بسازد مانع نشده کامپانی خود خرج کرده خواهد ساخت ولی آنگاه وقت اجاره انبار بکصد و پنجاه تومان خواهد بود در یکسال .

هفتم اینکه پل رودخانه که در پهلو انبار است و خراب شده است باید صاحب انبار آنجا را نیز بسازد که نرد آسان باشد ۱۳ شوال ۱۲۶۷

و بدین طریق انبار تجار تخانه ساخته و بروسها اجاره داده میشود .

بعد از امیر کبیر در دوره صدارت میرزا آقاخان نوری بواسطه سوء سیاست ، روسها بنای اشکال تراشی را گذارده و پرداخت اجاره بهارا بتعویق میانداختند و تقاضای خرید انبار تجار تخانه را مینمایند و همچنین به بها نه کمی جا تقاضای واگذاری زمینهای دیگری را میکنند

بالاخره ساختن حمام و آشیخ خانه که تا آن دوره بتأخیر افتاده بود توسط خود روسها ساخته میشود و دولت ایران بخرج ساختمان آنرا بروسها میپردازد .

و راجع بفروش بنا که مکرر مورد تقاضای روسیه بود میرزا آقاخان زیر بار نمیروید و باین بهانه که آنجا خلاصه و ملک پادشاه است متعذرد و در تاریخ صفر ۱۲۶۸ مینویسد « آنجا کلاخالصه و ملک سرکار اعلیحضرت پادشاهی ارواحنا فداه است و بدیهی است یک مشت سفال آنرا به پنجاه هزار تومان نخواهد فروخت »

ج - بنای بیمارخانه

در سال ۱۲۶۲ هجری قمری هنگامی که حاجی میرزا آقاسی صدر اعظم ایران بود دولت تزاری روس بمنظوری که قبلاً گفته شد بدولت ایران فشار میآورد که برای مطالعه کارگران کشتیها و ملوانان و اتباع روس از طرف دولت ایران در ساحل استرآباد زمینی برای ساختمان بیمارستان بآن دولت واگذار شود .

پس از مذاکراتی که در این باب بین دولتین بعمل میآید حاجی میرزا آقاسی از طرف محمد شاه دستوری بشیران موسی خان حاکم استرآباد صادر میکند که « در محلی خارج از قصور بیمارخانه ای که جای زیاده از حد و استعداد بیمارخانه نداشته باشد و تصور چیز دیگر نشود و استحکام آن همینقدر باشد که آن بنا را بیمارخانه توان گفت بفاصله و بطرز و ترکیب جاهای معمولی رعیتی استرآباد که بکار سکنی دادن مریضها برخوردار که با اخراجات جزئی میتوان ترتیب داد بسازد و لاغیر »

با آنکه این دستور از طرف حاجی میرزا آقاسی صادر میشود ولی چون بعد از آن دوران صد ارتش چندان بطول نمی انجامد این اقدام به نتیجه ای نمیرسد و بالاخره محمد شاه فوت میکند و ناصرالدین شاه بجای او مینشیند و امیر کبیر بر کرسی صدارت تکیه میزند .

یکی از موضوعاتی که وزیر مختار روس با امیر در میان مینهد همین تاسیس بیمار خانه در استرآباد بود و عاقبت امیر کبیر موافقت میکند که مطابق قرار حاجی میرزا آقاسی بیمارخانه ساخته شود و بدین منظور نامه ای بشرح ذیل به عباس خان بیگلری یکی استرآباد مینویسد .

« عالیجاه مقرب الخاقانا مخدوما در ایام حیوة شاهنشاه مقفور »

« مبرور سفارت دولت بپیه روسیه از اولیای دولت قاهره خواهش دوستانه کرده »

« بودند که کار گذاران دولت علیه بیمارخانه برای اهالی سقاین آن دولت بپیه »

« که در دریای استرآباد تردد دارد ترتیب دهند و از مصدر خلافت ملفونه فرمانی »

« بپیده عالیجاه مقرب الخاقان موسی خان حاکم سابق آنجا صادر شده بود »

« باین مضمون که در محلی خارج از قصور بیمارخانه که جای زیاده از حد و استعداد »

« بیمارخانه نداشته باشد و تصور چیز دیگر نشود و استحکام آن همین قدر باشد »

« که آن بنا را بیمارخانه توان گفت بفاصله و بطرز و ترکیب جاهای معمول »

« رعیتی استرآباد که بکار سکنی و اذن مریضها برخوردار که با اخراجات جزئی »

«میتوان ترتیب داد بسازد ولا غیر اما از قراریکه مذکور شد تا بحال چنین»
«بیمارخانه در آنجا ساخته نشده است»

«از اینکه سفارت آندولت بهیه دوستانه خواهشی است که کرده اند بآنمخدوم»
«اظهار میشود که بیمارخانه مزبور را بطوریکه در فوق مسطور است در محلی»
«خارج از عیب و نقص بسازد و از کارگذاران دولت بهیه روسیه موافق قاعده»
«کرایه بگیرد و اخراجات بیمارخانه مزبور چون جزوی است من خود بشما»
«خواهم رسانید و اگر برای بیمارخانه مزبور کشیکچی بخواهد من در اینجا»
«با جناب جلالتمآب زبده السفراء المسيحیه مجبان استظهاری پرنس دولناروکی»
«وزیر مختار آن دولت بهیه گفتگو کردم قرار شد که از خود سالدات برای کشیک»
«آنجا بخشکی نیارند و از تبه دولت علیه کشیکچی که بخواهند بگیرند و اجرت»
«آنها را بدهند»
فی ۱۹ رجب المرجب ۱۲۶۵

چند هفته بعد امیر کبیر ملتفت میشود چون این اقدام موجب بسط نفوذ روسها در شمال ایران است تغییر رای میدهد و بر آن میشود که اقدامی نماید تا شاید روسها را اصولاً از این فکر منصرف نماید.
بدین منظور در تاریخ ۲۶ رمضان ۱۲۷۵ نامه ذیل را به پرنس دالگور کسی وزیر مختار روسیه مینویسد.

«اینکه در طی مراسله مرسله فرماتنی از ساختن بیمارخانه برای بهران روسی»
«در ساحل دریای استرآباد اشعار رفته بود بلی از آنجا که بحمداله امروز مراتب»
«مهر و محبت و مراسم درستی و مخاذات فیما بین دو دولت بمرتبه کمال رسیده که این»
«طور مواحدت محسود اقارب و اجانب آمده و اولیای آن دولت بهیه بوضع در ترقی»
«و پیشرفت امور این دولت علیه اقدام افتخار گذاشته نظر التفات و اهتمام گماشته اند»
«که دولتین بهتین حکم دولت واحد بهم رسانیده و در مجاری تغییرات و تبدیلات که این»
«اوقات بحکم تقدیرات درین همایون شوکت ظاهر شد بنوعی در مهمات ایندولت»
«مجاهدت کافیه و مساعی جمیله از اولیای آن شوکت فخریه بظهور رسیده که مافوق»
«بر آن متصور نیست بتخصیص آن جناب دوست مکرم که در دقایق دولتخواهی و»
«مراسم صلاح اندیشی بهیچوجه فرو گذاشت نفرمودند مقتضیات این طریق مواحدت»
«البته مستلزم آنست که تکالیف دوستانه جانبین در خدمت همایون حضرتین مقبول»
«گردد ولی این خواهش موجب استیحا ش عامه خلایق و سرحد نشینان که مردمان»
«وحشی صحرائی و از رسوم دولتمداری و مصلحت بینی عاری بلکه ضررهای فاحش را»
«محمول است چنانچه آن جناب از احوال و اخلاق خلق ایران استحضار دارند و می»
«دانند که آنچه نوشته شده است از روی سقیمت و راستی است نه عذر و بهانه انشاءاله»
«تعالی امنای آندولت بهیه بنظر انصاف ملاحظه خواهند فرمود که منظور و مقصود»
«اولیای این دولت علیه استیحا ش از خلق ایران است نه از کارکنان آندولت بهیه زیرا»
«که از آنها کمال حسن ظن دارند و دوست خیرخواه حقیقی خود میدانند بموجبات»

«مزبوره یقین حاصل است که آنجناب دوست مشفق مکرم از راه دولتخواهی و صلاح»
«اندیشی راضی بضرر فاحش ایندولت علیه نخواهند شد و بهمان بیمارخانه که در»
«جزیره آشوراده ملک ایندولت علیه موجود و مهیاست اکتفا خواهند فرمود چون»
«لازم بود اظهار شد و مصدع آمد ۲۶ شهر رمضان ۱۲۶۵»

این نامه و دلائل امیر کبیر وزیر مختار روس دالگور کی را قانع نکرده در جواب نامه اعتراض آمیز ذیل را در تاریخ ۲۹ رمضان ۱۲۶۵ مینویسد.

«نوشته که آن جناب مناسب دانسته بدو دستار قلمی و ارسال فرموده بودید رسید در ضمن آن که فبرات چنداز دوستی رسمی مندرج بود آن جناب بقدر قوه سعی و جاهد بوده که ظفره بزنند از اقرار و اعتراض حتی که دولت بهیه روسیه بموجب فرمان ملک شاه جنت مکان تحصیل نموده برای ساختن بیمارخانه در ساحل استرآباد»
«دو دستار میل ندارد که حالی و اخبار نشان آن جناب نباید که چه خیالی باید داشته باشد از دولتی که تمهیدات خود را محترم نمیدارد و بدون سبب و جهت حسابی بهم میزنند کلام پادشاهی را که جمیع خلایق مقدس می شمارند و نفس آرا جایز نمیدانند ولی دو دستار تکلیف و وظیفه خود را در این میدانند که بطریق اکمل ابراز بگیرند اینگونه نفس و علم کلی ظن نسبت بدولت همجواری دوست بزرگ و درستکار»

در دنباله این نامه مکاتباتی چند بین صدراعظم ایران و وزیر مختار روسیه رد و بدل میگردد و هر چه دولت ایران از زیر بار این تکلیف شانه خالی میکند نماینده دربار تزار بر اصرار و ابرام خود میافزاید امیر کبیر ناچار در ماه ربیع الاول سال ۱۲۶۶ نامه ای باین شرح توسط پرنس دالگور کی برای کنت نسلرود صدر اعظم و وزیر امور خارجه روسیه مینویسد.

«بر صفحه مضافات و موالات مینگارم که مراتب اتحاد و اتفاق دو حضرت بحمدالله»
«تعالی بطوری وضوح و بروز نموده که جای شبهه و ابهام نباشد»

«در این عهد و روزگار خجسته آثار فیما بین شاهنشاه ولینعمت من ناصر الدین شاه»
«ابدالله عیسه و ایدجیش با اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت امپراطور اعظم اکرم»
«که پس از زمان ملاقات و وعده های ملوکانه امپراطوری نه بطوری بمعیت و نظر»
«تقویت آن اعلیحضرت اطمینان و خاطر جمعی دارند که احدی تواند سوء ظن یا»
«خطشه در مراسم دوستی و التیام و اتفاق حضرتین داشته باشد این معنی بر رای»
«صوابنمای آنجناب و دوستدار بلکه بر همه کس از دور و نزدیک هویدا و ظاهر و»
«معلوم است که موالیان و کارپردازان حضرتین نیز بوسایل مستحتمه طالب ازدیاد و»
«استکمال این حسن مودت و مراودت هستند جناب زبده السفراء المسيحیه پرنس»
«دولقاروکی وزیر مختار آندولت بهیه در رمضان ۱۲۶۵ کاغذی بدو دستار نوشته»
«بموجب یکظرفی سواد بخط منشیان سفارت فرمانی از شاهنشاه مرحوم صادر شده»
«است که کارگذاران استرآباد بیمارخانه برای بهران سقاین دولت بهیه روسیه»
«در ساحل استرآباد بسازند لهذا دوستدار شرحی در جواب کاغذ معزی الیه بموجب»
«حکم اقدس پادشاهی خلداله ملکه و سلطانه نگارش داشت که البتہ سواد آن بنظر»
«آن جناب رسیده این خواهش باعث استیحا ش خاطر مردمان وحشی استرآباد و»

« ساحل آنجا می شود البته بدین مهمات ضرر فاحش برای نظم ملکداری دولت علیه »
 « خواهد داشت اولیای آن دولت بهیه نظر بقویت و حسن نیتی که در پیشرفت کار »
 « ایندولت دارند این تکلیف را نمایند در این اوقات باز جناب سعزی آینه مجددا »
 « اظهار ساختن بیمارخانه در محل مذکور نموده و مراتب بهر مرض اقدس ملوکانه رسید »
 « دوستدار را مامور فرمودند که بآنجناب اظهار دارد که زحمت کشیده بحضور »
 « اعلیحضرت امپراطوری عرضه دارند که نه ما و نه اولیای دولت ما هیچوجه در »
 « این باب سوءظن و بدگمانی در حق دولت بهیه روسیه نداریم و آندولت بزرگ و »
 « دوست همجواری خود را مبرا از اینطور تخیلات و تصورات میدانیم اما اینکه عالمیم »
 « بحالت رعیت و مملکت خود بجهت مسطوره فوق قبول آنرا باعث ضرر فاحش »
 « و خرابی امور مملکت خود می دانیم البته مسموع داشته اید رعایای آن ملک در باب »
 « توقف بحریان سفاین آندولت بهیه در جزیره عاشوراده ملک طلق ایندولت زیاده »
 « مایه استیضاح شده است از اعلیحضرت امپراطوری در عالم دوستی و اتحاد »
 « متوقیم که تکلیف ساختن بیمارخانه در سواحل استرآباد بکار گذاران ایندولت »
 « علیه نشود و قراری در باب تخلیه جزیره عاشوراده ملک دولت علیه خواهند فرمود »
 « بدیهی است که بیشتر باعث بروز و ظهور تقویت اعلیحضرت امپراطور اعظم اکرم »
 « در انتظام امورات ایندولت و این مملکت خواهد بود . »

کنت نسلرود در جواب نامه امیر کبیر در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۶ نامه ذیل را نوشته و از طرف امپراطور روسیه موافقت میکند که چندی ساختن بیمارستان بتعویق افتد .

« عالیجاه رفیع جایگاه اولین وزیر اعلیحضرت شاه امیر نظام میرزا تقیخان دوست مهربان دام اقباله نامه آن عالیجاه شرف وصول بخشید و در ضمن آن سببی را درج فرموده بودند که بنابر رای آن عالیجاه اجرای حکم رضوان مکان محمدشاه را نسبت بتعمیر بیمارخانه در سواحل استرآباد برای عساکر سفاین حریبه ماکه گشت و گذار کرده ولایات ساحلیه ایران را از هجوم و غارت ترکمانان محافظت مینمایند اکنون مانع آمده است و این دوستدار از آن مضمون تمایل سرکار ایران از اجرای آنکه لازمه عهده اوست بحزن و حیف مطالبه کرده عدم موافقت آنرا پرسخت مشاهده نمود بانویقات جدید آن عالیجاه که در میل و رغبت دوستانه دربارشاهی نسبت بدولت روسیه نموده اند و سبب رد رهنج بیمارخانه را چنان مینمایند که گویا اینگونه تمهید مردمی و مردم پروری مبادا اهالی استرآباد را بسبب جهالت و درشتی طبع و وحشیت اخلاق ایشان به آشوب آورد حال دوستدار را باید ملاحظه نماید که اینگونه سبب در زمانی معتبر نمیتوانستی شد اگر از حین صدور فرمان محمدشاهی فی الحقیقه در احوال وضع آن حوالی تغییرات کلی بهم رسیدی و بدان واسطه اکنون اخلاق اهالی درشت تر و نامالایم تر از سابق میگردد اما در این مدت قلیله پرنسهاست که در اخلاق مردم آن گونه تبدیلات منحیره نمی توانست عارض گردد بلکه برخلاف آن بسبب اخباراتی که از طرف کماشنگان مصادفما رسیده است ظاهر و نمایان می گردد که اهالی آن حوالی قدر محافظت سفاین حریبه ما را که بایشان می نمایند هر ساله بیشتر از پیشتر می فهمند و می دانند که ایشان را از نهب و غارتی که سابقا سواحل بحریه خزر به ایران رو بخرابی نهاد بود حراست میکنند پس بدین تقدیر سرکار دولت امپراطوری بمجرد اظهار بهانجات پنداری بهیچوجه نمی توانند سببی یابد تا از حقوقی که بموجب فرمان محمدشاهی ثابت و لازم است باز استند فلذا دوستدار لازمه خود می شمارد که بموجب حکم همایون اطاعت مقرون امپراطوری به آن عالیجاه اظهار و اعلام نمایند که حضرت همایون اعلی در رعایت ثبات و استقامت آن

حقی که بموجب فرمان مذکور حاصل است عزمی ثابت می دارند اما با وجود آن باز از روی مهربانی و همت نسبت سرکار ایران راضی شده اند که طلب اجرای آنکه بموجب فرمان مذکور لازمه ذمه سرکار ایران می باشد برای چندی فرو گذاشته بیمارخانه را تا بوقتی در جزیره عاشوراده متعلقه ایران بازدارند و نسبت بسیر سفاین آن همه هجوم دزدان بر کشتی های تجارنی و سوختن آن و تصفارت و خرابی ارباب اموال تجاران روس که درین نزدیکی واقع شد ظاهرا خیلی روشن مینماید که وجوب وجود قوت بحریه روسیه برای تحصن کشتی ها و برای امنیت و رفاهیت اهالی سواحل مازندران و استرآباد از مقتضیات می باشد و رفع وجود آنها موجب تجدید خرابی و غارت است که سابق براین دزدان دریا مینمودند که بنان جسارت ایشان محض باستانیای ترس بیرق جنگی روس باز داشته میشود خلاصه دوستدار فرصت را غنیمت شمرده باکمال احترام و ارادت خود را نسبت به آن عالیجاه تجدید مینماید .

وزیر دولت عظمی غراف نسلرود در دارالسلطنه پترزبورغ ۴ ماه آمپرسل ۱۸۵۰ مسیحیه قلمی شد .

و بدین طریق با آنکه روسها اجازه تاسیس بیمارخانه را بدست آورده بودند امیر کبیر نمیگذاشت بچنین امری مبادرت نمایند .



شاید مناسب بود که در این قسمت راجع بجزیره عاشوراده و دست اندازی دولت تزاری روس بآن نیز بحثی بشود ولی چون تصرف عاشوراده بیشتر صورت تسخیر نظامی را داشته و بعلاوه اخیرا در بعضی از کتب راجع بآن کم و بیش صحبت شده در اینجا برای احتراز از تطویل از این موضوع صرف نظر شد .

و توسعه نفوذ خود بواسطه داشتن حق کاپیتولاسیون از این امر سوء استفاده‌هایی میکرد اشکالات زیادی برای دولت ایران تولید مینماید .

اولین صدراعظمی که با اجازه دادن شیلات بحر خزر بروسها مخالف بود شاید حاجی میرزا آقاسی را بتوان نام برد و بعد از او امیر کبیر و میرزا آقا خان نوری نیز اقداماتی در این باب بعمل آوردند ولی هیچکدام نتوانستند بکلی دست روسها را از شیلات شمالی ایران کوتاه سازند .

نوشتن تاریخچه کامل چگونگی قراردادها یکسال قبل از سال ۱۲۹۳ هجری قمری با اتباع روس رای استفاده از شیلات ایران منقده شده خالی از اشکال نیست زیرا گنجه از عدم دسترسی باسنادی که ممکن است امروز موجود باشد قسمت عمده آنها یقیناً تاکنون از بین رفته است .

بهر حال برای آنکه خوانندگان تا اندازه ای بجزریان این موضوع آشنا بوده و از روابط بین دولت ایران و روسیه تزاری در این باب و مکاتبات مربوطه بآن مطلع باشند بعضی از اسناد و نامه‌هایی را که بدست آورده‌ام در اینجا میآورم و سپس بشرح قرارداد میرزا حسین خان سپهسالار با برادران لیانازوف می‌پردازم .

حاج میر باقر تاجر حاجی طرخانی و فرزندان او که اصلاً اهل گیلان و برای تجارت بقفقاز رفته و در آنجا سکونت اختیار کرده بودند از مستاجرین عمده شیلات بشمار میرفتند .

بعد از جنگ‌های ایران و روس و عقد معاهده ترکمانچای حاج میر باقر به تابعیت روس درآمد و پس از مرگش فرزندان و نوه‌های او نیز ماتندینو کار عمده آنها اجازه داری شیلات بحر خزر بود . وراثت حاج میر باقر بعضی مثل میر ابوطالب به تابعیت روس باقی ماندند و بعضی دیگر مثل میرزا اسمعیل و میرزا صادق تبعیت ایران را پذیرفتند .

نامه ذیل را وزیر مختار روس هنگامی به وزیر امور خارجه ایران مینویسد که بین میر ابوطالب باقر اسمیوف نام ارمنی اتباع روس اختلافی ایجاد شده بود . در پشت پاکت نوشته

«عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و مناعت اکتناه شوکت و جلالت انتباه دوستان استظهاری میرزا مسعود وزیر امور دول خارجه مفتوح فرمایند .»
متن نامه

« عالیجاه رفیع جایگاه اہت و مناعت اکتناها دوستان استظهارا مکرمنا نظر بر اینکه در خصوص یازده رودخانه‌های سید ماهی میانه میر ابوطالب خان تاجر حاجی ترخانی و قراسیوف ارمنی منازعه واقعت و یوایه تشخیص حقیقت هر کدام از آنها لازم است که دو فقره از دولت علیه ایران استعلام و استفسار شود .
اولاً آیا کومش تپه و محل موسوم بحسینقلی از لواحق دریای استرابادند که در اجازه میر ابوطالب خان استراباد چقدر می‌شود و ثانیاً از جماعت حسینقلی و کومش تپه آیا حق دارند که بدون شراکت دولت ایران از رودخانه اترک ابدان کرده تا کومش تپه برودخانه حاجی نفس و قراسینقرالی رودخانه قراسیو دخل تصرف داشته باشند



شیلات

روسها
و
شیلات

سواحل جنوبی بحر خزر و رودخانه‌هایی که بدان میریزد دارای انواع واقسام ماهیهای خوراکی است و صید ماهی در نواحی شمالی ایران از منابع مهم ثروت مردم آن سامان است .

سواحل جنوبی دریای مازندران که متعلق بایران است نسبت بسواحل شمالی بواسطه سرما در مدت زمستان از یخ پوشیده شده و ماهیها در این فصل بطرف سواحل ایران که آب و هوای معتدلی دارد و نیز عمق آن بیشتر از نقاط شمالی است مهاجرت میکنند .

مراکز عمده شیلات (۱) ایران عبارت است از آستارا - پهلوی (انزلی) - حسن کیاده - مشهدسر - خواجه نفس - خلیج استراباد (در مصب قره سو) و گمش تپه .

صید و خرید و فروش ماهی های رودخانه‌های شمالی ایران و سواحل جنوبی بحر خزر توسط روسها سابقه ممتدی دارد و توسعه آن بعد از جنگ های ایران و روس و انعقاد معاهده ترکمانچای میباشد بخصوص که با امضاء عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری (۲۲ فوریه ۱۸۲۸) ضمیمه معاهده مزبور برای تجارت اتباع روس در ایران حقوقی را شناختند و امتیازاتی را برای آنها قائل شدند .

از این تاریخ تا سال ۱۲۹۳ هجری قمری که ناصرالدین شاه تمام شیلات را بمیرزا حسین خان سپهسالار اجازه میدهد و او نیز یکجا تمام آنرا بروسها واگذار میکند حق صید و فروش ماهی هر رودخانه و ناحیه در اجازه اشخاص مختلفی اعم از روسی و ایرانی بود . این اجازه داری برای اتباع روس که داری وسائل بهتر هم برای صید و هم حمل و نقل و فروش بودند فواید زیادتری داشت و بهمین جهت چون اغلب مواقع اتباع روس اجازه بیای بیشتری بحکام نواحی شمالی ایران میدادند اتباع ایران نمی توانستند با آنها رقابت نمایند .

این موضوع بعدها باختلافاتی که بین موجر و مستاجر و اتباع ایران و روس باین خود مستاجرین پیش می‌آید مخصوصاً آنکه دولت تزاری روس برای انجام مقاصد سیاسی

۱ - سدی که سیادان در نواحی شمالی ایران در غرض رودخانه برای صید ماهی باچوب و شاخ و برگ درختان می‌سازند شیل نامیده میشود و جمع آنرا شیلات گویند .

ماهیها که در فصل معینی برای خوردن آب شیرین از دریا وارد رودخانه میشوند در موقع مراجعت در کنار این سد های مشبک جمع میگردد و سیادان بانور یا قلاب صید آنها می‌پردازند .

بانه چگونگی را توقع دارم که بدوستانار ملی و معلوم نمایند تا حقیقت امر محقق و مشخص گردد زیاده چه زحمت دهد تحریرا فی ۲۲ شهر رمضان ۱۲۵۱

پشت صفحه محل مهر (وزیر مختار دولت بهیه روسیه غرافایوان سیمویچ)

دولت ایران ضمن جوابی که بنامه سفارت روس میدهد میگوید که «عالیچاه عباس خان بیگلربیگی استرآباد مینویسد قراسیموف بدون اجازه بدستیاری عنایت ترکمان با کشتیهای خود در دریای استرآباد مشغول صیادی است» و از سفارت روس میخواهند که قراسیموف را از این کار منع نمایند.

استپان سوجایوف تبعه روس - آنها در دوره محمد شاه مستاجر شیلات رودخانههای مختلف مازندران بود.

سوجایوف برای پرداخت اجاره شیلات رودخانه بابل مشهد سرتههدنامه ای بشرح ذیل به میرزا مسعود خان وزیر امور خارجه میدهد که سالانه مبلغ یکصد و ده تومان بابت اجاره بپردازد.

«از مال سرکار جلالت مدار مقرب الخاقان میرزا مسعود وزیر دول خارجه مبلغ یکهزار و یکصد تومان رایج خزانه عامره از بابت اجاره شیل ده ساله رودخانه بابل مشهد سرازنده السنه بیچی نیل بردمت دارد استپان سجایف تاجر حاجی ترخانی که ان شاء الله تعالی مبلغ مزبور را از قرار قسط سالی یکصد و ده تومان دروجه کارگزاران معزی الیه کارسازی نموده عذر نیاورد - تحریرا فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۵۲»
محل امضاء استپان سجایف (بروسی)

هنگامیکه بین میرابوطالب سابق الذکر و استپان سوجایف اختلافی پیش میآید سفارت روس نامه ای بشرح ذیل بمیرزا مسعود وزیر دول خارجه می نویسد.

«جنابا جلالت ونبالت نصابا فخامت ونباتت ما با محبان نوازادوستان استظهارا

در باب نزاع حدود شیلابات مازندران متنازع فیده و نفعیت دولت بهیه روسیه که سوجایوف مسیحی و میرابوطالب اهل حاجی ترخان باشند آن جناب شنیده و مطلع بوده است سفارت دولت بهیه روسیه بجهت دفع نزاع ایشان بدقت و تحقیق و تفحص نموده حکم صریح بررفع نزاع طرفین نموده اند چون امنای دولت علیه ایران هم اظهار مصلحت اندیشی اینگونه نزاع و دعاوی را نموده اند بر دوستدار لازم آمد که کیفیت و چگونگی مابین نزاع ایشان و حکم سفارت را در آن خصوص قلمی و اظهار نماید از قرار اجاره نامی سوجایوف مسیحی که از نواب شاهزاده ملک آراء حاکم سابق مازندران و مطابق همان فرمان اعلیحضرت پادشاهی در دست دارد حدود شیلاباتیکه در اجاره اوست از حد غیبی ملاکلاست الی کلباد که یکصد مازندران و شرقی استرآباد میشود.

میر ابوطالب ولد میرباقر موافق اجاره نامچه که از نواب اردشیر میرزای حاکم سابق استرآباد در دست دارد مدعی است که از کولپوک تا اشرف در اجاره من می باشد و حال آنکه شهر اشرف در سه فرسخی غربی کلباد است مع هذا میرابوطالب علن و آشکار می خواهد بدون حق و حساب محل صید و شیلاباتیکه در اجاره سوجایوف است ضبط نماید و در این صورت میرابوطالب نام نمی تواند خود را در این نزاع بی تصمیم نماید چون قبل از آن که میرابوطالب اجاره نامچه از حاکم استرآباد گرفته باشد مضمون اجاره نامچه فرمان سوجایف بحکم دیوانیان از روی قانون در حاجی ترخان گوش زد همه اهالی آنجا شده شهرت یافته است که احدی دخل و تصرف در اجاره شیلابات سوجایف ننماید بهمین مضمون هم دوستدار بحاکم حاجی ترخان قلمی داشته است که تکلیف خود را دانسته باشند در همان وقت عالیچاه میرزا الکسندر را نیز آگاه ساخت که میرابوطالب ولد میرباقر تاجر کلدی (۴) اول حاجی ترخان

را اطلاع دهد که اگر خواسته باشد غیر آن رفتار نماید در هر باب از عهده برآید گزارش و کیفیت اینست که قلمی شد از آن جناب توقع است که از کارکنان دولت علیه خواهش نموده باشند که در هر جهة مراقب احوال سوجایف بوده احدی دخل و تصرف در شیلاباتیکه در اجاره اوست ننموده بهیچوجه مانع و مزاحم سید او نشوند. تحریرا فی ۷ شهر جمادی الثانی من شهر سنه ۱۲۵۳

شیلات در دوره حاجی میرزا آقاسی
گفتیم حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه با دخالت روسها در شیلات مخالف بود و از اجاره دادن شیلات با تبعاع روس حتی المقدور جلو گیری میکرد و بحکام نواحی شمالی ایران نوشته بود که بدون اجازه او هیچیک از شیلات را بر روسها اجازه ندهند.

حاجی میرزا آقاسی در نامه ای به اسمعیل خان میزان آقاسی مباشر شیلات چنین مینویسد.

«حکایت تازه شنیدم خیلی بنظرم غریب آمد از استرآباد روزنامه نوشته بودند که «آقاسی نام آدم تو شیلات استرآباد را بتجار روس اجازه داده است اگر این»
«حکایت راست باشد خدا میداند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد درین»
«عرض مدت مرا نشناخته باشی خیلی بعید است من جهد دارم سایر شیل را هم از»
«دولت بهیه روسیه بگیرم آدم تو بر میدارد شیلاتی که در دست ماست بتجار روس»
«اجاره میدهد مجبلا مینویسم اگر فی الواقع این کیفیت اصل دارد بورود نوشته»
«آدمی بفرست آن آدمت که آقاسی نام است از سر شیلات استرآباد بردارند و کسی»
«دیگر را مباشر این امر بکن که شیلات را از دست تجار روس بگیرد در دست»
«خودش باشد اگر در حقیقت حرف بی جا و بی پائی است بنویس که مستحضر»
«باشم البته بزودی شرح این بقره را نوشته بفرست تا بدانم باقی والسلام»
در نامه ای هم بشرح ذیل بوزیر مختار روس مینویسد که هر اجاره ای که بدون اجازه دولت ایران باشد باطل است.

«جناب جلالت ونبالت نصابا محبان استظهارا مشفقاً»

«چون بعرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که در سواحل بحر خزر»
«که متعلق باین دولت علیه است که حکام بدون اذن دولت بعضی از شیلات»
«ماهی گیری را با اجازه داده اند لهذا فرمان قضا جریان عز نفاذ یافت که هر»
«اجاره که بی رخصت مخصوص دولت علیه منعقد شده باشد باطل است بعد از آنکه هر»
«کس خواسته باشد هر شیلی را اجاره کند باید از اولیای دولت علیه مرخصی»
«حاصل نماید نظر باینکه احتمال میرفت که بعضی از رعایای دولت علیه روسیه»
«خواسته باشند بعضی از شیلات را اجاره نمایند استحضار آن جناب از مدلول حکم»
«محکم شاهنشاهی لازم نمود که آنها را اخبار نمایند»

«زیاده چه تصدیق دهد تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۲»

حاجی میرزا آقاسی برای آنکه شیلات مستقیماً تحت نظر خودش اداره شود از محمد شاه درخواست میکنند که تمام شیلات دریای خزر را با اجازه دهد و بعد از آن هر

نقطه‌ای از شیلات را که در اجاره تبعه روس بود و مدت آن پایان می یافت سعی میکرد دیگر باتباع روس اجاره ندهد.

چنانکه عمل کفتانیکوف تاجر روسی که مدت هفت سال شیلات گرگانرود را اجاره کرده و پس از پایان مدت اجاره نخواست آنها را بتصرف دولت بدهد مورد اعتراض دولت ایران واقع شده وزارت امور خارجه بسفارت روس چنین می‌نویسند.

«جناب جلالت نصابا مجددت و فخامت انتسابا مخلصان استظهارا مشفق معظما.
«در باب شیل گرگانرود البته جناب سامی مستحضرانند که جمیع شیلات بآ
«اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه بجناب جلالت نصابا
«فخرالمسلین حاجی مدظله‌العالی باز گذاشته اند که باید آدمی از خود جناب
«معلم الیه بر سر آنها باشد چندی پیش بخواش عالیجاه میرزا الکسندر قبول
«فرمودند که کفتانیکوف رعیت دولت تبعه روسیه تا عید نوروز مشغول صید
«شده بعد از عید اسباب خود را برده در گرگانرود صید نمایند (وهزگز جناب
«ایشان بکسی اجازه نداده و حرف و فرمایشی نفرموده اند)

«حال از قراریکه به مرض جناب معظم الیه رسیده است تاجر مزبور تازه اسباب
«صید بگرگانرود آورده است با اینکه مدتی است اسباب صید را عالیجاه میرزا
«ابراهیم خان که او را بمصلحت گزاری نپذیرفتند در آنجا حاضر کرده است مقرر
«فرمودند که با جناب زحمت (دهد که بدون اذن مال مختص ایشان را عبث رعیت
«دولت تبعه متصرف شود چه معنی دارد چرا باید بی استیذان اسباب صید را
«آنجا جمع نماید)

«و نظر باقتضای موافقت دولتین علیتین حکمی بکفتانیکوف تاجر دولت
«خود مرقوم دارند که اسباب صید خود را در گرگانرود برده متعرض صید آنجا
«نشود و بکسان جناب معظم الیه باز گذارد.

«یقین است که بمقتضای موافقت دولتین درین باب مضایقه نخواهند فرمود فی ۶»

«شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۶»

«قسمت های بین پرانتز در حاشیه نامه نوشته شده است)

و در دنبال آن نیز شرحی نوشته میشود که شیلات گرگانرود به میرزا ابراهیم خان دریا بیگی اجاره داده شده است. سفارت روس در جواب اینطور می‌نویسد:

«عالیجاها رفیع جایگاهها دولت و اقبال همراها مجددت و نجدت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظها را مهر بانا

شرحی مشرف براینکه جناب جلالتاب حاجی سلمه‌الله تعالی شیلات گرگانرود را از عید نوروز باینطرف بمعالیجاه میرزا ابراهیم خان اجاره داده‌اند تگارش و ارسال داشته بودید رسید از مضمون آن که ما حق اطلاع حاصل گشت دستدار همان شرح مذکور را از برای عالیجاه میرزا الکسندر فرستاد بلی دستدار اطلاع واستحضار دارد که اعلیحضرت پادشاهی شیلات ما زاندران و کیلا ترا بجناب جلالتاب معزی الیه مرحمت و واگذر فرموده اند اما این عنایت و واگذاشتن نمی‌بایست باعث و موجب فسخ و ضرر قرار داد نامهاییکه قبل از این چند نفر از برای دولت تبعه روسیه در آن شیلات بسته‌اند که بعضی از آن قرار داد نامها بمضای فرامین همایون اعلیحضرت پادشاهی رسیده بوده است گردد از اینقرار آنچه دستدار میتواند بکند این است

که قرار داد نامه جناب جلالتاب سلمه‌الله را که در این باب گذاشته اند با اطلاع اجاره دوزان دولت تبعه روسیه برساند اما بر ذمه خود نمیکرد و متعهد میشود که جواب بدهد که آیا امنای دولت تبعه روسیه رضای خواهند شد که رعایای ایشان از حق خود محروم نمایند و از قرار داد خود بگذرند. تحریرافی ۵ صفر سنه ۱۲۵۶

در پشت صفحه محل مهر وزیر مختار دولت تبعه روسیه - دو حامل.

تهنیدینات روسها

هر وقت بین دولت ایران و مستاجرین شیلات تابع روس اختلافی پیش می‌آید سفارت روس در کمال شدت از دعاوی اتباع دولت متبوع خود پشتیبانی مینماید چنانکه در مورد اختلافی که بین حاجی میر ابوطالب تبعه روس و دولت ایران پیدا میشود سفارت روس نامه های سختی مبنی بر حمایت از دعاوی میر ابوطالب بوزارت خارجه مینویسد و دولت ایران را تهدید میکند. نامه ذیل نمونه‌ای از آن نامه‌هاست که بعنوان میرزا مسعود وزیر دول خارجه نوشته است.

«جناب مجددت و نجدت نصابا فخامت و مناعت انتسابا مقرب الخاقانا دوستان استظهارا محبان نوازامشققا دوستدار امیدوار بوده که در آن تفصیلات که در باب ادعای عالیجاه میر ابوطالب خان تاجر دولت تبعه روسیه به مرض اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی رسانیده بجهت اسباب ضرر و تعدی که جناب جلالتاب اعتقادی حاجی سلمه‌الله تعالی بشار الیه رسانیده است در نظر مبارک کافی خواهد بود و حالاکه آنجناب شرحی مبسوط مشرف بر سئوالات چند از جناب سنی الجواب اعلیحضرت قضا شوکت شهربیاری بدوستدار نوشته‌اند بر خود واجب میداند که جواب آنها فقره بفقره تگارش نماید.

اولا آنجناب نوشته است که بندگان اقدس شهربیاری تعجب می‌فرمایند که چرا دستدار و وصف انصاف دخیل امری میشود که بدوستدار رجوعی ندارد جواب این است که دستدار نیز زبانه از حد متحیر است که بندگان اشرف همایون جایز نمیدانند که دستدار دخل و تصرف در امری نماید که خیر و شر رعیت دولت تبعه روسیه در آن آشکارا دخیل باشد آیا بر دستدار لازم نیست که بمقتضای وظیفه وزیر مختار دولت تبعه روسیه حامی حق و حقوق رعایای خود شود و تعاقب نماید آن کسی را که به آنها تعدی نماید چنین اهتمام بدهد دستدار است و لازم است سعی تمام بعمل آورد.

دویم حالا میخواهند آن سند را که آنجناب برسم دولتی بسفارت نوشته ضمنا اعلام داشته‌اند که جناب جلالتاب ایشان معترفند براینکه آقا میر صادق دریا بیگی شیلات را به برادر خود عالیشان حاجی میر ابوطالب خان اگذار نموده است که حاج مشار الیه تنها صیادی نماید بی اعتبار نموده باشند چگونه دولت علیه ایران میتواند عذر آورد بر صحت امری که وزیر دول خارجه اش اعلام نموده است بنا براین باشد بهیچوجه عظمی و اعتباری برای عموم مستندات دولتی ایران باقی نمی‌ماند اضافه از این راهها آسان است برای گذرانیدن امور و قطع نمودن جمیع مطالب اما اگر دولت علیه میخواهد تعهدات خود را باین طریق بعمل آورده سهو میکند زیرا که این طریق بگوشها فرو نمی‌رود.

مجملا رضای جناب ایشان از اول اینکار نابحال در قرار می‌دهد است که تگارش میرود بعد از آنکه از اول رضای شده‌اند که حاجی میر ابوطالب خان بجای آقامیر صادق که هم برادرش بود و هم شریکش و در منفعت شیلات سهم. پارسال جناب ایشان غفله بسفارت پیغام داد که آقامیر صادق مال الاجاره شیلات را رسانیده سهل است طلب دیوان همایون را نیز نداده و مفلس شده است باین عذر ها اجاره آقامیر صادق را برهمزد و شیلات را به میرزا اسمعیل داد دستدار هم حرفهای جناب معظم الیه را باور نموده جهاتیکه برای به زدن اجاره بیان کرد حسابی دانست و بر خود لازم ندید که بمقام ممانعت ابدی برخیزد که اعتقاد دستدار جایز بود زیرا که اجاره باطل خواهد شد همین که از یکطرف خلف تعهدات روی دهد همانوقت دستدار بقوسونگری رشت نیز نوشت که حاجی میر ابوطالب خان را نگذارد که مانع صیادی میرزا اسمعیل شود و نیز بنا بخواش جلالتاب حاجی سلمه‌الله بگارش

گذاران حاجی ترخان شزحی نوشت که هر نوع حمایت مقرون بقاعده را در فروش محصولات شیلات که میرزا اسمعیل فرستاده است مضايقه ننمایند دو ماه قبل از این حاجی میرزا ابوطالب خان با مستندات رجوع سفارت دولت بیه نمود قیوضات معتبر مقرب الخاقان امیر دیوان وکیل جناب معظم را رد نموده مدلل نمود که آقا میر صادق نه بدیوان اعلا رنه جناب ایشان بیهیچوجه مقروض نبوده و ما از اجاره شیلات را الی دینار آخر قسط بقسط کنار سازی کرده است مقرب الخاقان امیر دیوان از شیراز مراجعت نموده درهرباب نوشتجات خود را قبول کرده پس معلوم شد که جناب معظم الیه برخلاف حق و حساب اجاره آقا میر صادق را برهم زده و مقصود عمده ایشان ازین بود که مال الاجاره شیلات را زیاد نموده باشد جناب معظم الیه بواسطه این عمل مایه ضرر و خسارت مستاجر خود شده و چون حاجی میر ابوطالب خان حق مطالبه خسارت از آقا میر صادق شریک خود دارد سفارت دولت بیه روسیه هم مطابق قرارداد تازه که با بنظر بن شرط شده کار گذاران روس طلب های ورشکسته را از بده کارش که اهل ولایات خود اند چنان مطالبه خواهند مثل اینکه مقروض خود رعایای دولت بیهیچوجه نباشد بجهت دفع ضرر و خرابی تاجر روس گریبان جناب معظم الیه را گرفته میگوید که چرا اجاره آقا میر صادق را بی سبب پیش اراقتضاء وعده برهم زده و باین واسطه تاجر دولت بیه را خانه خراب کرد علت دخل و تصرف آشکارا که دستدار در امر شیلات مینماید ازقراری بود که نکارش وقت جناب معظم الیه همین که دیدند سفارت مورد بحث شده اند خیال کرده اند که راه گریز ایشان در انکار کل شیلات که اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری بایشان مرحمت کرده بود آقا اینطور پس دادن شیلات اجدهائیکه سابقاً فی مابین جناب ایشان و آقا میر صادق مقرر شده باطل نمیشاید حال بر دستدار لازم است که رجوع بدولت علیه نموده سعی بشود که شیلاتیکه یکسال قبل از انقضای وعده بدون حق و حساب از مستاجر پس گرفته اند به آقا میر صادق و برادرش رد نمایند .

اعلیحضرت قضا شوکت پادشاهی خود انصاف خواهند فرمود که رفتار جناب جلالتمآب حاجی سلمه الهه تالی در اینکار ناپسند بوده دستدار بجز آنکه خواسته باشد تفصیل چنین حرکات جناب معظم الیه ا بیان نماید بگفتن این چند کلمه اکتفا میکند که جناب ایشان فاحشاً خلاف اعتماد دستدار فرموده اند که بقول ایشان داشت و مدعی امر بی اصل در پیش وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری شده بگفتند که آقا میر صادق مفلس است و نکذاشته اند دخیل این امر شود که مایه خرابی رعیت روس شده و قتیکه چنین استناد بایستی داده شود که محل اعتماد اعلیحضرت اقدس شهریاری است آنوقت حکایت خیلی عمده میشود .

سیماء علت اینکه دستدار چهارده ماه قبل از این مانع نشد که شیلات بمیرزا اسمعیل اجاره داده شود محض نوشته شد اینکه ایراد میگیرند چرا دستدار زود تر اظهار نمود که رعیت دولت علیه نمیتواند بصرقه صیادی کند این نوع ایراد خیلی غریب است آقا جناب معظم الیه بفریاد در نمی آیند که چرا دستدار دخل و تصرف در امری مینماید که رجوع بدوستدار ندارد گذشته ازین فقره آنوقت دستدار از کجا بایستی دانسته شود که میرزا اسمعیل میتواند قایمه بر دارد یا مایه و سررشته ضرور به این کار را دارد یا نه کار دستدار نبود که آنوقت این تحقیقات را در حق او بعمل آورد سفارت دولت بیه روسیه همین بمقام حفظ اعتبار رعایای روس میباشد اینطور که میرزا اسمعیل مال الاجاره زیاد کرده چنان مفهوم میشود که او در کار خود خیلی مطمئن است و لازمه اسباب را دارد که از شیلات منفعت بردارد و چنانچه حالا نتیجه عکس بخشیده است تنصیر خودش است خیلی عجیب است که جواب این فقره را از دستدار میخواهند دیگر شکایت دارند که چرا دستدار ادعای خود را زود تر بمیان نیارود و تا مل کرد تا میرزا اسمعیل بموجب فرمان مشغول صیادی شدند زحمات دید خسارتها کشید آنوقت دستدار صدمه در آمد جواب این است همانوقت که دستدار دلایل آنرا بدست آورد که اجاره آقا میر صادق را بی سبب بر هم زده اند بگفتند که در آمد اکس این دلایل زودتر بدست می آمد دستدار نمیکذاشت که چنین تمدی روی دهد و جناب معظم الیه فرصت داشتند که تکذابند میرزا اسمعیل خود را در اخراجات بیجا اتنازد اینکه نوشته اند میرزا اسمعیل درین بین خانه خراب خواهد شد این رسم ایرا جناب ایشان آنوقت که حاجی میر ابوطالب خان تدارک صیادی را دیده بود شیلات را از آقا میر صادق برادرش بزور گرفتند ظاهر فرمودند جناب معظم الیه تاملی در امر مزبور فرمودند که چنان عمل باعث خانه خرابی دو نفر

شخص محترم باخانه واده ایشان خواهد شد آیامحل تعجب نیست که بجهت رد نمودن آن چیزی را که ناحق از کسی بزور گرفته اند و برای حمایت آنکس که بغیر متصرف است چنین بهانه و عذر ها آوردن خود میرزا اسمعیل باعث خانه خرابی خودش شده است . از قبل مبلغ کلی محض پامال کردن حاجی میر ابوطالب خان همین میرزا اسمعیل بقدر ۴۰ هزار تومان اسباب صیادی مشار الیه را بتوسط آدمهای خود بسرقت برده است حالا اگر بخواهند دستدار باحوال چنان بی مایه رحم نموده بجهت او چشم از حقوق رعیت روس ببوشد چنین عمل از جانب دستدار دلیل ساده لوحی خواهد بود

باعتماد دستدار بیکراه میتوان بمیرزا اسمعیل خوبی کرد یعنی بکدقیقه زود شیلات را از او گرفت و نگذاشت که بالمره خانه خراب شود دیگر دستدار بجهت استخلاص او از قرض کلی اش که بر عیای روس دارد امروز به حاجی طرخان خواهد نوشت که آنچه از محصول شیلات دارد ضط نموده بقدر تنخواه حاجی میر ابوطالب خان و سایر طلبکاران روس حراج نمایند چهارم آنجناب نوشته است که جناب جلالتمآب دستار نوازی حاجی سلمه الهه تعالی پیش از وقت سفارت دولت بیهیچ اعلام نموده بوده است که میخواهد شیلات را از آقا میر صادق پس بگیرد این فقره بالمره بی اصل است زیرا وقتیکه جناب معظم الیه در پس گرفتن شیلات افتاده اند حاجی میر ابوطالب خان بر سر سید گاه بود و لازمه تدارک را هم دیده بود چنانچه دستدار آنوقت از حرفهای بی پای جناب ایشان فریب خورده بقونسولگری رشت نوشته است که میرزا اسمعیل را در شغل صیادی خود آسوده گذارده ممانعت ننمایند و چنانچه آنوقت از جانب تاجر خود ادعای نمود بعلاوه نکار گذاران حاجی تر خان سفارش میرزا اسمعیل را نوشته است و حسن اهتمام در این امر جناب معظم الیه که در نظر دستدار حق می آمد ظاهر کرده است اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی این رفتار دستدار را باید حمل بر صداقت دستدار فرمایند و دلیل اعتماد دستدار بدانند که در قول جناب ایشان داشت اما اگر جناب معظم الیه بگویند که دستدار تحریر یا تقریراً وعده کرده است که دخل و تصرف در امر شیلات ننماید صراحت دروغ چنان حرف را ظاهر و آشکارا خواهد نمود در عالم کاری نیست که دخلی بر عیای روس داشته باشد و دستدار نتواند مداخله در آن کار نماید .

پنجم اعلیحضرت بندگکان اقدس همایون را اعتقاد این است که این طایفه حاجی میر ابو طالب خانی سالی هفتاد هزار تومان مداخل خالص از شیلات داشته اند دستدار میتواند اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی را معاضد سازد که هر کس چنین عرض نموده است محض کذب و کذب محض بوده است بهترین راه تشبیه چنان اشخاص اغراق گویان است که شیلات را به آقیمه آنها بدهند تا مداخل خالص شیلات را درست بدانند بهترین طریقه تادیب آنها این است که نکارش نمود و هر کس جسارت نموده عرض کند که آقا میر صادق و برادرش بدیوان اعلی آنچه بایستی بدهند نداده اند دروغ این معنی از روی قیوضات که درست است ثابت خواهد شد چنانچه مدعی برآند که هر چه حاجی میر ابوطالب خان دارد از پرتو التفات ایندولت جاوید مدت است دستدار این فقره را اقرار ندارد اگر از اولیای دولت چیزی باو رسید است همین خسارت کلی است و تعدی نمایان دستدار را گمان این است که این تفصیلات بجهت جواب جمیع فقراتی که در شرح آن جناب مندرج بوده کافی است دستدار امیدوار است که بندگکان اقدس همایون شهریاری از روی کمال ارادت و مروت حکم بر حقیقت این ادعا فرموده قرار می دهند داد که بمقتضای انصاف سزاوار شوکت و شأن دولت علیه این گفتگو از میان جناب جلالتمآب حاجی سلمه الهه تعالی و سفارت رفع شود . چیزیکه بر دستدار باقیست که از آنجناب توقع نماید این است که زحمت کشیده از جانب دستدار این چند فقره طریقه گذرانیدن این امر را که در نظر دستدار مصلحت طرفین است معروض حضور عدلت دستر اعلیحضرت قضا شوکت شهریاری دارند .

طریقه اول حاجی میر ابوطالب خان بجای برادر خود آقا میر صادق یکسال از وعده اجاره نامه به آخر مانده است در شیلات صید نماید و علاوه بر آن دوسال هم عوض خسارت صید پارسان نماید .

دوم اگر اجاره نامه فی مابین جناب معظم الیه و آقا میر صادق منعقد شده بید باطل شود بجهت رفع خسارت لاقبل فرمانی و سید یکسال نیز به وعده بیفزایند و مال الاجاره آن عوض سالی پنج هزار تومان که جناب معظم الیه داده شده همان هشتصد و پنجاه تومان که در فرمان مبارک مرقوم است مطالبه نمایند اگر اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی مصلحت دانند کل شیلات را سواى آنها که در اجاره سو جایف است بخود حاجی میر ابوطالب

خان بچه‌ارده هزار تومان ده سانه ریاضت ساله اجاره بدهند مشروط بر اینکه مشار الیه از جانب خود و برادرش از مطالبه خسارت دست بردارند و هزار تومان هم پیشکش بدهد
چهارم چنانچه رای مبارک قرار بگیرد که کل شیلات را بحاجی میر ابوطالب خان اجاره ندهند لاقلاً سفید رود تنها را ده ساله ز قبار سالی چهار هزار باو اجاره بدهند مشروط بر اینکه مشار الیه از جانب خود و برادرش از مطالبه خسارت بگذرد .

پنجم یا اینکه عوض خسارت سفید رود را دوساله بدون وجه اجاره بحاجی میر ابوطالب واگذار نمایند اگر بندگان اقدس همایون پادشاهی بهیچوجه راضی نشوند که شیلات بدست تاجر دولت بپیه روسیه باشد دوستدار استدعا دارد که بعد از آنکه از روی انصاف سیاهه که حاجی میر ابوطالب خان سفارت قدر کل خسارت مشخص شده را نقدا مرحمت کنند تکلیفات مختلفه دوستدار از قراری بود که نگارش نمود متوقع است که هم‌درا بحضور مبارک معروض داشته باشد چنانچه هیچیک از این تکلیفات در خاطر مبارک مستحسن نیست دوستدار لابد خواهد شد که موافق قرار داد تازه بجناب جلال‌الماب حاجی مدعی شده و مراتب را بدوات بپیه عرضه دارد زیاده چه مصدع شود تحریر فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۱ هـ

باتمام کوششی که حاجی میرزا آقاسی برای جلوگیری از دخالت روسها بعمل می‌آورد نمیتوانست جلو اخلاص و کارشکنی آنها را بگیرد و سرانجام نامه تضرع آمیز ذیل را بوزیر مختار روسیه نوشت و از او میخواهد که از تجاوز و دست اندازی مأمورین روس در امر شیلات جلوگیری نماید .

التماس حاجی
میرزا آقاسی

نامه حاجی میرزا آقاسی به « کنیاز دولقاروکی » وزیر مختار روس

« جناب جلال و نبالت نصایباً معبان استظهارا دوستان اعتقاداً مشفقاً معظماً مهرباناً »
« قریب دو سال میشود که دوستدار بتوسط جناب جلال‌الماب غراف مدم وزیر »
« مختار سابق دولت بپیه روسیه بحضور شرافت دستور اعلیحضرت قدر قدرت قضا »
« شوکت امپراطور خجسته طور اعظم اکرم عرض و استدعا نمود که چون امر معیشت »
« و مخارج من باید از ممر حلال بگذرد و دیناری از مداخل و مالیات ممالک محروسه »
« ابراراً بر خود حرام میدانم اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاهی خلداله ملکه »
« و سلطانه و افاض علی العالمین یده و احسانه شیلات بحر خزر از اترك تا آستارا »
« را که داخل انفال است و موافق شریعت مضهره اسلام بمن میرسد بموجب فرمان جهان »
« مطاع بمن واگذار فرموده اند اعلیحضرت امپراطوری در عوض اینکه من خیر »
« خواه دولتین و اخلاص کیش حضرتین هستم مقتضی هم عالیه ملوکانه آنست که مرا »
« مشمول هر نوع عوارف و عوطف خود فرمایند احکام مطاعه اعلیحضرت امپراطوری »
« صادر شود که تبیه آن دولت بپیه بهیچوجه من الوجوه مداخله در امر شیلات بحر »
« خزر نکرده گذارند که مستاجرین شیلات مزبوره در کمال فراغت و آسودگی مشغول »
« امر صیادی و سماکی بشوند که بتوانند از عهده اجاره برآیند و آنچه از تبیه آن دولت »
« بپیه پیشتر متعرض شیلات برخلاف حساب شده اند از عهده غرامت برآیند درین باب »
« هر وقت از جناب معزی الیه مطالبه جواب شد بهتر و بهانه متمسک شده جوابی »
« کافی و شافی از جناب معزی الیه استماع نیفتاد چنانچه در باب قراسیمف که چند »
« سال باترك و گرگان و قلتق استرآباد آمده صید میگردد هر قدر مطالبه خسارت »

« شد و جناب معزی الیه وعده وصول فرمودند اما وفا نکردند بسوجایف حاجی »
« ترخانیه که در رودخانهای مازندران صید میکرد بجناب معزی الیه اظهار شد که »
« اولاً مشار الیه ورشکسته و مفلس است و بدون اذن و اجازه من صیادی رودخانهای »
« مازندران را بدیگری در عوض طلب و اگذار کرد و مخالف قرارداد او رفتار »
« نموده است بقاعده هردولتی اجازه آن باطل است ثانیاً موافق سواد فرمان که »
« در دفتر خانه مبارک ثبت است اجاره سوجایف منقضی شده است اگر سخنی درین باب »
« دارند اصل فرمان مبارک را ابراز کنید تا معلوم شود ابراز نکردند و برخلاف »
« حساب همچنان مشغول صیادی رودخانهای مازندران شدند در گیلان باینکه سفید »
« رود در اجاره عالیجه حاجی میرصادق دریابیکگی رعیت دولت علیه ایران بود و »
« بعلمت نرسانیدن وجه اجاره با و فسخ اجاره شده با جاره عالیجه میرزا اسمعیل میزان »
« آقاسی گیلان داده بود و جناب معزی الیه نوشتجات دولتی که در دست است »
« مستحضر شده خود سفارشات مؤکده در باب عمله و صیادی و فروش ماهی باور داده »
« بودند و مشار الیه مبالغی کلی اسباب صیادی تدارک کرده یکسال هم در آنجا صید »
« کرده بود مگر ذلك جناب معزی الیه بطورهای ناخوشی بر خواسته بعنف از »
« اولیای دولت علیه سفید رود را که سالی پنجهزار تومان اجاره دارد سه ساله »
« سالی هشتصد و پنجاه تومان برای عالیجه حاجی میرصادق اجاره گرفتند و اگر »
« آنجناب درین باب غوررسی باشند نوشتجات و مستندات همه حاضر است و بملاحظه »
« آنجناب خواهند رسانید . »

« علی ای التقادیر در عوض اعانت و حمایت بطوری جناب معزی الیه بی اعتنائی »
« فرمودند که مداخل شیلات که سالی قریب پانزده هزار تومان میشد پنج شش هزار »
« تومان بیشتر عاید دوستدار نشد و از بس بخلاف حساب تبیه آن دولت بپیه مداخله »
« در امر شیلات دوستدار کرده اند و بدون اذن و اجازه و اجاره آمده اند صید »
« نموده اند چنانچه همین روزها آمده اند بسان کاله (؟) صید مینمایند که با آنجناب اظهار »
« شد و کاغذ دادند کسی جرئت نمیکند شیلات را اجاره نماید چنانچه در همین اوقات »
« ده دوازده کشتی از تبیه دولت بپیه روسیه آمده اند الی اشرف بدون حق و حساب »
« صید مینمایند لهذا نظر بکمال اتحادی که فیما بین دوستدار و آنجناب است و »
« دوستدار آنجناب را شخص بزرگ و نجیب و عاقل و صاحب مدرک و با انصاف »
« میدانند و نهایت اطمینان و اعتقاد بدوستی آنجناب دارد درین باب که امر دولتی نیست »
« و متعلق بدوستدار است از آنجناب سؤال میکنند که اگر دوستدار را محقق میدانند »
« و شیلات بحر خزر را متعلق بدوستدار میسازند نظر اهتمامی گماشته هر چه پیشتر »
« درین باب تمدنی و احصاف شده است گرفته و قدغن شدید بفرمایند که بی اذن و رخصت »
« دوستدار در هیچ مکان از فرضات و سواحل بحر خزر از اترك تا آستارا تبیه دولت »
« بپیه روسیه مشغول صیادی نشوند و آنچه صفاین (کذا) تبیه دولت بپیه روسیه »
« برای صیادی آمده اند معاودت نمایند اگر آنجناب دوست مشفق معظم خاطر »
« جمع اند که آنها اطاعت بحکم آنجناب خواهند کرد و صیادان مزبوره مراجعت »

« خواهند نمود دوستدار را مطمئن سازند و اگر میدانند که آنها بحکم آنجناب »
 « نخواهند کرد و بزور خود مرتکب این عمل میشوند اذن بدهند که خود درینباب »
 « عریضه بحضور سعادت دستور اعلیحضرت امپراطوری عرض کرده رفع این تعذبات »
 « از عدل و انصاف ملوکانه اعلیحضرت امپراطوری مستدعی شود چون لازم بود »
 « مصدع شد متوقع است که جوابی بزودی در ینباب مرقوم و ارسال دارند »
 تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۲

(درحاشیه این نامه عبارات ذیل هم نوشته شده)

« اما ازاینکه بحمدالله تعالی آنجناب دوست مشفق معظم بحسن انصاف و نیکی »
 « اخلاف موصوف و معروفند و بهیچوجه راضی بضرر دوستدار نیستند انشاءالله چه »
 « در باب قراسیف چه در امر سوجایف چه در کار سفید رود قرار منصفانه خواهند داد »
 « و بزودی تدارک خسارت های گذشته را خواهند فرمود و از برای آینده حکمی »
 « موکد صادر خواهند کرد که از صیادان و غیره صیادان دولت بیه روسیه بدو »
 « اجازه واذن دوستدار صید نمایند و از این راه ضرر بدوستدار نرسانند تا دوستدار »
 « در کمال اطمینان و خاطر جمعی بتواند شیلات را با آدم معتبری اجازه بدهد و او را »
 « از خلاف حساب مطمئن سازد . تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۲ »

سفارت روس در جواب نامه زیر را بحاجی میرزا آقاسی نوشته و وعده میدهد که از عملیات کسانی که بدون اجازه مشغول صیادی هستند جلوگیری کند.

« جناب جلالت و نبالت نصابا کفایت و کفالت اتسبابا محبان نواز معظم مشفق مکرّم عالی مقاماً »
 شرح آنجناب دوست مشفق معظم رسید در ضمن آن بطریق دوستانه اشاره رفته بود از شکوه و شکایت حرکات تجاوز در امر صیادی که از بعضی تبعه روسیه در سواحل بحر خزر بظهور میرسد بحسب خواهش آنجناب مشفق معظم ، دوستدار بالاتامل بعالیجاه دریاییکی خواهد نوشت که اسامی آنکسانرا معلوم کند که مرتکب بعمل صیادی شدند در جاها و مکانی که غیر مقرر در فرمان مبارک که بسوجایف داده شده و در صورتیکه برخلاف مضمون آن رفتار شده عالیجاه مشار الیه در مقام ممانعت بر آمده قدغن نماید که موقوف کنند در باب اصل فرمانی که بسوجایف داده شده است دوستدار بعالیجاه بیکلر بیکی حاجی طرخان خواهد نوشت که آنرا گرفته ارسال دارد تا منتهای دقت و غور روی نسبت بوعده اجازه که اولیای دولت قاهره بسوجایف داده بعمل آید بهر طور باشد آنجناب میتواند متقاعد باشند که سفارت دولت بیه روسیه هرگز در صدد آن نخواهد بود که ضرری یا نقصانی بصرفه مخصوص آنجناب برسد و دوستدار تکلیف و وظیفه خود را میدانند که حسب الاظهار آنجناب شرح مذکور را باطلاع اولیای دولت بیه روسیه برساند . زباده مصدع نشد - تحریراتی ۴ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۲ »
 اختلاف حاجی میرزا آقاسی باروسها تا پایان حل نشد و همیشه شکایت و اعتراض طرفین باقی بود .

یکی دیگر از نامه های سفارت روس در این مورد که در اواخر بحاجی میرزا آقاسی نوشته شده این است .

« جناب شوکت و جلالت نصاباً عظمت و حشمت ما با دوستان استظهارا محبان نوازا مشفقاً مکرماً معظماً »
 شرح آنجناب مشفق بر شیلات بحر خزر که از روی اجازه نامحبات عدیده صیادی آنها بتوسط دستگیری سفارت دولت بیه برعابای روس و ایران واگذار شده رسید در باب شیلات سفید رود برخلاف آرزوی دوستدار در عمل آوردن رضای آنجناب اجازه نامه فیما بین جناب سامی و مرحوم حاجی میر صادق متعین شرایط میباشد

که دوستدار را امیگنارد راضی بر بطلان آن قبل از انقضاء وعده بشود زیرا که گذشت حاجی میرابوطالب خان از مطالبه خساراتیکه بملت برهمزدن دولت علیه اجازه نامه قدیم باو رسیده بود مشروط بر این بود که تمهیدات مندرجه در اجازه نامه دو سال قبل بعمل آید بنام علیه وفات حاجی میر صادق نباید ضرر بخیر اولاد او برادران او که رعابای دولت بیه روسیه هستند و حق حمایت از دولت بیه دارند برساند عدالت مشهوره آن جناب مشفق مکرّم دوستدار را متقاعد میسازد که آنجناب مشتبه نخواهند شد بر سر جهاتیکه دوستدار را مجبور دارد اینگونه جواب بنویسد و بجهت اینطور رفتار دوستدار که از روی مروت و انصاف است تغییر اعتقاد در حق دوستدار نخواهند داد در خصوص اینکه مرقوم داشته اند سوجایف رعیت دولت بیه برخلاف التزام که داده است همین در آبهای مفصله در فرمان مبارک صید نماید تجاوز میکند دوستدار در این باب شروع موده هم بدریایکی دولت بیه روسیه وهم بقونول استرآباد که مراتب اخلاص او به آنجناب معلوم است نوشته است و بملاوه صرار نوشته است که اصل فرمان که در دست سوجایف است بسفارت بفرستد تا مشخص شود وعده آن که باعقاد آن جناب تغییر داده شده است

زباده مصدع شود فی هشتم شهر صفر سنه ۱۲۶۳

جواب حاجی میرزا آقاسی نیز باین شرح است .

« جنابا »

« مختصر شرحی که در جواب کاغذ مفصل دوستدار که در باب شیلات بحر خزر »
 « با آنجناب اظهار داشته بود در هشتم شهر صفر در باب سفید رود مرقوم و ارسال داشته »
 « بودند که برخلاف آرزوی آنجناب در عمل آوردن رضای دوستدار اجازه نامه فیما بین »
 « دوستدار و مرحوم حاجی میرصادق دریایکی متضمن شرایطی می باشد که آنجناب »
 « را نمی گذارد راضی بر بطلان آن قبل از انقضاء وعده شود زیرا که گذشت حاجی میر »
 « ابوطالب خان از مطالبه خساراتیکه بملت برهمزدن دولت علیه اجازه نامه قدیم باور رسیده بود »
 « مشروط بر این بود که تمهیدات مندرجه در اجازه نامه که سال قبل بعمل آمد رسید »
 « لازم شد بجواب مصدع آید که دوستدار چنین از محبت و مروت جناب سامی و حسن »
 « انصافی که دارند توقع نداشت که غور روی نکرده بسنت جناب غراف مدم وزیر مختار »
 « سابق عمل نمایند و میرابوطالب خان را محقق در مطالبه خسارت بهات برهمزدن اجازه »
 « بدهند حقیقت ماجرا این است که اولاً تا مرحوم دریایکی بکر بلای عملی نرفته »
 « بود مرحوم حاجی میرابوطالب خان اصلاً ادعائی نداشت که شیلات را قبل از انقضاء »
 « وعده دوستدار از دست دریایکی گرفته و باین واسطه ضرر و خسارت باور رسیده »
 « اما همینکه دریایکی بملت بیست هزار تومان وجه اجازه که از سابق مانده بود و »
 « دوستدار از او مطالبه می کرد فراراً بکر بلای عملی رفت حاجی میرابوطالب خان »
 « بپیدان آمد و مدعی بر این شد که شیلات را در انقضاء وعده سه ساله که مقرب الخاقان »
 « امیر دیوان اجازه دار بود دوستدار پس گرفت و باین واسطه ضرر باور ساند دوستدار »
 « هرچه بجهت اثبات چنین دعوی از حاجی میرابوطالب خان دلیل و برهان و سند »
 « خواست بشیر از عریبه و تهدید و نوشتجات تند و تلخ جناب مدم چیزی مشاهده نکرده »
 « دوستدار بجهت رفع عریبه جوئی و معرکه آرائی که هر روز جناب غراف مدم برپا »
 « می کرد و شیل سفید رود را بوعده سه ساله باین خیال داده که هر وقت دریایکی »
 « مراجعت نماید اگر مصدق دعوی برادرش باشد از خود او دلیل و برهان و سند »
 « بخواهد و اگر منکر دعوی برادرش باشد خود دریایکی از عهده شلتاق و نحاسی »

« برادرش بر آید بعد از مراجعت دریا بیک می مجال این گفتگوها نشد تا برحمت خدا »
 « رفت خالاهم که جناب سامی غور نفرموده چنان می دانند که دوستدار قبل از انقضای
 « وعده سه ساله شیلات را از دست دریا بیک می پس گرفته است و می ترسید جناب غراف »
 « مدم نزد اولیای دولت بهیبه روسیه هم دوستدار را بدنام کرده باشد لهذا از آنجناب »
 « توقع دارد که مجلس اجلاسی قرار بدهند و مستندات دوستدار و دریا بیک می را ملاحظه »
 « نمایند چنانچه دوستدار قبل از انقضای وعده از دریا بیک می شیلات را پس گرفته باشد »
 « دوستدار وجه اجاره شیل سفید رود و طلب سابق خود را مطالبه نخواهد کرد و »
 « هرگاه حق باد دوستدار باشد احقاق حق فرمایند و مبلغ بیست هزار تومان طلب »
 « سابق و منافع این مدت که شیل سفید رود را در تصرف داشته اند بگیرند و بدوستدار »
 « برسانند خلاصه از جناب سامی توقع است که با مجلس اجلاس در بنیاب قرار بدهند »
 « یا مقرر دارند شیل سفید رود را بتصرف کسان دوستدار بدهند یا مقرر دارند »
 « محصول سفید رود را داخل و تصرف نمایند برسم امانت در حاجی ترخان نگاهدارند »
 « تا دوستدار چگونگی را بدربار بطرز بورغ عرض نموده از آنجا آنچه حکم برسد »
 « از آن قرار معمول شود دیگر سالی پنجهزار تومان گمرک ماهی میشود که سه ساله »
 « پانزده هزار تومان می شود قراری نیز باید در این باب داده شود زحمت کشیده »
 « جوابی مطابق سؤال نزدی مرقوم دارند که تکلیف خود را بدانند چون لازم »
 « بود مصدع جناب سامی شد تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۳ »
 ولی گویا هر چه حاجی میرزا آقاسی بیشتر التماس و درخواست می کرده روسها
 بهامیای خلاف آمیز خود بیشتر ادامه میدادند که در تاریخ شعبان سال ۱۲۶۳ نامه ذیل
 را نوشته و بآنها میگوید

« هل جزاء الاحسان الا الاحسان »

این نامه را حاجی میرزا آقاسی با خط خود بوزیر مختار روسیه نوشته است.

« بتاريخ ۱۰ شعبان المعظم سنه ۱۲۶۳ »

« جناب جلالت و نبالت نصایباً مجدت و نجت اکتساباً کفالت و کفایت انتساباً »
 « دوستان نوازا محبان اعتقاداً جناباً »
 « جنابا بعد از مدتها که انتظار کشید عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی گیلان »
 « را که همه امور و املاک و شیلات دوستدار در دست اوست معطل »
 « نموده خسارتها حاصل آمد جواب مراسله دوستدار را بآن نحو »
 « نگاشته بودند خدای آفریننده آسمان و زمین عالم است که دوستدار عاشق مال »
 « دنیا نیست والا چرا همیشه مدیون و مقروض بود مرا خیال اینکه چهارده سال است »
 « بصداقت بهر دو دولت عظمی بی طمع و توقع خدمت میکنم که این خدمت کلیه »
 « منظور اولیای دولتین علیتین است غافل از اینکه بقدر سوجایف در دولتها اعتباری »
 « واحترامی نداشته ام زحمت داده بودم که اگر سایر شیلات است موعده آنها منقضی »
 « گشته و از آستارا الی کرگان و اترک همه شیلات میباشند مستاجرین آنجا ها اسبابی »
 « دارند و آدم دوستدار باید تدارک صید و اسباب آنها نماید فردا کسان مستاجرین »

« خواهند گفت که آدمهای دوستدار فلان چیز را بردند و فلان چیز را تصرف »
 « نموده و ما به دردمس خواهد شد نوشته آنجناب جلالت مآب معیان نوازی بدهند »
 « که بعد از فلان مدت دیگر کسان مستاجرین مداخله در شیلات نباید بکنند و اسباب »
 « و اشیاء خود را جمع آوری نموده بروند و مانع کسان دوستدار نشوند که آنها انبار »
 « و اسباب آنها را سرانجام نمایند و در میان بیجهت گفتگو نشود و باعث پر زحمت »
 « دوستدار و سرکار آنجناب جلالت مآب نشود در این باب هیچ حکمی نفرموده بودند »
 « و اگر شیل سفید رود است که جناب غراف مدم محض تعدی از دست دوستدار گرفته بجای »
 « میرا بوطالب خان داد که نه باوشیل داده بودند و نه او حرف میتوانست بزند باری مضمی ماضی »
 « نزدیک با تقاضاست و باید تدارک و صیادی آنها از حالا دیده شود با آنجناب جلالت مآب »
 « زحمت داد که اگر حرفی باقی نمانده حکمی بکسان مستاجرین مرقوم دار بد تا برای دوستدار »
 « اطمینان حاصل شود تا تدارک صید پیش از وقت دیده شود هنگام رسید موعده مصلحتی حاصل »
 « نگردد والا باز حرف بمیان خواهد آمد و خسارت کلیه خواهد رسید آنوقت »
 « اختیار با سرکار جناب جلالت مآب خواهد بود که دوستدار بحول الله تمالی احتیاج »
 « چندان بشیل و شیلات ندارد خلاصه توقع از آنجناب جلالت مآب در مقام دوستی این »
 « است که حکمی بها کم حاجی ترخان مرقوم فرمایند که اگر اسبابی یا عملی برای »
 « عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی گیلان ضرور باشد ممانعت نکرده بلکه معاونت »
 « و تقویت نمایند دیگر بمالیجاه بلند جایگاه قونسول گیلان مرقوم فرمایند که »
 « هنگام موعده باید شیل سفید رود مفروض بمالیجاه میزان آقاسی شود دیگر حرف »
 « و گفتگویی بمیان نیاورند دیگر بمالیجاه بلند جایگاه دریا بیک می استر اباد بهمین »
 « مضمون این طغرا نوشته مرا مرقوم میدارید که دوستدار هم بولی میدهد و اسباب و »
 « مایحتاج تدارک می کند دیگر من بعد سالی اقلایکصد هزار تومان ضرر شیلات را »
 « نمی کشد و منفعتی تحصیل می نماید و اگر مرقوم نمیدارید بیجهت زحمت نکشد و »
 « پول مفت خرج نماید جواب کاغذ دوستدار این است والا دوستدار میدانند که »
 « سال تمام است شیلات مال دوستدار را سوجایف یا غیر متصرف می باشند و ضرر »
 « بدوستدار میرسد و بدولت فخریه روسیه هیچ عاید نمی شود و اولیای دولت ایران »
 « هیچ اطلاع ندارند که دوستدار در این نه سال چقدر ضرر برای خود قبول نموده »
 « حرفی بزبان و بیان نیاورده - زیاده مصدع نیست هل جزاء الاحسان الا الاحسان »
 باقی ایام جلالت مستدام »

امیر کبیر
 و
 شیلات
 یکی از کارهای میرزا تقی خان امیر کبیر در دوران
 صدارت خود جلوگیری از توسعه نفوذ و کوتاه ساختن دست
 خارجیان از امور ایران بود.

بی ترتیبی وضع شیلات و دخالت نمایندگان سیاسی و کنسولی روسیه تزاری در
 امور آن بعنوان حفظ منافع اتباع روس از موضوعاتی بود که امیر باصلاح آن توجه خاصی
 مبذول می داشت.

امیر کبیر برای این منظور تصمیم می گیرد شیلات را بمیرزا ابراهیم خان دریایی تبعه ایران اجاره داده و او را مسئول این کار بدارند .

بدستور امیر کبیر میرزا محمد علی خان نایب اول وزارت امور خارجه در ماه ربیع الاول ۱۲۶۵ نامه ذیل را بوزیر مختار روس می نویسد و ضمن اطلاع این تصمیم از او می خواهد که « کمال اعانت و حمایت را از میرزا ابراهیم خان و کسان او بنمایند »

« جناب جلالت و نبالت نصابا معجده و فضامت انتسابا مخلص استظهارامشفا معظما »
 « جناب جلالت مآب اتابك اعظم امیر کبیر دام اجلاله خودشان شیلات بحر خزر را از »
 « آستارا الی اترك باجاره دادند عالیجاه میرزا ابراهیم خان دریایی رعیت »
 « دولت علیه ایران از اینکه باید اسباب صیادی از حاجی طرخان بیاورد و تهیه و »
 « تدارك خود را آن طرفها نمایند لهذا از آن جناب متوقع است که شرحی در سفارش »
 « او بجا کم حاجی طرخان مرقوم دارند که اسباب صیادی که عالیجاه مشارالیها »
 « می خواهد باینطرفها بیاورد ممانعت ننمایند و کمال اعانت و حمایت را از او و »
 « کسان او بنمایند و نیز سفارشی بزرگ سفاین حربیه قلمی دارند که عالیجاه »
 « مشارالیه را مستاجر شیلات بحر خزر دانند که دیگری در امر شیلات مداخله »
 « نداشته باشد چون لازم بود خدمت آن جناب مصدع آمدت تحریراً فی شهر ربیع الاول »
 « سنه ۱۲۶۵ »

موضوع اجاره دادن شیلات بحر خزر به میرزا ابراهیم خان مورد اعتراض وزیر مختار روس واقع شد و بناوین مختلف در صدد شکایت و کار شکستی بر آمدند - وزیر مختار روس بامیر کبیر چنین مینویسد .

« آئینجناب میدانند که عالیجاه میرزا ابراهیم خان که امر صیادی در بحر خزر بناو واکذار شده است اقوامیکه تبعه دولت بهیه روسیه میباشند دارد فیما بین ایشان و عالیجاه مشارالیه اموال موافق قاعده و قانون تقسیم شده است و باین جهت جواب استعمال مایملک که آن ها جمع المال میباشند در عهده عالیجاه میرزا ابراهیم خان است و مشارالیه نمی توانند که اقوام خود را از منافعی که از این معاملات حاصل می شود محروم سازد از روزیکه جناب سامی اراده ظاهر فرموده بودند که شیلات مزبور را به عالیجاه مشارالیه تفویض و واگذار فرمایند دوست دار بجناب سامی حالی و خاطر نشان نمود مراتهائی را که از برای دولتین بهیتین حاصل خواهد شد از روابط خوبی و قرباتی که بمهر روسیه با عالیجاه میرزا ابراهیم خان دارند در این اوقات عالیجاه میرتقی و دو نفر دیگر اولاد مرحوم حاجی میرزا بوطالب خان نزد قونسول اعلیحضرت امپراطوری مقیم دارالمرز رشت در مقام شکوه و شکایت برآمدند که عالیجاه میرزا ابراهیم خان در رسانیدن حصه و رسیدی که از مایملک ایشان بهم میرسد مبالغه فنی نماید حتی محاسبه استعمال اموال مزبور را نیز پس نمی دهد .

لهذا موافق عرایض و اسرار ایشان عالیجاه رفیع جایگاه قونسول معزی الیه بجهت حفظ مرصه رعایای روسیه لابد شده که باطلاع سرحدار دولت علیه ایران موازی بیست و دو تنای سریش ماهی که میرزا ابراهیم خان میخواست بپاک روسیه بفرستد ضبط و نگهداری نماید دوستدار به عالیجاه قونسول حکم داد که لازمه تدبیرات را از برای محافظت رعایای روس از بی حسابی و خودسری عالیجاه میرزا ابراهیم خان بکاربرد عالیجاه معزی الیه آن چه که حق و کیفیت امورات اقتضا مینماید البته بعمل خواهد آورد ولی دوستدار باید آن جناب مشفق مهربان را مطلع و مستحضر نماید از عملیکه توشیه فوری و عبرت از برای سایرین باشد اقتضا میکند عالیجاه میرزا ابراهیم خان بدو نفر از کسان خود میرمهدی و میر اسمعیل خان در اتزلی حکم داده بود که امهار قونسولگری که اجناس ضبطی به آنها مهور بود بشکنند این نوع رفتار مقتضی آنستکه هیچ دولتی نمی تواند متحمل شد لهذا از جناب سامی

متوقع است که بکار گذاران اعلیحضرت امپراطوری رضامندی که ایشان حق دارند مطالبه نمایند بدهند عالیجاه غراف صاحب که همین مراسم را بنظر جناب سامی خواهد رسانید مامور است که به آن جناب جلالتماب در این باب گفتگو نماید چون لازم بود مزاحم گشت تحریراً فی سیم شهر شعبان المنظم ۱۲۶۵ »

امیر کبیر باین اعتراضات ترتیب اثر نداد و برای مدت چهار سال شیلات را به میرزا ابراهیم خان دریایی اجاره داد و هر وقت اتباع روس در امور شیلات دخالت میکردند از اینکار جلوگیری و بسفارت روس اعتراض میکرد .

چنانکه در نامه ای بتاریخ ماه رجب ۱۲۶۶ بوزیر مختار روس مینویسد
 « حاجی عباس نام گیلانی ساکن استرآباد که از جانب میرزا ابراهیم خان دریایی مباحثه »
 « امور شیلات استرآباد است عربضه ای خدمت اولیای دولت قاهره نوشته است که در »
 « این اوقات که دو نفر از رعایای دولت بهیه روسیه یکی مسمی به پسر گفتان نیک و »
 « دیگری عامل مسمی به متکالف باچند فروند کمی وارد استرآباد شده مداخله در امر »
 « شیلات مینمایند و خلاصه از قیمت متعارفه از طایفه تر کمانیه خریداری ماهی مینمایند »
 « از اینکه شیلات استرآباد از اترك الی آستارا در اجاره عالیجاه میرزا ابراهیم خان »
 « است و اینطور رفتار خلاف قاعده و حساب است لذا از جناب سامی متوقع است که »
 « زحمت کشیده شرحی بدریایی مرقوم دارید که قدغن نماید تبعه دولت بهیه »
 « روسیه ماهی از طایفه تر کمانیه خریداری ننمایند و اگر طایفه تر کمانیه صید »
 « ماهی مینمایند بآدمهای عالیجاه میرزا ابراهیم خان دریایی بفرشند و نیز قدغن »
 « نماید که مشارالیه کنی های خود را از آنجا برداشته بروند و مداخله در امر شیلات »
 « عالیجاه مشارالیه ننمایند . چون لازم بود اظهار شد فی شهر رجب ۱۲۶۶ »

میرزا ابراهیم خان از اولاد میرزا قاسم سابق الذکر و با بعضی از برادران و خویشان خود که تابع دولت روسیه بودند جمع المال بود و به همین جهت برای آنکه این موضوع وسیله دخالت مامورین روسیه تزاری در امور شیلات نباشد و از بهانه جوئی آنها جلوگیری کند هنگامی که میرزا ابراهیم در پرداخت قسط دیوانی تاخیر کرد امیر کبیر اجاره نامه را فسخ و شیلات را بمیرزا اسمعیل و محمدولی بیک نامی اجاره می دهد .

میرزا آقاخان فوری و شیلات

میرزا آقاخان نوری در دوران صدارت خود برای کوتاه ساختن دست روسها از سواحل بحر خزر کوشش زیادی مبذول داشت چنانکه دیدیم از ورود کشتی های جنگی روس به مرداب اتزلی جلوگیری نمود و همچنین در مورد شیلات بمنظور کم کردن نفوذ و تسلط روسها در امر صید ماهی با اجاره شیلات باتباع روس مخالفت می کرد و نسبت برعایا و ماهیگیران روسی در دوران صدارت او از طرف مامورین ایرانی تضییقاتی ایجاد میشد چنانکه وزیر مختار روس در نامه اعتراضیه ای در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۹ بمیرزا آقا خان صدر اعظم می نویسد :

« وزیر مختار دولت روس برطبق عربضه عالیجاه ابوالفاسکی صاحب قونسول کیلان تکلیف خود را می داند که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی را ملتفت سازد برسوء رفتاری که معمول می شود در حق رعایای روسی که مشغول صیادی در شیلات سفیدرود از جناب مباشرین و آن شیلات میباشند قطع نظراز قلیل اجرتی